

# تکنیک های آموزشی – رفتاری برای کودکان در خودمانده

ترجمه قسمت هایی از کتاب The Me Book نوشته پروفیسور Lovaas

## «بخش اول»

### مقدمه مترجم

مربیان و والدین محترم، مطالبی که پیش رو دارید برگرفته از کتاب نوشته پروفیسور لووآس مربوط به آموزش کودکان اوتیسم است. هدف از انتشار این مطالب در اختیار قرار دادن اطلاعات و راهکارهایی برای افزایش کیفیت آموزش و بالا بردن سطح آگاهی خانواده ها و مربیان عزیز می باشد. مواردی که در این جزوه مورد بررسی قرار می گیرد به والدین می آموزد که چگونه می توانند با صرف وقت، و به کارگیری دقت بیشتر با کودکان خود رفتار کنند و موارد مورد نیاز کودکان را چگونه به آنها آموزش دهند که اشتیاق یادگیری در فرزندشان شکوفا شود. ما می توانیم با راهکارهایی که در این جزوه ذکر گردیده بچه ها را هم از لحاظ آموزشی و هم از لحاظ رفتاری یاری نماییم

### مرکز آموزش و توان بخشی کودکان اوتیسم

#### برخی از نکات احتیاطی درباره فلسفه درمان آموزش :

نخست اینکه، هیچ روشی که بتواند تمام مشکلات افراد ناتوان ذهنی را حل کند، وجود ندارد. البته افرادی که سعی دارند به این اشخاص کمک کنند، به تعدادی از تکنیک های آموزشی نیاز دارند. به عنوان مثال: روش هایی که برای محبت کردن و یا ترساندن یک کودک نابینا به طور ویژه ای خوب جواب می دهد. ممکن است برای یک کودک اوتیسم سرکش تا اندازه ای متفاوت باشد. به هر حال (( معلم، درمانگر یا والد )) باید انعطاف پذیر، خلاق و قادر بر ایجاد تنوع در تکنیک ها و روش ها باشد

در آغاز کار، اهداف کوچک را مورد بررسی قرار دهید، به گونه ای که شما و کودکان مورد توجه قرار گیرید. مراحل کوچک رو به جلو را بیابید. به جای امید داشتن و تقلا کردن برای دسترسی به برخی از ایده آل های دست نیافتنی و یا فراتر از حد انتظار باید به مجموعه ای از اهداف کوچک تر توجه کنید. برنامه ها در توالی توسعه یافته ای گسترش داده می شوند، به طوری که برنامه های آغازین باید قبل از موارد دیگر شروع شوند. زمانی که یک برنامه آغاز می گردد بچه موفقیتی در برخی از مهارتهای اولیه کسب کرد، برنامه های بعدی ممکن است به گونه ای ارائه شوند که زیر مجموعه برنامه های نخستین باشند. اکثر برنامه ها تداوم دارند به طوری که دارای هیچ نقطه پایانی معنی داری نیستند. همچنین در آغاز ممکن است یک کودک سه یا چهار برنامه را دریافت دارد. (به عنوان مثال در ماه های نخستین، او در جریان برنامه مربوط به کاهش عصبانیت، نشستن به طور مناسب، ایجاد تماس چشمی و توسعه تقلید غیر شفاهی قرار می گیرد). در حالی که یک سال بعد ممکن است 40 برنامه جاری را دنبال کند. برنامه های آغازین با جزئیات مرحله به مرحله به طور قابل توجهی گسترده می شوند. چنین جزئیات وسیعی در برخی موارد فراوان به نظر می رسند، اما ما ترجیح داده ایم که با دقت به آن ها نگرینسته شود

## فصل اول

### انتخاب پاداش:

پاداش هاي مثبت: معمولاً وقتي بچه کاري را درست انجام داد، او را با اين عبارات تشويق کنيد: (( اين جا يک تکه شيريني به عنوان پاداش وجود دارد)). ((امشب مي تواني ديرتر بخوابي)). ((مي تواني يک تکه بستني بخوري)). يا چيزهايي شبیه به اين جملات را بيان کنيد. بنا بر اين شما چيزي را به او مي دهيد که علاقه دارد. در آغاز کار، پاداش ها بايد کاملاً واضح و واقعي باشد (مثل بستني و بوسه). زماني که کودک مورد نظر پيشرفت مي کند، جوايز معمولاً کم رنگ تر مي گردند، به گونه اي که در اين هنگام فقط توسط يک نگاه يا برخي از تصديقات اندک رفتار فرد، انتقال داده مي شوند. خيلي از معلم ان احساس مي کنند که رفتارهاي معين، ممکن است خودشان در حال تحسين قرار گرفته شوند و پاداش هاي ديگر مثل غذا و تحسين اجتماعي براي ابقاي رفتار، مورد نياز نيستند. اما در آغاز کار، تحسين کردن به خاطر رفتار ويژه، بايد صورت گيرد تا آن رفتار با اطمينان تثبيت شود. اين پاداش ها، مثبت ناميده مي شوند. موقعي که شما افراد ناتوان ذهني را تحسين مي کنيد، بر آن رفتار تأکيد زيادي داشته باشيد. مثلاً موقعي که مي خواهيد با بيان عبارات او را تشويق نماييد. کلمات ((آفرين)) ((خوبه)) يا ((عالي بود)) را با صدای بلند بيان کنيد. در صورتي که حصار وجود دارند از آن ها بخواهيد تا براي او دست بزنند و او را در آغوش بگيرند، ببوسند نوازش کنند. ما نوعاً همراه با تشويق و تحسين در غالب عبارات، از پاداش هاي خوراكي نيز استفاده مي کنيم. به عنوان مثال، شما با خورد کردن غذاي يک بچه و تبديل آن به تکه هاي خيلي کوچک (يعني بخش هايي به اندازه يک نيمه از قند، نوشيدن مقدار اندکي از مایعات، ليس زدن يک شکلات کارامل براي يک بار) مي توانيد هزاران پاداش را براي رفتار مطلوب ايجاد نماييد. شما بايد انواع گوناگوني از تصديق ها را به کار بريد و ببينيد کدام يک بهتر جواب مي دهد

### دوري از منفي ها:

نوع ديگري از پاداش، دوري از موارد منفي است. يک بچه نرمال نوعاً در رابطه با شکست يا ضعف احساس نگراني مي کند. درست انجام دادن رفتار، ناراحتي يا دلواپسي او را کاهش مي دهد. ليکن برخي از بچه هاي ناتوان ذهني به خاطر اشتباه کردن احساس ناراحتي و پريشاني ندارند. حتي اگر به طور قابل توجهي از هم نوعانشان عقب تر باشند و تحت کنترل قرار گيرند. غالباً قانع و خوشحال به نظر مي رسند و دنيا را همان طور که هست باور مي نمايند. در چنين مواردی معلم بايد با صرف نظر کردن از پاداش هاي مثبت يا عدم تصديق رفتارشان، به عنوان مثال با صدای بلند گفتن ((نه)) باعث گردد تا آنها به خاطر رفتار اشتباه تا اندازه اي احساس ناراحتي و عدم آرامش کنند. اين مورد انجام مي شود تا تحرک بچه ها جهت يادگيري را افزايش دهد و بنا بر اين به آنها کمک کند تا مشکلات بعدي را کاهش دهند. با جدي بودن در مقابل کودکتان و شايد با ايجاد ناراحتي و ترس اندک در او توسط فریاد کشيدن بر او يا تنبيه کردنش، تحسين هاي اجتماعي شما (گفتن ((آفرين)) بوسه ها و در آغوش کشيدن هاي شما) بلافاصله براي او موثرتر و مهم تر مي گردند به گونه اي که وقتي به او نشان داده ايد که شما نيز مي توانيد از دست او عصباني شويد، او شما را بيشتر تصديق مي کند

نکته مهم ديگر که بايد به خاطر داشته باشيد اين است که تا جايي که ممکن است خيلي زود از مرحله ي پاداش غذايي خارج شده و پاداش هايي مثل تحسين هاي رايج ((خوبه!)) ((عالي)) که نرمال و طبيعي هستند را به کار بريد. بچه به شما مي فهماند که چه موقع اين برنامه را تغيير دهد. اگر شما پاداش هاي غذايي را متوقف نماييد و رفتار بچه نامتناسب شود دوباره به سمت پاداش هاي غذايي برگريد و رفتارش را بهبود بخشيد، سپس دوباره اين تغيير جهت را آغاز کنيد

تنبيه:

یکی از روش های تنبیه کردن این است که عملی را انجام دهیم که برای بچه ناخوشایند باشد. به عنوان مثال با صدای بلند گفتن ((نه!)) از جمله این موارد است. برای برخی از بچه ها، گفتن کلمه ((نه!)) تمام آن چیزی است که شما باید بگویید تا آن ها کاری را که انجام می دهند، متوقف نمایند. مواردی را امتحان کنید که بچه از آن ها بیزار است و شما می توانید از آن ها به عنوان تنبیه استفاده کنید. به عنوان مثال برخی از بچه ها از ورزش کردن نفرت دارند، بنابراین شما می توانید در زمان وقوع رفتار نامطلوب از ورزش هایی (مثل بشین- پاشو یا دویدن به دور ساختمان) استفاده کنید

### **Time-out: محروم کردن**

غالباً این حالت ((محروم کردن)) می تواند به طور ساده با روی گرداندن معلم از بچه به صورت عدم نگاه به او، یا کمی گسترده تر با قراردادن بچه در گوشه اتاق و شاید در حالت شدیدتر، قرار دادن او در یک اتاق مجزای بدون جذابیت و فارغ از فعالیت های مطلوب دیگر انجام شود. فاکتور معمول این اعمال، این است که آن ها به بچه نشان دهند که یک مدت زمان معینی وجود دارد که در آن هنگام او به انجام فعالیت های مطلوبش دسترسی نمی یابد و در آن موقع نمی تواند آن ها را انجام دهد. ممکن است بچه به مدت 3 تا 5 دقیقه در محرومیت قرار داده شود، به طوری که در 30 ثانیه آخر او باید کاملاً ساکت باشد. اگر در موقعی که بچه عصبانی می شود، او را از حالت محرومیت خارج کنید شما سهواً او را به خاطر عصبانیتش تشویق نموده اید. همچنین مواظب باشید که بچه را بیش از 5 دقیقه در محرومیت نگه ندارید

### **Over correction: جبران اضافی**

شاید بهتر این باشد که روش جبران اضافی با ارائه برخی از نمونه های کاربردی آن معرفی گردد. تصور کنید بچه شما به طور مکرر، شیر را بر کف آشپزخانه می ریزد. برای متوقف کردن چنین رویدادی در مراحل بعدی، باید او را وادار کنید تا نه تنها خودش این مقدار شیر را از روی زمین پاک کند، بلکه تمام کف آشپزخانه را نظافت نماید. سپس باید او را تمرین دهید تا لیوان های مملو از شیر را در آشپزخانه به دست گرفته و حرکت کند، بدون این که آن را بر روی زمین بریزد. هر مورد ریختن شیر برابر با تمیز کردن کل آشپزخانه است

## **فصل دوم**

### **نشستن مناسب:**

ممکن است عجیب به نظر برسد اما باید به بچه های خاص یاد داده شود که به طور صحیح روی صندلی بنشینند. این اولین تجربه یادگیری است که می تواند گام خوشایندی باشد. قبل از اینکه به برنامه های دیگر بپردازید، این برنامه را آموزش دهید. سه دستور مفید برای کمک کردن به بچه تا بتواند به طور صحیح در جلسات آموزشی بنشیند عبارتند از: 1- بشین 2- بلندشو 3- دست هایت آرام و راحت باشد.

### **بشین**

اولین دستور بشین است که همیشه لازم نیست آن را آموزش دهیم، اگر بچه نمی داند چگونه روی صندلی بنشیند باید از دستورات زیر پیروی کنید.

1- صندلی متناسب با اندازه ی بچه انتخاب کنید، صندلی را مستقیماً پشت سر بچه بگذارید.

2- دستور بشین را به بچه می‌دهیم و سپس به او کمک می‌کنیم (او را هل می‌دهیم یا او را هدایت فیزیکی می‌کنیم تا روی صندلی بنشیند).

3- وقتی کودک نشست، بلافاصله او را با مواد خوراکی یا پاداش‌های دیگر تشویق می‌کنیم.

4- به بچه می‌گوییم بلند شو (اگر لازم بود بلندش می‌کنیم) و سپس مرحله‌ی دوم و سوم را انجام می‌دهیم.

5- به بچه می‌گوییم بشین و کمک‌ها را کاهش داده و به تدریج آن‌ها را محو می‌کنیم.

آن قدر به بچه کمک می‌کنیم تا زمانی که خودش به تنهایی بنشیند. پاداش‌ها وقتی داده می‌شود که بچه روی صندلی نشسته باشد. در گام‌های بعدی به تدریج فاصله صندلی و بچه را افزایش دهید.

اگر قبل از اینکه شما از او بخواهید، بلند شد با تأکید (شاید با جدیت) او را سرچایش بنشانید آن قدر که او به خاطر بلند شدن از روی صندلی بدون اجازه شما، ناراحت شود.

حالا باید دستور ((بلندشو)) را مطرح کنیم. ابتدا او را راهنمایی کنیم و اگر لازم شد بچه را از روی صندلی بلند کنیم و به او پاداش دهیم. به خاطر داشته باشید وقتی به او می‌گویید ((بنشین)) بنشیند و وقتی می‌گویید ((بلند شو)) بلند شود.

بچه باید در انجام اینکه به دستور شما روی صندلی بنشیند، مهارت پیدا کند. در ابتدا به مدت 5 ثانیه روی صندلی بنشیند و به تدریج این زمان را افزایش دهید.

### **درست نشستن(صاف نشستن):**

بچه می‌تواند روی صندلی بنشیند، اما ممکن است روی صندلی خم شود یا سر بخورد.

اگر بچه به این صورت روی صندلی نشست، مطمئناً به طور شایسته‌ای به آموزش توجه نمی‌کند. برای اینکه بچه خوب کنترل شود و پیچ و تاب نخورد، باید صاف روی صندلی بنشیند، گام‌های زیر برای آموزش این دستورات عملی هستند:

1- وقتی بچه روی صندلی خم می‌شود، یک سری فرمان‌ها باید به او داده شود:

صاف بنشین (باید محکم گفته شود) اجازه بدهید بچه معنی این کار را بفهمد.

2- فوراً معنی نشستن را با صحیح نشستن خودمان بر روی صندلی به بچه نشان بدهیم.

ممکن است لازم باشد بوسیله‌ی هل دادن از روبرو یا صاف کردن پشت بچه او را راهنمایی کنیم.

3- به کودک برای درست نشستنش جایزه بدهید.

4- بچه را در موقعیت‌های مختلف قرار دهید و از او بخواهید که بنشیند یک یا دو بار او را راهنمایی کنید و سپس به او فرصت انجام این کار را بدهید.

5- اگر بچه نمی‌تواند صاف بنشیند و شما احساس کردید که او تنبلی می‌کند یا لجباز است، او را با زور بنشانید. شما باید بچه را به گونه‌ای آماده کنید که بتواند خودش به طور مناسب و سریع بنشیند و سپس کار را با او شروع کنید.

6- بعد از اینکه بچه پس از هر دستوری به طور صحیح نشست. خیلی گرم و صمیمانه او را تشویق کنید و لیکن باید به جدیت خود ادامه دهید زیرا اگر جدیت شما کم باشد او همچنان خمیده می نشیند.

### دست ها آرام و بدون حرکت

سه دستور مهم برای آرام و بی حرکت ماندن دست ها.

همه بچه هایی که بی قرارند و یا خود تحریکی با دست هایشان دارند، نمی توانند توجه شان را جلب کنند. این بچه ها ممکن است صحیح نشسته باشند و درست گوش بدهند.

اما اگر دست هایشان را تکان بدهند ممکن است کلماتی را که شما می گوید نشنوند.

آرام بودن دست ها ممکن است به چندین صورت باشد.

1- دست ها آرام و آویزان در کنار بچه باشد.

2- دست هایش را صاف روی پاهایش بگذارد.

3- دست به سینه بنشیند.

موقعیتی که برای بچه طبیعی تر و برای شما مفید است را انتخاب کنید. بچه هایی را که انگشت شصت و انگشت دیگر لمس می کنند را باید در موقعیت 2 قرار داد. با گذاشتن کف دست و انگشتان به صورت جدا از هم روی پا را امتحان کنید تا بی قراری او کاهش پیدا کند. برای بچه هایی که انگشتانشان را تکان نمی دهند ولی دست هایشان را تکان می دهند موقعیت 1 و 3 مناسب است

گام 1: وقتی بچه بی قرار است به او بگویید دستهایت را آرام نگه دار و سپس او را مجبور کنید دست هایش را در آن موقعیتی که می خواهید قرار دهد.

گام 2: جدی باشید، بچه باید یاد بگیرد که اگر خودش این کار را انجام دهد خوشایندتر از آن است که شما آن کار را برای او انجام دهید.

گام 3: وقتی که در گام های ابتدایی به بچه کمک می کنید برای پیروی از دستوراتان به او پاداش دهید.

گام 4: به تدریج مقدار کمکی که به بچه تان می کنید برای اینکه دست هایش را به دستور شما در موقعیت مناسب قرار دهد را کاهش دهید. به بچه زمان کافی برای پاسخ دادن به دستوراتان بدهید و فقط زمانی که ضرورت دارد به او کمک کنید و تا جایی که لازم است راهنمایی ها را کم کنید

a: وقتی شما می خواهید رفتاری را انجام دهید به بچه بگویید((اینجوری کن)).

b: اگر لازم شد او را راهنمایی کنید تا از شما تقلید کند.

c: برای تقلید کردن از شما به او پاداش دهید.

d: به تدریج و آرام آرام راهنمایی ها را کم کنید و بعد به او دستور بدهید(برای اینکه کارش را به طور مناسب انجام دهد اصلاً از حرکات دستتان برای او استفاده نکنید).

گام 5: وقتی بچه متوجه شد از او چه می خواهید، به تدریج پاداش های غذایی را کم کنید و رفتار درست او را فقط با تأییدهای اجتماعی ادامه دهید. برای مثال، هنگامی که شما بعد از هر پاسخ صحیح با غذا به او پاداش می

دهید، بعد از آن به ازای هر سه پاسخ صحیح، سپس به ازای هر 5 پاسخ صحیح به او غذا بدهید و به تدریج این پاداش‌ها را کاهش داده و تأییدهای اجتماعی را جایگزین آن کنید. سرانجام تأییدهای اجتماعی را کم کنید، آن قدر که بچه یاد بگیرد هر روز به همان صورتی که از او انتظار می‌رود به طور صحیح بنشیند

### **تعمیم دهی درست نشستن**

بعد از اینکه بچه یاد گرفت به طرز صحیح روی صندلی با یک بزرگسال و در یک اتاق بنشیند. این یادگیری را به افراد دیگر و جاهای دیگر تعمیم دهید. او باید روی صندلی‌های مختلف در اتاق نشیمن، آشپزخانه، حمام و اتاق خواب و ..... به دستور شما بنشیند. اشخاص مختلفی به عنوان معلم با او کار کنند و از صندلی‌های مختلفی نیز استفاده کنید. احتمال دارد وقتی جای بچه را عوض کرده و او را کنترل می‌کنید تا به تقاضاهای شما جواب دهد هر چند تقاضاهای شما معقول و ساده باشد، بچه کج خلق شود و نق بزند

### **تکنیک‌های آموزشی – رفتاری برای کودکان در خودمانده**

ترجمه قسمت‌هایی از کتاب The Me Book نوشته پروفیسور Lovaas

#### **«بخش دوم»**

#### **فصل سوم**

#### **ایجاد توجه و تمرکز نگاه و هدایت آن :**

برای برقراری تماس چشمی، دستور((به من نگاه کن)) را به کار ببرید، قبل از آن بهتر است مطمئن شوید که کودک درست نشستن و توجه کردن را به طور مناسب آموخته است.

گام 1 : کودک روی یک صندلی روبروی شما بنشیند.

گام 2 : دستور((به من نگاه کن)) را هر 5 تا 10 ثانیه تکرار کنید.

گام 3 : با هر بار نگاه کردن صحیح کودک، او را با جایزه یا غذا تشویق کنید. پاسخ صحیح هنگامی روی می‌دهد که 2 ثانیه بعد از دستور شما، به مدت یک ثانیه به چشمان شما نگاه کند. به طور واضح برای کودک روشن کنید که به خاطر دادن پاسخ کافی و نگاه کردن به شما، به او جایزه می‌دهید.

گام 4 : اگر کودک به صورت شما توجه دیداری نداشته باشد، در حدود 2 ثانیه وقفه ایجاد کنید. بعد حدود 5 ثانیه به طور پیوسته به او نگاه کنید و سپس آن دستور را دوباره تکرار کنید.

گام 5 : وقتی شما می‌گویید((به من نگاه کن)) بعضی از بچه‌ها نمی‌خواهند به شما نگاه کنند. بنابراین شما باید پاسخ را هدایت کنید. شما می‌توانید تماس چشمی را با نگر داشتن تکه‌ای غذا (یا هر چیز دیگری که مورد توجه قرار می‌گیرد) ایجاد کنید. به این صورت که شیء مورد نظر را در مسیر مستقیمی بین چشم‌های کودک و چشم‌های خودتان نگه دارید و مانند زمانی که به او دستور می‌دهید توجه او را هدایت کنید. سپس دستور ((به من نگاه کن)) را تکرار کنید و همزمان راهنمایی و هدایت را نیز ارائه دهید.

گام 6 : هنگامی که تماس چشمی به فاصله 2 ثانیه و طی 10 بار درخواست مکرر برقرار شد، سعی کنید به تدریج و به طور مرتب راهنمایی را کاهش داده و حرکات دست که برای جلب توجه به کار می‌رود را به تدریج و طی درخواست‌های متوالی کم کنید. برای افزایش زمان برقراری تماس چشمی و استمرار آن به تدریج مشوق را به

تأخیر بیندازید یعنی طول مدت زمانی که بچه باید به چشمان شما نگاه کند را افزایش دهید و سپس پاداش را به او بدهید. قبل از اینکه به او پاداش بدهید آرام آرام تا 2 بشمارید، سپس تا 3، تا 5 و ..... تا جایی که او به تدریج یاد بگیرد که مدت زمان بیشتری به شما نگاه کند.

### **توجه : نکاتی که در این کار بسیار مهم است.**

شما باید برای آنچه که می خواهید انجام دهید، ثابت قدم باشید و برای جزئیات و مسائل فرعی نگران و مردد نشوید. در اجرای هدف نهایی این نکته بسیار مهم است زیرا هنگامی که آموزش شما به کودک به صورت آرام و تدریجی باشد، اشتباهات قابل بخشش نیست. بهترین زمان برای آموزش تماس چشمی هنگامی است که کودک روی صندلی بنشیند. زیرا صندلی یک موقعیت ساده و مناسب یادگیری را فراهم می کند و پرت شدن حواس کودک را کم می کند و این موقعیت را به آسانی برای شما ایجاد می کند که شرایط را تحت کنترل خود در آورید. پس از اینکه نگاه او به شما (در حالی که روی صندلی نشسته است) کنترل شد، بخواهید که ایستاده به شما نگاه کند و این کار را در اتاق های دیگر و محیط های مختلف انجام دهید و برای هر بار موفقیت در انجام این کارها او را تشویق کنید. با مدت 1 ثانیه شروع کنید و به تدریج از او بخواهید که به مدت بیشتری به شما نگاه کند، 2 ثانیه، 3 ثانیه و بیشتر و هر بار او را تشویق کنید.

### **تقلید، مطابقت و زبان اولیه:**

شما با تقلید به بچه می آموزید که دستش را بالا ببرد برای اینکه بینی اش را لمس کند، دست بزند، بلند شود، لبخند بزند و ..... وقتی او توانست از حرکات شما تقلید کند، شما می توانید در کارهای زیادی به او کمک کنید از قبیل اینکه به او بیاموزید چگونه با اسباب بازی هایش بازی کند، چه طور لباس بپوشد، چگونه از بیان چهره ای استفاده کند. تقلید یکی از موثرترین شیوه های آموزشی است و شاید ابتدایی ترین راهی باشد که بچه های عادی از جامعه بزرگسال یاد می گیرند، همیشه باید به خاطر داشته باشید که سرعت یادگیری بچه ها متفاوت است. مسئله ای که در مورد این بچه ها مهم می باشد این است که تقلیدهای آن ها را کنترل کنیم تا آنها توانایی استفاده به موقع از آنها را پیدا کنند.

### **تکنیک های آموزشی – رفتاری برای کودکان در خودمانده**

ترجمه قسمت هایی از کتاب The Me Book نوشته پروفیسور Lovaas

#### **«بخش سوم»**

#### **فصل چهارم**

#### **تقلید از کارهای ساده :**

بچه های عادی رفتارهای پیچیده ای مثل ورزش و بازی را با مشاهده رفتار دیگران و در مورد زبان بوسیله شنیدن صدای دیگران بدست می آورند. بنابراین بچه ها اکثر مسائل را از مشاهده ی جامعه ی خود و مهارت های بازی را با تقلید یاد می گیرند. بعد از کار با کودکان دارای اختلال نافذ رشد شما مشاهده می کنید که این بچه ها چگونه در تقلید از رفتارهای شما شکست می خورند یا اینکه آن ها رفتارهای شما را اشتباه تقلید می کنند یا شاید شکست های آن ها در یادگیری رفتارهای مهم از مردم در زندگی روزانه، می تواند به ناتوانی آن ها در تقلید مناسب نسبت داده شود. تحقیقات نشان داده اند که بچه ها قبل از اینکه بتوانند مهارت های بسیار پیچیده را تقلید کنند باید

رفتارهای بسیار ساده را از همسالان یا بزرگترها یاد بگیرند. زمانی که بچه یاد گرفت مهارت‌های حرکتی درشت را که با بیان ((اینجوری کن)) از طرف مربی می باشد را به خوبی تقلید کند، این یادگیری به او کمک می کند تا او رفتارهایی مثل مهارت‌های خودیاری، بازی های مناسب، ورزش ها و روابط اجتماعی قابل قبول را به خوبی یاد بگیرد. تقلید از رفتارهای اجتماعی دیگران رشد هوش اجتماعی بچه را بالا می برد. باید به خاطر داشته باشیم که مهم ترین وسیله برای یادگیری، تقلید است که در آن بچه به محیط اطرافش بیشتر توجه می کند و بدین وسیله علاقمند و تحریک می شود که کارهای دیگران را انجام دهد. نکته ی مهمی که در یادگیری رفتارهای تقلیدی وجود دارد برقراری تماس چشمی است که یکی از عوامل اصلی در آموزش است. اگر بچه به طور مداوم پرخاشگری و رفتارهای از هم گسیخته از قبیل کج خلقی ها یا خود تحریکی داشته باشد ممکن است به شما نگاه نکند و دستورات شما را نبیند. بنابراین باید ابتدا سعی کنید کج خلقی ها و خود تحریکی های بچه را متوقف کنید و به تماس های چشمی او پاداش دهید، سپس آموزش برنامه های تقلیدی را شروع کنید.

کار شما زمانی سخت می شود که بچه فقط نشسته، ولی چشم هایش را می چرخاند، لبخند می زند، دست می زند و در خود فرو می رود و غیره. باید این رفتارها را متوقف کنید. بچه باید بداند، آن کار را باید انجام دهد و شما با گریه کردن، نق زدن، کج خلقی، خودآزاری یا هر رفتار مزاحم دیگری که در یادگیری مداخله کند، کوتاه نمی آید. مایوس نشوید، برای اینکه بچه شما را بپذیرد، احتیاج بیشتری برای کنترل او دارید. پیشرفت بچه باید توسط شما یا مشاهده گر در تمام طول یادگیری به صورت اعداد و ارقام ثبت شود.

### **تقلید حرکتی درشت**

#### **بالا بردن دست ها:**

گام اول: بچه روبروی شما می نشیند، دست هایش را به هم می زند و به صورت شما توجه می کند.

گام دوم : تحریکات : در این مرحله دستورات را با صدای بلند به او بدهید. بگویید ((اینجوری کن)) و دست هایتان را به طور مستقیم بالای سرتان ببرید. اگر او نتوانست به عملکرد تقلیدی شما پاسخ صحیح بدهد، او را راهنمایی کنید.

گام سوم : راهنمایی ها و دستور بیانی((اینجوری کن)) در حالی که مانند گام دوم دست هایتان را بالای سرتان می برید، تکرار کنید. بعد از اینکه دست هایتان را بالا بردید، دستهای بچه را به طرف جلو بکشید و آن ها را بالای سرش قرار دهید و به مدت 1 ثانیه نگه دارید و یا پشت سر او بایستید و او را راهنمایی کنید تا دست هایش را بالا ببرد. بچه را به دلیل پاسخ صحیح اش تشویق کرده و به او پاداش دهید.

گام چهارم : راهنمایی را کم کنید. اگر بچه نتوانست به سعی دوباره شما، برای بالا بردن دستها پاسخ صحیح بدهد، گام سوم را دوباره شرح دهید. شما باید او را چندین بار هدایت کنید. سپس راهنمایی را کم کرده و بعد از مدتی آن ها را محو کنید و دوباره آن تمرین را آزمایش کنید. بدین صورت که به عنوان مثال به او بگویید((اینجوری کن)). سپس دست هایش را بلند کنید تا به صورت موازی بالای سرش قرار گیرد. بعد دست هایش را رها کنید و فوراً دستهای خودتان را بالای سرتان قرار دهید. اگر بچه حتی 1 ثانیه، دستها را بالا نگه داشت، به او پاداش دهید. اگر نتوانست آن ها را بالا نگه دارد، به گام 3 برگردید و از راهنمایی های ارائه شده در آن استفاده کنید.

گام پنجم : اگر کودک به طور مناسب به چند آزمایش متوالی شما، با راهنمایی هایی که در گام 4 گفته شد، پاسخ صحیح داد. شما باید راهنمایی ها را کم کنید تا به هدف نهایی برسید.



مثال: به بچه دستور((اینجوري کن)) بدهید و سپس دستهای بچه را به طرف جلو نگه دارید و به تدریج آن ها را به سمت بالا بکشید، شما نیز دستهایتان را بالای سرتان نگه دارید. اگر بچه به تقلید از شما خودش دستهایش را حتی به مدت خیلی کوتاه بالای سرش نگه داشت، به این کار او پاداش دهید و اگر نتوانست، مطابق آنچه در گام 4 آمده، او را راهنمایی کنید.

گام 6 : با به کار بردن راهنمایی هایی که در گام 5 توضیح داده شد، بچه ممکن است قادر باشد که به آموزش شما پاسخ صحیح بدهد. شما باید راهنمایی هایتان را کم کنید. یعنی به جای اینکه دستهای بچه را بگیرید و به طرف بالا بکشید، به طور ساده ای دستهای او را با نوک انگشتانتان بگیرید و بالا ببرید. اگر او دستهایش را به تقلید از شما بالا برد، فوراً به او پاداش دهید و سعی کنید در مراحل بعدی از راهنمایی استفاده نکنید. بعضی مواقع شما فکر می کنید، بچه به کمک زیادی نیاز دارد در حالی که این طور نیست. بچه ها اگر بدانند شما در انجام کارها به آنها کمک می کنید، سعی و تلاش کمتری برای انجام آن کار می کنند. به هر حال کار سختی است ولی این یک حقیقت است که شما باید این مراحل را با بچه طی کنید.

### دست زدن

گام 1 : بچه روبروی شما بنشیند و به صورت شما توجه کند.

گام 2 : تحریکات: دستور شفاهی اینجوري کن را بدهید، و در زمان های متفاوت با هم دست بزنید.

گام 3 : راهنمایی : اگر بچه جواب مناسب نداد، شما باید تعدادی از راهنمایی ها را به کار ببرید تا اینکه مطمئن شوید بچه پاسخ صحیح می دهد. برای دست زدن وقتی دو شخص به بچه کمک کنند و او را راهنمایی کنند، کار آسان تر می شود. روبروی بچه بنشینید و با او چهره به چهره باشید وقتی که با او کار می کنید. کمک کننده یا زانو بزند یا پشت سر بچه بنشیند و شما بگویید اینجوري کن. شما دست بزنید و همزمان کمک کننده دستهای بچه را از پشت بگیرد و به تقلید از شما شروع به دست زدن کند. فوراً برای خوب دست زدنش به او پاداش دهید.

گام 4 : راهنمایی ها را محو کنید.(کمک کننده، کمک ها را کم کند) در عوض شما دستور کلامی را ارائه دهید و دست بزنید و بعد کمک کننده ، دستهای بچه را یک یا دو بار به هم بزند و اگر بچه حتی یک بار خودش به تنهایی دست زد، او را تشویق کنید. در تمرین های متوالی کم کم راهنمایی ها را محو کنید. فقط دستهای بچه را در موقعیتی ببرید که می خواهد دست بزند. در هر تمرین راهنمایی را انجام دهید که مطمئن هستید بچه با آن پاسخ صحیح می دهد. اگر بچه در دادن پاسخ مناسب در مراحل ارائه شده شکست خورد، برگردید و از راهنمایی های قوی تری استفاده کنید که بچه قادر شود جواب صحیح بدهد. در غیر این صورت راهنمایی کم نمی تواند مفید باشد. بچه را شرکت دهید و اصرار کنید به شما توجه کند و کار شما را انجام دهد، یا اینکه برای او مدل شوید.

### تغییر برای دست زدن

در این جا روش هایی پیشنهاد شده است برای اینکه اگر شما شخصی را برای کمک کردن در دسترس ندارید.

گام 1 : به گام 1 ( دست زدن) در بالا نگاه کنید.

گام 2 : شما بگویید اینجوري کن. دستهای بچه را بگیرید و خودتان دست بزنید و دست های او را برایش به هم بزنید. در این روش، هر دوی شما در زمان یکسانی دست می زنید. بعد از چندین بار دست زدن، فوراً او را برای خوب دست زدن تشویق کنید.

گام 3 : راهنمایی ها را کم کنید. دستور شفاهی بدهید و دست های بچه را بگیرید و با هم یکبار یا دوبار به هم بزنید و سپس خودتان چندین بار دست بزنید. در حالی که می گویند ((اینجوری کن)) فوراً برای خوب دست زدن به بچه جایزه بدهید. شما باید محو کردن راهنمایی ها را ادامه دهید. به جای اینکه دستهای بچه را برایش به هم بزنید، به او دستور شفاهی بدهید و دستهای بچه را بگیرید و فقط آن ها را در موقعیت دست زدن قرار دهید. شما فوراً چندین بار دست بزنید. اگر بچه پاسخ بدهد، حتی یکبار دست بزند به او فوراً جایزه بدهید. اگر بچه شکست خورد به گام 2 برگردید.

گام 4 : دستور شفاهی بدهید و شروع به دست زدن کنید. اگر بچه نتوانست از شما تقلید کند، او را راهنمایی کنید و دست هایش را تا کنار لباسش بالا ببرید. سپس دست زدن را ادامه دهید و بگویید ((اینجوری کن)). اگر بچه در پاسخ دادن مناسب شکست خورد به گام قبل برگردید و راهنمایی های واضح بیشتری را به کار ببرید. در این روش شما باید به گونه ای در آموزش بچه تأثیر داشته باشید که او بتواند بدون کمک دهنده از شما تقلید کند. وقتی بچه بوسیله تقلید صحیح از شما بتواند به مقدار معینی پاسخ دهد، رفتارهایی که یاد گرفته است را با هم مخلوط کنید و آموزش آن ها را شروع کنید. مثلاً باز کردن دست ها، لمس کردن بینی و دست زدن را به صورت تصادفی ارائه دهید. به خاطر داشته باشید که بچه باید تقلید صحیحی از رفتارهای تصادفی که ارائه می شوند، داشته باشد. در غیر این صورت او ممکن است به دستورات مخصوص یا متوالی پاسخ دهد.

### تکنیک های آموزشی – رفتاری برای کودکان در خودمانده

ترجمه قسمت هایی از کتاب The Me Book نوشته پروفیسور Lovaas

#### «بخش چهارم»

#### فصل پنجم

#### طبقه بندی اشیاء ساده

گام 1: ابتدا دو شیء که بچه شما باید طبقه بندی کند را انتخاب کنید (به اشیاء A و A<sup>-</sup> اشاره کنید). این کار به شیء مخصوصی احتیاج ندارد. اما نباید شکل خیلی پیچیده باشد. برای مثال با یک جفت فنجان زرد شروع کنید. فنجان زرد را (شکل A) روی میز جلو بچه که کاملاً برای او شفاف و پیدا باشد، بگذارید. یک فنجان زرد به او بدهید (شکل A<sup>-</sup>) و آن را جلو بچه نگه دارید و مطمئن شوید که به آن نگاه می کند (ممکن است احتیاج باشد که به آن مورد اشاره کنید و به کودک بگویید نگاه کند). در حالی که A<sup>-</sup> در دست شما است (فنجان) آن را به بچه بدهید و به او بگویید ((بگذار روی شکل خودش)) بچه شما باید فنجان A<sup>-</sup> را بردارد و نزدیک یا روی فنجان A بگذارد. بعضی بچه ها به سختی جای اشیاء روی میز را می دانند. یک راه کمک به بچه ها این است که A را در یک ورقه 3 اینچی قرار دهیم. وقتی کودک A را در جای یکسان (خودش) می گذارد باید او را تشویق کنیم. تکه هایی از کاغذ 3 اینچی به او کمک می کند تا پاسخ صحیح را مشخص کند همچنین این کار به او برای نگاه کردن به مکان اشیاء نیز کمک می کند. (مخصوصاً اگر بزرگسال کاغذ را در موقعیتهای مختلف روی میز بعد از هر تمرینی جابه جا کند). شما باید به خاطر داشته باشید که در حال حاضر فقط یک شیء وجود دارد و کودک شما ممکن است خسته شود. وقتی شما برای شروع گام بعدی آماده می شوید، احتمالاً نگاه بچه منحرف می شود. ممکن است کودک شما نداند، از او چه می خواهید که انجام دهد. شما باید او را راهنمایی کنید که روی مثل خودش بگذارد. وقتی او یاد گرفت راهنمایی ها را محو کنید.

گام 2 : طبقه بندی اشیا ساده- دو جفت : دو شی B که می خواهید به بچه آموزش دهید را انتخاب کنید و تا جایی که ممکن است باید آن شی از شی اولیه متفاوت باشد. برای مثال: اگر شی اول شما یک قاشق بوده است، یک چنگال را انتخاب نکنید. اگر اولین شی شما (A) یک فنجان بوده، دومین شی (B) یک جوراب را انتخاب کنید. A و B (فنجان و قاشق) را روی میز جلو بچه بگذارید. سپس B (یک قاشقی که روی میز است و می شناسد) را به او بدهید و بگویید ((بگذار روی مثل خودش)) اگر بچه اشتباه کرد به او اجازه ندهید که همان وقت آن را درست کند. به او بگویید ((نه)) و شی را از او پس بگیرید و آن کار را دوباره شروع کنید. مشکل اصلی خود تصحیحی در طول آموزش این است که ممکن است بچه فقط جایگزین کردن یک پاسخ را بدون اینکه به چیزهای دیگر نگاه کند، یاد بگیرد. بهترین روش این است که قابل انعطاف شویم و روش های مختلف را برای اینکه بینیم کدام روش برای بچه شما مفید است را به کار ببریم. اگر پاسخ بچه شما صحیح بود (B را روی b نه نزدیک A) به او پاداش دهید. ارائه b را ادامه دهید در حالیکه موقعیت شکل A و B را ثابت نگه می دارید تا بچه شما مقایسه مناسبی داشته باشد.

گام 3 : طبقه بندی اشیا ساده- ارائه به صورت تصادفی موضوعات A و B را با فاصله یکسان از خط وسط روی میز جلو بچه قرار دهید. A و B باید در روی میز در طول این گام ثابت باشند و وسایل A و B را به صورت تصادفی ارائه دهید. برای مثال A را دوبار، سپس B را یکبار، A را یک بار و B را سه بار و .... ارائه بدهید. اگر کودک شما در گام 1 نتواند شی A را یا A طبقه بندی کند پیشنهاد می شود. شما ابتدا فقط یک موضوع را ارائه دهید. اگر شما وقتی شی را به کودک می دهید، دست هایتان را تغییر دهید یا دست ها را کنار میز یا کنار بدنتان نگه دارید، شما ممکن است به صورت غیر عمدی کودکانتان را به سمت شی که در کنار میز است هدایت کنید. برای مثال: اگر شما شی را با دست چپ به کودکانتان می دهید، شما به صورت تصادفی می توانید کودکانتان را به شی که در دست چپتان است هدایت کنید به همین دلیل وقتی می خواهید شی را به کودک بدهید باید دست های شما ثابت باشد. دستتان را تا حد ممکن به کنار بیاورید و نزدیک خط وسط جلو چشم بچه قرار دهید. مطمئن باشید که در حین کار از اشارات زیاد بدنی یا اشارات صورتی خودداری کنید. بعد از اینکه شی را به دست بچه دادید، مطمئن باشید بدنتان را به سمت شی خم نمی کنید. در حین کار آرنج تان را روی میز نگذارید. قبل از اینکه شی را به بچه بدهید، به شی صحیح نگاه نکنید. در حالی که او مشغول طبقه بندی است به او نگاه نکنید. در طی مراحل طبقه بندی هنگامی که او به مورد صحیح یا غیر صحیح نزدیک می شود لبخند نزنید و اخم نکنید. اگر کودک شما در انجام تکالیف مردد بود. احتمال بسیار زیادی وجود دارد که به شما نگاه کند. برای اینکه او خودش را مجبور به انجام تکالیف کند. از هر بازخوردی خودداری کنید.

احتمالاً این گام یکی از برنامه های بسیار مشکل است، زیرا انتخاب های زیادی وجود دارد که بچه باید در یادگیری قانون آن دستورات موفق شود.

گام 4 : اشیا ساده را طبقه بندی کنید. موقعیت تصادفی: شی A و B را روی میز در مسافتی مساوی در مقابل چشم کودکان قرار دهید. در هر تلاش جدیدی به صورت تصادفی اشیا (A و B) را به کودکانتان بدهید همانند گام قبلی. علاوه بر این موقعیت اشیا (A و B) را روی میز تغییر دهید. به این معنی که بعضی اوقات که A در سمت راست است، بعضی مواقع آن را در سمت چپ بگذارید. این آزمایش را ادامه دهید تا اینکه بچه متناسب با معیار شما شود.

گام 5 : اشیا ساده را طبقه بندی کنید- سه جفت: شی A یا شی B را روی میز قرار دهید و شی جدید C را جایگزین آن کنید. سعی کنید که شی C از شی A و B متفاوت باشد. برای مثال اگر شما از فنجان و چنگال استفاده

می کنید، برای C از جوراب استفاده کنید. گام 2 تا گام 4 را تکرار کنید و از شی C استفاده کنید و اشیاء دیگر را از روی میز بردارید. در گام 2 شی C را جایگزین شی B کنید. وقتی گام 4 را کامل کردید، دوباره شی را نشان دهید و گام 3 و 4 را تکرار کنید و از هر 3 موضوع استفاده کنید و هر سه شی روی میز باشد. (A, B, C) ثابت باشد ولی اشیایی که به دست بچه می دهید را تغییر دهید. (A<sup>-</sup>, B<sup>-</sup>, C<sup>-</sup>) به همان صورتی که شما اشیاء را به دست بچه می دهید، موقعیت اشیاء روی میز را تغییر دهید.

گام 6: موضوعات ساده را طبقه بندی کنید. (4 یا بیشتر از چند جفت). 4 شی را نشان بدهید (D) مانند قبل شی D را ارائه دهید. به این معنی که گام های 2 تا 4 را با شی D و یکی از اشیاء دیگر تکرار کنید تا بچه متناسب با معیار شما آن کار را انجام دهد. وقتی معیار شما رسیدن به گام 4 است، یکی از دو شی دیگر را دوباره نشان دهید و گام های 3 و 4 را با 3 شی انجام دهید. سرانجام اشیاء باقی مانده را نشان دهید و گام 3 و 4 را با چهار شیء تکرار کنید. وقتی این مرحله کامل شد، شما می توانید معرفی اشیاء جدید را در حین کارتان انجام دهید، گام 2 تا 4 را با شی که نشان می دهید، تکرار کنید. وقتی بچه متناسب با معیار شما شد، سپس گام 3 و 4 را تکرار کنید تا اینکه همه ی موردهای قبلی را دوباره نشان دهید. اگر شما احساس کردید اشیاء بسیار زیاد است و یا اگر جای آن ها را روی میز عوض کنید، کودک گیج می شود. آموزش موضوعات جدید را شروع نکنید و تعدادی از موردهایتان را نیز کاهش دهید. و موضوعاتی که قبلاً یاد گرفته را به او نشان ندهید. هنگامی که 4 تا 5 موضوع روی میز باشد شما می توانید گام 3 و 4 را تکرار کنید.

### طبقه بندی رنگ ها

برای رنگ هایی که می خواهید طبقه بندی کنید به 2 تعداد بیشتری از مربع های رنگی نیاز دارید. از مراحل شبیه مرحله ای که برای آموزش طبقه بندی اشیاء استفاده شد، می توانید استفاده کنید. از لحاظ دیداری طبقه بندی رنگ ها نسبت به تصاویر یا اشیاء راحت تر است. از آن جایی که بچه این کار را دوست دارد، آن را در زمان تعیین شده و سریع انجام دهید. شما باید از این دستور استفاده کنید. (بگذار رنگ خودش). بهترین روش این است که این برنامه را حدود 3 تا 4 هفته انجام دهید (یک ساعت در روز یا بیشتر). اگر بچه پیشرفت نکرد، برنامه را برای یک ماه یا بیشتر کنار بگذارید و سپس آن را شروع کنید.

### طبقه بندی شکل ها

از آن جایی که بچه فقط طبقه بندی رنگ ها را کامل کرده، اگر رنگ شی ای که شما به دست کودکتان می دهید با رنگ آن شی که روی میز است یکسان باشد ممکن است گیج شود. برای مثال: اگر یک چهار گوش زرد و یک گردی سبز روی میز است و شما به بچه تان یک گردی زرد می دهید ممکن است او به رنگ توجه کند و به شکل آن توجه نکند. بنابراین پیشنهاد می شود چیزی که بچه ی شما را در کار گیج می کند را حذف کنید تا هدف شما را از هر دو کار بفهمد. یک راه برای اجتناب از اشتباه در طبقه بندی شکل ها با رنگ ها این است که شکل ها را با رنگهای یکسان انتخاب کنید. وقتی شما شکل هایی با رنگ های متفاوت به بچه نشان می دهید، مطمئن باشید هر شکلی را که به او می دهید، رنگ های متفاوت داشته باشد یا همه ی شکل های روی میز رنگ یکسانی داشته باشند. توصیه می شود موردی که به بچه می دهید از نظر رنگ با مورد متناظر روی میز متفاوت باشد و آنچه که به بچه می دهید باید رنگی متفاوت از چیزی که مورد آزمایش جدید شما است را داشته باشد. شما باید در این برنامه به شکل توجه داشته باشید، نه به رنگ و باید به بچه هم این برنامه را آموزش دهید. وسایل مورد نیاز این کار ممکن است از قطعات متفاوت بریده شده ی مقوای رنگی، کاغذهای رنگی و یا پلاستیک باشد شما ممکن است

بخواهید به بچه آموزش دهید که طبقه بندی شکل ها را به وسیله ی نشان دادن شکل هایی که در اندازه متفاوت هستند، تعمیم بدهد. یک کارت را با اندازه ی 12 اینچ با شکل های متفاوت (مثلث، مربع، دایره) روی میز جلو بچه بگذارید. حالا کارت کوچکتری به شکل مثلث با اندازه ی 2 اینچ به او بدهید و از او بخواهید که آن ها را طبقه بندی کند. این روش می تواند برای طبقه بندی اشکال دیگر هم استفاده شود.

### تکنیک های آموزشی – رفتاری برای کودکان در خودمانده

ترجمه قسمت هایی از کتاب The Me Book نوشته پروفیسور Lovaas

#### «بخش پنجم»

#### فصل ششم

#### تقلید صداها و کلمات

#### مرحله اول: تولید صدا

تولید صدا عبارتست از: هر صدای ایجاد شده توسط تارهای صوتی نظیر خرخر کردن، قهقهه زدن، پیچ کردن، ((آه گفتن)) و ((ای)) گفتن هدف این مرحله از برنامه، افزایش بسامد این آواهای ایجاد شونده می باشد.

گام اول: شما و کودکان باید رو در روی یکدیگر و با فاصله 1/48 تا 2/96 سانتی متر دور از هم بنشینید. در موقعی که بچه ها، ساکت می شوند (ایجاد صدا را متوقف می کنند) وقتی ناراحت می گردند، این موضوع حائز اهمیت است که موقعیت مورد نظر را تا حد ممکن دوستانه کنید و باعث خوشحالی او شوید. سعی کنید تا از به کار بردن تنبیهات جزئی به مقدار زیاد جهت کنترل کج خلقی ها و رفتار خودسرانه بپرهیزید. زیرا این مورد باعث می شود تا او به طور کامل ساکت و بی صدا گردد. ولی هر مورد کج خلقی و رفتار خودسرانه باید در سطح قابل کنترل باشد.

گام دوم: بگویید ((حرف بز)) و بلافاصله هر پاسخ آوایی (ایجاد صدا) را با تحسین کردن و غذا دادن پاداش دهید. باید دستور مورد نظر را هر 5 تا 10 ثانیه تکرار کنید.

گام سوم: اگر بچه شما، هیچ صدایی را ایجاد نمی کند. باید او را به طور فیزیکی (با غلغلک دادن، در آغوش گرفتن یا فعالیت بدنی مانند پریدن) کمک کنید که باعث می شود تا او صدایی ایجاد نماید.

بلافاصله هر صدایی را که بچه شما ایجاد می کند، تقویت نمایید. در هنگامی که بچه، 10 مورد ایجاد صدا یا بیشتر از آن را به طور گسترده در هر دقیقه و در هر دوره زمانی 2 یا 3 دقیقه انجام نمود می توانید تصور کنید که بچه مرحله اول را با مهارت فراگرفته است و او آن را به خوبی می شناسد.

#### مرحله دوم: تحت کنترل آوردن آواهای ایجاد شده

هدف از مرحله دوم این است که بچه یاد بگیرد بعد از آن که به او گفتید: ((حرف بز)) طرف 3 ثانیه، صدایی را ایجاد کند. در مرحله اول به او تعلیم دادید که می تواند با استفاده از ایجاد صدا، مقدار پاداش ها را کنترل نماید. اکنون به او چیزهایی، را یاد خواهید داد که تا اندازه ای پیچیده تر هستند.

گام اول: شما و بچه تان باید رو در روی هم با فاصله ای در حدود 1/48 تا 2/96 سانتی متر دور از هم بنشینید.

گام دوم: بگویید: (( صحبت کن)) و با تشویق کردن و غذا دادن، هر پاسخ آوایی ایجاد شده در حدود 3 ثانیه بعد از درخواست تان را تقویت کنید. این موارد آموزشی باید ادامه یابند، تا زمانی که بچه ظرف مدت 3 ثانیه، برای 10 آزمایش پی در پی بر مبنای دستورتان پاسخی آوایی را ارائه دهد.

گام سوم: اکنون فاصله زمانی بین دستور شما و پاسخ او باید در حدود 2 ثانیه کاهش یابد. اکنون بچه شما باید ظرف 2 ثانیه بعد از فرمان شما مبنی بر ((صحبت کن)) پاسخی را بر اساس ایجاد صدا ارائه نماید.

گام چهارم: در موقعی که بچه، در فاصله زمانی 2 ثانیه ای به منظور میزانی در حدود 10 آزمایش پی در پی موفق شده است. پس از آن این فاصله زمانی به میزان یک ثانیه کاهش می یابد.

هنگامی که بچه ظرف یک ثانیه پس از بیان تقاضا از سوی شما به 10 آزمایش پی در پی پاسخ آوایی می دهد، وارد مرحله سوم شوید. آواهای اختیاری (یعنی آواهایی که خارج از برنامه زمانی در رابطه با تبعیت از درخواست شما مبنی بر جواب به ((صحبت کن)) ایجاد می گردند، به اندازه اندکی باید پاداش داده شوند که با تکان دادن سر و گفتن ((کلمه خوبی بود)) تحسین گردد. شما باید به آواهایی که ظرف فاصله زمانی آزمایش روی می دهند، تقویت کننده های وسیعی (مثل غذا و بوسه) را در نظر بگیرید. برخی از افراد، در تمام مدت آموزش اولیه آواهای اختیاری را تقویت نمی کنند، زیرا احتمال دارد کار بچه را سخت تر کند چون کودک نمی تواند تشخیص دهد کدام رفتار در حال تصدیق شدن است. یعنی اگر او به خاطر اختیاری بودن رفتار، پاداش گیرد، موقعی که به خاطر ایجاد صدا تشویق می شود را درک نمی کند.

### مرحله سوم: تقلید یا ادای صداها

هدف از این مرحله، این است که به کودکان آموزش دهید تا صداها را تقلید کنند که بعداً در جریان گفتن کلمات به کار می روند. کودک شما باید یاد بگیرد تا 10 صدا را ادا نماید.

آ ب ف د ک م و ای پ ت

### صدای اول:

روش زیر، برای آموزش به بچه، به منظور ایجاد نخستین صدا، بر اساس تقلید از صدای شما، به کار برده می شود.

گام اول: شما و کودکان باید رو به روی هم به فاصله 1/48 تا 2/96 سانتی متر، دور از هم بنشینید.

گام دوم: برای هر آزمایش، یک صدا را بگویید مثل ((آ))

گام سوم: در 5 آزمایش نخست به هر صدایی که بچه ظرف 3 ثانیه بعد از صدای شما، تولید کرد. حتی اگر شباهت نزدیکی با صدای شما داشت به او پاداش دهید. به عنوان مثال، اگر در آزمایش آغازین، شما در حالی که می گویید ((آ)) او در جواب بگوید ((آ)) یا ((ل)) این جواب قابل قبول است.

گام چهارم: برخی از صداها را که شما ایجاد می کنید را بچه نمی تواند تلفظ کند، در این موارد باید از راهنمایی دیداری یا فیزیکی استفاده کرد تا شباهت نزدیکی را با صدای خود برقرار کنید.

در روش راهنمایی دیداری، وقتی صدایی را تلفظ می کنید، شکل دهان خود را به طور برجسته و واضح به او نشان دهید. به عنوان مثال هنگامی که می گویید ((آ)) باید دهان خود را تا حد امکان باز کنید و بچه را به خاطر تقلید



گام دوم: بعد از این که بچه توانست هر صدای جدیدی را تلفظ کند. باید بازنمایی هایی از صدای جدید را به طور متغیر، همراه با بازنمایی های صداهای آموزش داده شده قبلی، با هم ترکیب کنید. تا زمانی که بچه به طور دقیق به دستور شما پاسخ درست داده و آن را با دقت اجرا کند.

گام سوم: وقتی بچه شما بتواند 6 تا 10 صدا را تقلید نماید، باید وارد مرحله بعد شوید، در حالی که صامت ها و مصوت ها و کلمات را ایجاد می نمایید. باید آموزش را ادامه دهید تا به کودکان یاد دهید، صداهای موجود در لیست زیر را تقلید کرده، تلفظ کند. در هنگام کار کردن با بچه در رابطه با تقلیدهای شفاهی آگاه باشید که این امر هم برای شما و هم برای بچه کاری سخت است به طوری که ممکن است بچه پس رفت کند یعنی کج خلقی و خودسری را آغاز نماید.

در این صورت، باید به مرحله قبل باز گردید و او را آرام نمایید.

### مرحله چهارم: تقلید کلمات: (تلفظ)

کلماتی که جهت آموزش، انتخاب می کنید، باید شامل صداهایی باشند که بچه بتواند به راحتی آن ها را تلفظ کند. بهتر است این برنامه را با کلماتی آغاز نمایید که دارای صداهای مشابه باشند مثلاً ( دو جزء شبیه به هم مثل (مامان) یا (بابا) یا صداهایی تقریباً مشابه مثل ((مامان)) یا ((بابا)) یا صداهایی تقریباً مشابه یا (نی نی) هستند. کلمات متشکل از صداهای خیلی نامتشابه (دارای دو جزء متفاوت مانند ((میز)) و ((ساعت)) باید بعداً ارائه گردند.

### کلمه اول:

گام اول: برای چند آزمایش اول (20 تا 50 مورد) کلمه مثل((مامان)) را بگویید و هر شباهت تقریبی که در بردارنده صداهای اصلی کلمه مورد نظر است را تقویت کنید. همچنین ((ما)) ((مام)) ((ما-آ)) یا ((ماک)) تناسب های آغازین مناسب برای کلمه((مامان)) است و کلمه ((گاک)) تناسب نزدیکی با ((گاگا)) دارد.

گام دوم: در صورتی که بچه در چند آزمایش اول توانست کلمه ای نزدیک به کلمه شما را به طور مقدماتی ارائه دهد و کلمه ای را بیان کند که تا اندازه ای به کلمه شما شباهت داشته باشد باید آموزش های بعدی را در جهت تصویرسازی کامل کلمه به کار برید، تا بچه بتواند آن را با تناسب بیشتری تلفظ کند. یعنی درآزمون مورد نظر وقتی بچه کلمه ای را تلفظ می نماید که تا اندازه زیادی به نوع مورد نظر، شباهت دارد باید پاسخ او را تقویت کنید. روش کامل کردن یک رفتار را بر اساس تصویر کامل آن، ادامه دهید.

تا زمانی که شباهت تلفظ بچه با کلمه شما به قدری واضح گردد که اکثر افراد، بتوانند آن را به راحتی بفهمند، جواب بچه نیاز به تلفظ دقیق مثل تلفظ شما ندارد و تقلید مناسب کلمه ((غلگلک)) به صورت ((غلغل)) یا ((غلگلک)) خواهد بود.

گام سوم: بچه شما در مراحل اول آموزش در برخی لغات مشکل پیدا می کند و نمی تواند آن ها را مشابه با کلمات شما تلفظ کند. به طوری که حتی شباهت نه چندان دقیقی هم، بین آن ها وجود ندارد.

به عنوان مثال، بچه ممکن است در تقلید یک یا چند صدا، که کلمه مورد نظر را تشکیل می دهند، ناقص عمل کند. یک شباهت نامناسب کلمه ((مامان)) کلمه ((آ)) است.

شباهت نامناسب ((گاگا)) کلمه ((ک)) یا ((گ)) است.



در حالی که از یک روش صورت سازی (جزء جزء کردن کلمه) استفاده می نمایید. باید کلمه مورد نظر را ایجاد کنید. کلمه را به صداهای ترکیبی اش، تقسیم کنید و هر صدا را به عنوان آزمون جدا، مورد استفاده قرار دهید. مثلاً ((مامان)) به صورت ((م م)) - ((ا)) ((ما)) ((ماما- مامان)) تجزیه می شود. وقتی ترکیب مورد نظر فراهم می گردد، بچه هر کدام از آن ها را تلفظ می کند، و به خاطر تکرار کردن هر ترکیب تقویت می شود. در این ترکیب، شما می توانید کلمات دیگر را به کار برید و همانند روش زیر، از آن ها استفاده کنید.

فرد بزرگسال: ((آ))

بچه: ((آ))

فرد بزرگسال: ((آفرین!)) ..... ((ما)).

بچه: ((آ))

فرد بزرگسال: ((م م))

بچه: ((م م))

فرد بزرگسال: ((آفرین!)) ..... آ

بچه: ((آ))

فرد بزرگسال: ((م م))

بچه: ((م م))

فرد بزرگسال: (منتظر می ماند تا بچه بگوید((آ)) )

بچه: ((آ))

فرد بزرگسال: ((آفرین)) (دوباره تکرار می کند).

نکته آموزشی در این جا، این است که شما از بچه می خواهید تا دو صدای متفاوت، را در کنار هم قرار دهد یا به هم متصل سازد و صدایی را بر زبان آورد. به عنوان مثال گفتن((م)) علامتی است از طرف بچه برای گفتن ((ما)) در حالیکه در ابتدا او را برای گفتن((آ)) هیچ گونه راهنمایی نمی کنید. این روش را با کاهش دادن راهنمایی از سوی خود و ((گفتن آ)) ادامه می دهید تا این که در پایان آن را کامل کند. نوشتن جزئیات مربوط به ساختن کلمه، اول روشی مشکل است و باید تمام امکانات را به کار برید. تا به یک بچه خاص کمک نمایید تا صحبت کند.

به عنوان مثال، اگر در حال کار کردن بر روی ((ما))هستید، موقعی که می گوید ((ما)) بچه ممکن است بگوید((آ)) زیرا صدای آخر کلمه شما یعنی ((ما)) صدای ((آ)) است که برای او قوی ترین صدا می باشد از این جهت که او، آن را واضح تر از صداهای دیگر می شنود. اگر بگوید((م م)) او می گوید: ((ما)) بنابراین گاهی مواقع بگوید: ((م م)) سپس ((آ)) را به کار برید و وقتی می گوید ((ما)) او را تشویق کنید. بعد از این که ، بچه ترتیب درست کلمه بر اساس روش ذکر شده را با انجام 5 مورد بازنمایی مداوم انجام داده است. به تدریج کلمات دیگر را جانشین سازید و آن را سرعت بخشید. در موقعی که میزان بازنمایی کلمه افزایش می یابد، موارد تقویت کننده موجود بین صداهای ترکیبی به تدریج کاهش داده می شوند. در این هنگام، نتیجه ممکن است این گونه باشد:

فرد بزرگسال: ((ما))

بچه: ((ما))

فرد بزرگسال: ((ما-ما))

بچه: ((ما))

فرد بزرگسال: (منتظر می ماند تا بچه ((ما)) دوم را بگوید یا او را راهنمایی می کند).

بچه: ((ما))

فرد بزرگسال: ((خیلی خوب است!))

ترکیب کردن بازنمایی های اجزای یک سیلابی و دوسیلابی کلمات مثل ((ما)) و ((ما-ما)) و ((ما-مان)) و ((ما)) حائز اهمیت است تا بر اساس آن به او کمک شود تا بین این دو نوع صدا، تشخیص قائل گردد. بچه ممکن است بین گفتن صداهای کلمه مورد نظر برای مدت زیادی، مکث اندکی داشته باشد. مثل ((ما))..... ((مان)). لیکن، با به کار بردن تقویت کننده های انتخابی برای مواردی که در آن، بچه کلمه را با مکث اندک می گوید، به تدریج می توان این مکث ها را محدود کرد.

### کلمه دوم:

دومین کلمه ای که برای آموزش تقلید شفاهی به کار برده می شود. باید از کلمه اول، کاملاً متفاوت باشد.

به عنوان مثال اگر کلمه ((مامان)) به عنوان کلمه اول آموزش داده می شود، کلمه ((نی نی)) به عنوان کلمه دوم برای آموزش مناسب است. ممکن است کلمه ((بابا)) یا ((به به)) را به عنوان وجود شباهت های مناسب، بپذیرد. کلمه دوم، همانند مورد اول باید از صداهایی تشکیل شده باشد که بچه بتواند به طور مجزا آنها را تلفظ کند.

کلمه دوم باید به همان روشی که کلمه اول، آموزش داده شد، تعلیم داده شود. بعد از این که بچه کلمه دوم را برای ده بار پی در پی به طور درست بیان کرد. روش گوناگونی برنامه ها را با دو کلمه آغاز کنید روش گوناگونی را به همان روشی که قبلاً توضیح دادیم به کار ببرید. اولین کلمه را به بچه بگویید. این کلمه را آن قدر تکرار کنید، تا زمانی که بچه برای پنج بار متوالی به طور صحیح آن را بیان کند. ممکن است مجبور شوید تا در مراحل اولیه کلمه را با راهنمایی به او بگویید. یعنی به همان صورت که در آموزش اولیه انجام دادید، کلمه را به صداهای ترکیبی اش تقسیم نمایید. اکنون کلمه دوم را دوباره معرفی کنید. این کلمه را آن قدر تکرار کنید تا بچه برای پنج بار متوالی به طور صحیح بتواند آن را تقلید نماید. سپس دو کلمه را بیان دارید تا زمانی که بچه آنها را تلفظ کند، هر بار که کلمه ای را می گوید و بچه فقط دفعه اول، غلط جواب داد. از روش ((دگرگونی و تغییر کلمه)) استفاده کنید تا کلمه ها به خوبی فهمیده شوند.

### معرفی کلمات دیگر :

وقتی کلماتی را آموزش می دهید که دارای اجزای گوناگون صدا هستند، با جزء آخر کلمه شروع کنید و از پایان کلمه به سمت جلو حرکت نمایید. این نوع روش ((اتصال وارونه)) نامیده می شود. به عنوان مثال اگر کلمه ((مامان)) را کار می کنید. ابتدا ((مان)) را تعلیم دهید و سپس ((ما)) را در کنار آن بگذارید. اگر کلمه ((کلوچه)) را به او تعلیم می دهید، همین که بگویید ((چه)) برای او کافی است آن را به طور کامل ((کلوچه)) بیان کند. سپس از او بخواهید تا

بگوید((کلو. چه)) وقتی یک کلمه را از هم جدا می‌نمایید، معمولاً آن چه که اتفاق خواهد افتاد این است که در ابتدا به صورت ((خودکار یا اتوماتیک)) بیان می‌شود، گویی که در آغاز دو جزء مستقل از هم بودند درباره این مورد نگران نباشید. وقتی مشاهده نمودید که او به این روش عادت کرد و کلمه‌ها را به طور دو جزئی بیان نمود. بدانید که در مواقع آتی، او تقویت خواهد شد تا مانند شما آن‌ها را بیان کند. به خاطر داشته باشید که کلماتی را به او یاد دهید که برایش کاربردی باشد، یعنی کلماتی که بتواند نیازهای خود را با آن برآورده سازد و منظورش را بیان کند. به عنوان مثال ((بالا)) کلمه خوبی است، زیرا می‌تواند یاد بگیرد که در مواقع لازم آن را به کار برد، به طوری که وقتی می‌خواهد بلند شود، آن را مورد استفاده قرار می‌دهد، ((کلوچه)) یک کلمه مطلوب است زیرا با گفتن آن کلوچه دریافت می‌کند. ((بازکن)) یک کلمه خوب می‌باشد، زیرا وقتی به او یاد داده می‌شود، در هنگام شنیدن این کلمه می‌فهمد که وقت بازکردن در است و می‌تواند به بیرون برود. خیلی از بچه‌ها، می‌توانند برخی از کلمات را قبل از این که، آموزش را آغاز کنید، بیان نمایند. اما هنگامی که از آن‌ها می‌خواهید، آن را نمی‌گویند و به ندرت به طور مناسب کلمه را به کار می‌برند.

توصیه ما این است که سعی کنید تا با اطمینان آن‌ها را به کار برده و در صورتی که پیشرفتی حاصل نشد، دوباره به سمت موارد ساده باز گردید و آن را کنترل نمایید. صداهای ساده را به کار ببرید یا برای شروع برنامه از کلمات ساده استفاده کنید. در پایان خیلی از تمرینات غیر صوتی همراه با کلمات و صداهایی که بچه می‌تواند تلفظ کند را فراهم نمایید. در همه جا آن را انجام دهید و آن را به عنوان یک بازی سرگرم کننده مدنظر قرار دهید. اگر این طور عمل کند، می‌تواند زبان را به خوبی فرا گیرد که در این صورت برای او مطلوب است. زیرا با کلمات و بیان آن‌ها، بازی می‌کند، بیش از پیش از شما تقلید می‌نماید، حتی اگر معنای آنچه را که می‌گوید، نداند.(در مراحل بعد، می‌توانید معنای کلمات را به او آموزش دهید).

### **مرحله پنجم: تقلید صدا، زیر وبم و سرعت**

وقتی بچه یاد گرفت کلمات اولیه‌ای که آموزش دیده را بیان کند، ممکن است در بخش‌های میزان صدا(بلند و آهسته)، زیر و بم (تن صدا) و سرعت بیان کلماتی که می‌گوید، مشکلاتی را نشان دهد. این مشکلات با استفاده از روش تجزیه یک رفتار، درمان می‌گردند.

#### **تقلید صدا:**

گام اول: یکی از صداهایی را که بچه شما می‌تواند بیان نماید را با صدای خیلی بلند بگویید. در آزمایش اول بچه را به خاطر تقلید یا بیان صدا به طور ساده تقویت کنید. او را به گونه‌ای آموزش دهید که میزان صدای شما را تقلید کند یعنی در هر مورد آموزش در حال جریان، در صورتی بچه را تشویق نمایید که صدا را به طور درست تقلید کند و در صورتی که صدای پاسخ، نسبت به میزان کلمه‌ای که بیان می‌گردد، بلندتر باشد. باید با تحریک بچه و حرکت دادن او به این سو و آن سو و با نشان دادن حالت بلند بودن صدا و نشانه‌های خاص در رابطه با بلند کردن صدا او را راهنمایی کنید. مثل نقش یک فرد تماشاچی که تیم مورد نظر خود را با کلمات مخصوص تشویق می‌کند، سعی کنید تا او را در ایجاد صدای بلند راهنمایی نمایید. تمرین ادامه داده می‌شود تا زمانی که بچه میزان صدای شما را تقلید کند.

گام دوم: صدای دوم را با صدای آهسته تر (نجوا) ایجاد کنید. با حالت خیلی آرام در حالیکه کودک را ساکت می‌کنید. آرام بودن را به او نشان دهید. انگشتان خود را بر روی لب‌هایش بگذارید. بچه در صورتی که صدا را به طور

صحيح بيان كند و اگر بلندي صداي او به همان ميزاني باشد كه مورد نظر شما مي باشد تشويق مي گردد. آموزش را ادامه دهيد تا زماني كه بچه صداي آرام شما را تقليد كند.

گام سوم: اکنون بايد صداي آرام و صداي بلند را به روش تغيير و جابه جايي با هم به كار ببريد. صداي بلند را با نشانه خاص خودش (حالت حاكي از بلند بودن) و صداي آرام را با حرکت آرام نشان دهيد. به تدريج اين نشانه هاي راهنما را کاهش دهيد. اين دو صدا را به طور متغير به كار ببريد. تعليم و آموزش ادامه داده مي شود.

تا زماني كه بچه از حالت صداي بلند وارد صداي آرام گردد و به آساني اين دو حالت را انجام دهد.

گام چهارم: پس از آن صداهاي جديد را معرفي کرده و بلندي و آرامي صدا را تمرين كنيد. آموزش بچه را ادامه دهيد تا زماني كه بتواند هر صداي جديد را به ميزان مناسب بيان كند.

گام پنجم: بعد از اين كه صداها ارائه گرديدند و بچه توانست در همان زمان آغازين زير و بمي آنها را تقليد كند. يك نشانه سه صدائي مثل ((دا- دي- دا)) را ارائه دهيد، در حالي كه آن را در زير و بم هاي گوناگون (تن پايين و بالا، پايين)) مي گوييد. پاسخ بچه را بر اساس رفتار كاملش، شكل دهيد تا زماني كه بتواند، الگوي زير و بم صدائي كه ايجاد مي كنيد را تقليد نمايد. در هنگاممي كه بچه، نشانه سه صدائي را ياد گرفته است، مورد بعدي با (الگوي متفاوتي از زير و بم ها معرفي مي شود و الگوي تقليدي بچه، در رابطه با زير و بم هاي دوباره طراحي مي گردد تا رفتار آوايي شما را تقليد كند) نشانه هاي جديد سه بخشي، معرفي مي شوند و پاسخ هاي او طراحي مي گردند تا زماني كه بتواند الگوي زير و بم هاي صدا را در دفعه اول تقليد كند.

### **تقليد شتاب يا سرعت بيان صدا:**

گام اول: صدائي كه بچه بتواند، بيان كند را انتخاب كنيد و از او بخواهيد سه تا چهار مرتبه آن را تکرار نمايد. صداهايي كه مي توان براي شروع كار انتخاب كرد عبارتند از ((دا- دا- دا)) يا ((مي - مي - مي)) كه براي آموزش آن ها(همانند آموزش بچه جهت تقليد زير و بم و ميزان آرامي و بلندي صدا) در ابتدا لازم است تا تنها صداهاي علامت مورد نظر را بيان دارد و سپس به تدريج رفتار مورد نظر شكل گيرد، به گونه اي كه وقتي علامت يا صداي مورد نظر گفته مي شود، آن را با سرعت تقليد كند.

گام دوم: اکنون نشانه يا مورد دوم را به ميزان اندك، ارائه دهيد. سپس اين دو نشان يا كلمه را جابجا كنيد تا زمانيكه بچه بتواند به آساني سرعت بيان آن ها را حفظ كند.

گام سوم: كلمات بعدي را هم به صورت تند و هم به صورت آهسته بيان داريد و پاسخ او را طراحي كنيد.

تا زماني كه سرعت بيان و باز نمايي كلمات مورد نظر را به خوبي تقليد كند.

### **تكنيك هاي آموزشي - رفتاري براي كودكان در خودمانده**

ترجمه قسمت هايي از كتاب The Me Book نوشته پروفيسور Lovaas

«بخش ششم»

فصل هفتم

مهارنهي مناسب بازي كردن :

بازي کردن با BLOCK ها: Block (نوعي وسيله بازي است که از تعدادي شيء رنگي به شکل مربع، مستطيل يا نيم دايره تشکيل مي گيرد، که با اتصال آن ها به يکديگر يا قرار دادن آن ها در کنار هم، يک شکل خاص مانند ساختمان يا خانه و ... درست ميشود). بايد به بچه ياد بدهيد که چگونه مي تواند با بلوک ها، ساختار ويژه اي بسازد. در حالي که کار شما را به عنوان يک مدل مورد استفاده قرار مي دهد بگذاريد خودش اين کار را انجام دهد. در پايان، اميد است کودک بتواند از ابتکار خودش استفاده کند و شکل هايي را که از طريق نمونه سازي به او ياد داده شده را بسازد. در اين روش بازي مستقل به او ياد داده مي شود. در جريان آماده کردن شرايط جهت آموزش اين نوع بازي، شما و بچه بايد رو به روي يکديگر در طول يک متر بنشينيد، در حالي که وسعت آن به قدر کافي باشد تا بتوانيد به هر کدام از بلوک ها دست يابيد، به طوري که آن ها را بين خود و بچه بر يک طرف ميز قرار مي دهيد. در آغاز اين برنامه بايد تنها بلوک هاي اندکي در اين مجموعه بازي داشته باشيد. اما به همان ميزاني که آموزش توسعه داده مي شود، بايد مقدار بلوک ها را اضافه کنيد، به گونه اي که تعداد زيادي از آن ها جهت انتخاب موجود گردند.

گام اول: يک بلوک را از جعبه بازي برداريد و آن را در جلوي خود قرار دهيد و بلوک مشابهي را در جلو بچه بگذاريد. در آموزش اين برنامه همانند آموزش رفتارهاي ديگر، بايد با ساده ترين شکل آغاز کنيد. از بچه بخواهيد تا در جريان تقليد از رفتار شما مبني بر دست زدن به بلوک مشابه شما و برداشتن آن، اين کار را انجام دهد يعني يک بلوک را بردارد. مي توانيد با اين دستور شروع کنيد. ((اينطوري انجام بده)) يا ((اين کار را بکن)).

سپس بلوک را برداريد، از بچه نيز بخواهيد تا بلوکش را بردارد. او را راهنمايي کرده و سپس آن را کاهش دهيد. در ابتدا ممکن است بلوک شما را بردارد، اما به او ياد دهيد تا بلوک خودش را بردارد. پس از آن وارد مرحله آموزش رفتارهاي پيچيده تر مثل برداشتن بلوک خود و قراردادن آن در جاي اول شويد. شايد مرحله بعدي اين باشد که بلوک خود را بچينيد و يکي، دوبار آن را بر هم بزنيد. سپس از بچه بخواهيد تا اين کار را بکند و در صورت نياز او را کمک کنيد، سپس آن را کاهش دهيد تا زماني که کار را به خوبي ياد بگيرد.

گام دوم: اکنون به بچه ياد دهيد تا دو بلوک را بردارد، مي توانيد اين کار را با قرار دادن دو بلوک در جلو خود و دو بلوک مشابه در جلو بچه شروع کنيد، اول يک بلوک و سپس بلوک ديگر را برداريد. کودکتان را وادار کنيد تا اين گونه عمل کند. سپس او را تقويت کنيد. به اين صورت که وقتي بلوک اول را دست زده ايد و سپس بلوک دوم را بر مي داريد، بچه نيز بايد مانند شما انجام دهد. يک بلوک را برداريد و بر روي بلوک دوم بگذاريد و سپس بچه را وادار کنيد تا مانند شما با بلوک هاپش بازي کند. هنگامی که بچه، قرار دادن دو بلوک بر روي هم را از شما تقليد کرد، استفاده کردن از 3 يا 4 بلوک را شروع نماييد و تا ساختن يک برج ادامه دهيد.

گام سوم: وقتي بچه حرکت به سوي بلوک هاي موجود در اطراف و مرتب کردن آن ها در کنار هم را به منظور ساختن يک برج شروع کرد. براي شما گام نسبتاً ساده اي است که بلوک ها را به گونه اي قرار دهيد تا شکل هاي خيالي بيشتري مثل يک پل را بسازيد. براي انجام اين کار بايد ساختن پل را به او نشان دهيد.

گام چهارم: وقتي بچه، ترکيبات ضروري ساختن را در جريان تقليد از شما ياد گرفته است بايد آن ساختمان را به هم بزنيد و از او بخواهيد تا آن را دوباره بسازد سپس به تدريج وقتي يک برج را ساخت، به او ياد دهيد تا آن را ((برج)) بنامد. در حالي که ساختمان خود را به عنوان يک علامت راهنما، از او دور مي سازيد، به او ياد دهيد تا طبق دستور ((يک برج بساز)) آن را انجام دهد. هدف از اين مرحله، اين است که بازي کردن با اسباب بازي هاپش را تحت کنترل شفاهي خود قرار دهيد به گونه اي که فقط به او مي گوويد که با بلوک ها چه چيزي بسازد و مجبور نيستيد

تمام کار را خود انجام دهید. تمام ترکیبات و نوآوری‌هایی که می‌توانید با بلوک‌ها و اشیاء (مثل حیوانات، تصاویر و ماسه بازی) ایجاد نمایید، می‌توانند کاملاً پیچیده و تخیلی باشند.

### **بازی کردن با اسباب بازی‌ها:**

یکی از ساده‌ترین کارها در آموزش مهارت‌های مناسب بازی کردن، تعلیم بچه به منظور بازی با اسباب بازی‌های ساده مثل عروسک‌ها و ماشین‌ها می‌باشد دوباره همانند آموزش بازی با بلوک‌ها، از هر کدام دو مورد را فراهم نمایید. در صورتی که می‌خواهید بچه شما با عروسک‌ها بازی کند. مرحله اول باید ساده باشد. عروسک خود را بردارید و از بچه بخواهید تا همین کار را بکند. در جریان تبعیت از دستور شما مبنی بر ((این کار را بکن)) یا ((بیا با عروسک‌ها بازی کنیم)) او را وادار کنید تا عروسکش را بر دارد. در مرحله بعدی نه تنها باید عروسک را بردارید بلکه باید آن را در آغوش بگیرید و سپس بچه را وادار کنید تا همان کار را با عروسکش بکند.

مراحل بعدی شامل تکان دادن عروسک به سمت جلو و عقب، نوازش کردن او، قراردادن بر روی زمین، پوشاندن عروسک با پتو و غذا دادن به او می‌باشد. به خاطر داشته باشید که در صورت نیاز او را راهنمایی و تقویت کنید. پس از آن، باید به بچه یاد دهید تا عروسک را بشوید، او را لباس بپوشاند، او را به دستشویی ببرد و ....

فایده داشتن دو جفت اسباب بازی این است که بچه مجبور نیست تا به خاطر آورد چه چیزی از او می‌خواهید انجام دهد یک اسباب بازی فوراً برای او مهیا می‌شود تا بر اساس تقلید از شما آن را به کار برد. بعد از این که در تقلید کردن و پیروی از رفتارهای شما تا حد زیادی مهارت یافت. سپس در مراحل تدریجی، در زمینه کار خود و کامل کردن کار او تأخیر ایجاد کنید. به طوری که فاصله زمانی بین رفتار شما و او بتدریج طولانی‌گردد. شما بازی مورد نظر را انجام دهید، سپس اسباب بازی را به بچه بدهید و از او بخواهید تا همان طور که شما بازی می‌کنید، او نیز بازی کند. این نوع تأخیر بین رفتار شما و او به این نیاز دارد که به او به خاطر آورد چه کاری را شما انجام دادید.

### **شرکت در فعالیت‌های تفریحی:**

وقتی یادگرفتید که چگونه بازی تقلیدی را آموزش دهید، همانند موقعی که بلوک‌ها، کامیون و عروسک‌ها را به کار می‌برید، توسعه دادن این نوع رفتار در قالب فعالیت‌هایی نظیر ورزش‌ها و رقصیدن کار نسبتاً ساده‌ای است.

### **تکنیک‌های آموزشی – رفتاری برای کودکان در خودمانده**

ترجمه قسمت‌هایی از کتاب The Me Book نوشته پروفیسور Lovaas

#### **«بخش هفتم»**

#### **نقاشی کشیدن:**

گام اول: ترسیم، با استفاده از یک مداد، یک خط افقی را بر روی تکه‌ای کاغذ بکشید، یک مداد رنگی به بچه بدهید و او را وادار کنید تا خط مستقیمی بر روی خطی که شما ترسیم کرده‌اید بکشد. بگویید:

((این کار را بکن)) و در واقع، دست او را گرفته و با مداد رنگی که در دست دارد، خطی را بر روی خط سیاه خود بکشید. بعد از این که این ترسیم را انجام دادید، به خاطر کارکردن خوب با ((نقاشی خوب کشیدن)) او را تشویق کنید. این روش را تکرار نمایید، در حالی که به تدریج راهنمایی‌تان را کاهش می‌دهید.

ممکن است دریابید که بچه به نقاشی نگاه نمی کند و در حال توجه کردن به چیز دیگری می باشد. واضح است که او باید آن چیزی را نگاه کند که قصد دارد انجام دهد و شما مجبور خواهید شد تا توجه او را به کاغذ، خط کشیده شده بر روی آن و مداد رنگی جلب نمایید. همانند تمام کارهای دیگر که آموزش داده اید، به بچه کمک کنید تا به کار خود توجه نماید. بدین صورت که به خاطر انجام کار یا نقاشی درست، او را تشویق کرده و به خاطر کار نادرست، او را توبیخ نمایید. در هنگامی که بچه بتواند خط افقی شما را بدون هر گونه راهنمایی به طور درست ترسیم کند، خط افقی دیگری را بکشید و از بچه بخواهید تا بر روی دو خط قبلی، آن را ترسیم نماید. بعد از فراگرفتن این کار، ترسیم یک خط عمود بر روی آن نیاز است. اگر چه بچه ممکن است قادر باشد تا خطوط افقی را ترسیم کند. خطوط عمودی یک تجربه جدید است و به راهنمایی نیاز دارد. در موقعی که بچه بتواند خطوط افقی را از عمودی تشخیص دهد و آن ها را در برابر یکدیگر بکشد. او را وادار کنید تا خطوط عمودی را به صورت دوتایی ترسیم نماید و سپس خطوط متقاطع را بکشد. به بچه یاد داده می شود تا شکل هایی مثل مثلث، مربع و دایره را ترسیم کند و در نهایت قادر می گردد تا تصویر جعبه ها را بکشد. به خاطر عدم پاسخ درست یا عدم توجه به مواد موجود در جلوی او را توبیخ نمایید. همچنین قبل از توسعه دادن یک رفتار پیچیده تر، یعنی خارج شدن از مرحله ترسیم یک خط عمودی و وارد شدن به مرحله ترسیم دو خط عمودی در کنار هم، مطمئن شوید که بچه کار قبلی را به خوبی یاد گرفته و در آن مهارت یافته است و می تواند بدون هر گونه راهنمایی خطوط شما را ترسیم کند.

گام دوم: کپی کردن:

به جای وادار کردن بچه مبنی بر این که خطی را بر خطوط شما بکشد به او یاد دهید تا خطوط کشیده شده توسط شما را تقلید یا کپی برداری کند. یعنی بچه باید خطوطش را در کنار، زیر یا در بالای خطوط شما ترسیم نماید. همانند مرحله یا گام اول موضوع مورد نظر را در مراحل خیلی اندک انجام دهید. در حالی که این کار را با کشیدن خطوط افقی به صورت یکی آغاز کرده، وارد مرحله ترسیم خطوط افقی به صورت دوتایی می شوید سپس خطوط عمودی یکی، خطوط عمودی دوتایی، خطوطی که هم دیگر را قطع می کند، مثلث، مربع و در نهایت تصاویر اشیاء را به کار می برید.

گام سوم: کپی کردن در حد پیشرفته:

با به کار بردن مهارت های یاد داده شده در دو مرحله اول به بچه یاد داده می شود تا نقاشی های شما بر مبنای اشکال هندسی گوناگون را تقلید کند و پیشرفت کرده و نقاشی کردن حیوانات و گیاهان کوچک مثل سگ ها، گربه ها و گل ها را آغاز می کند و در نهایت موضوعات بزرگ تر و پیچیده تر مثل تصاویر انسان ها، خانه ها و قطارها را ترسیم می نماید. در این مرحله، بچه را وادار کنید تا از کاربرد رنگ نظیر شما تقلید نماید. به عنوان مثال یک گل را ترسیم کنید و از رنگ های قرمز، زرد، سبز و نارنجی استفاده نمایید و بچه را وادار کنید تا به طور درست استفاده از این مداد رنگی ها را از شما تقلید کند.

ام چهارم: نقاشی ابتکاری:

نقاشی کردن ابتکاری کاملاً پیچیده است و مجبور هستید از آن صرف نظر نمایید. زمانی که بچه، اجزای ضروری در بردارنده نقاشی تقلیدی را یاد گرفته است، رفتار مورد نظر تغییر می یابد. بدین صورت که از مرحله تقلید از نقاشی شما فراتر رفته، وارد مرحله تقلید شفاهی می شود، یعنی چنین در خواستی را از او می کنید. ((یک نقاشی بکش)) در ابتدا، بچه نیازمند راهنمایی شما است. به صورتی که دست او را گرفته و در کشیدن نقاشی

کمک می‌کنید. به آهستگی این راهنمایی فیزیکی را کاهش دهید. به طوری که وقتی از بچه در خواست می‌شود تا یک نقاشی بکشد بدون کمک و راهنمایی قادر به این کار باشد.

### • تکنیک های آموزشی - رفتاری برای کودکان در خودمانده

ترجمه قسمت هایی از کتاب The Me Book نوشته پروفیسور Lovaas

#### «بخش هشتم»

#### بازی کردن به صورت مستقل و انتخاب اسباب بازی

خیلی از بچه های عقب مانده ذهنی بخش وسیعی از زمان شان را در انجام رفتار پی در پی تکراری و ابتدایی گذرانده اند که همراه با کوشش ویژه جهت توسعه و بهبود رفتار و آماده کردن بخش های بدن با تحریکات مورد نیاز شنوایی، بینایی، درونی، ظاهری است. ما در حال حاضر توضیح داده ایم که یکی از اهداف مربوط به انجام برنامه بازی با اسباب بازی به طور مطلوب و مناسب، جانشین ساختن بازی مناسب به جای رفتارهای عجیب و غریب است یعنی شما می‌توانید اسباب بازی هایی را انتخاب کنید تا شکل مناسب تری از رفتار خود انگیزته را پدید آورید و آن را جانشین رفتار دارای تناسب نادرست ارادی (مثل تکان دادن بدن) سازید.

به تعبیر دیگر با آموزش دادن بچه، جهت بازی با اسباب بازی به جای انجام رفتارهای عجیب، قادر می‌گردید تا او را برای تقویت کننده های مورد نیاز (بینایی، شنوایی، درونی) آماده کنید.

#### طبقه بندی زیر شامل نمونه هایی از رفتارهای نامناسب است که توسعه داده شده اند:

1- تحریک بینایی: بچه به لامپ ها یا چراغ ها خیره می‌شود توجه خود را بر اشیای در حال چرخش متمرکز می‌سازد، به دست هایش نگاه می‌کند، انگشتانش را در جلو، چشمان خود به صورت نقاب قرار می‌دهد.

2- تحریک شنوایی: بچه صداهای نامفهومی را از خود در می‌آورد. زبانش را به سقف دهان می‌چسباند به طوری که صدایی را ایجاد می‌نماید. با وسیله ای خاص یا با دست بر روی وسایل آشپزخانه از قبیل قابلمه، سینی و ... می‌کوبد.

3- تحریک لامسه: بچه به بخش های بدن خود ضربه می‌زند، خودش را نیشگان می‌گیرد انگشتانش را درون دهان قرار می‌دهد.

4- تحریک درونی: بچه بدنش را تکان می‌دهد، بالا و پایین می‌پرد، بدن خود را می‌چرخاند.

5- تحریک ظاهری بدن: بدن بچه در بخش هایی از خود، ظاهری عجیب می‌یابد. او در حالت خاصی قرار می‌گیرد. روی پنجه راه می‌رود، سرش را به یک طرف بدن خم می‌کند.

آقای هیل و مک مکین ادغان کردند که انتخاب آغازین اسباب بازی که حالت تحریک بینایی را کاهش می‌دهد، باید شامل موارد زیر باشد:

چراغ قوه، وسایل دارای رقص نور، ماشین بازی، ساعت شنی، توپ های چرخان مغناطیسی، تفنگ فلاش دار گوردون، فرره



برای بچه هایی که با ریسمان بازی می کنند یا وسیله ای را به آن بسته و به دور انگشت می چرخانند، از عروسک های خیمه شب بازی استفاده کنید.

برای جایگزین کردن تحریکات شنوایی، اسباب بازی را انتخاب کنید که صدا ایجاد می نماید. مانند اسباب بازی های سخن گو، پیانوی اسباب بازی، جعبه های موسیقی، یک رادیو، اسباب بازی های ایجاد کننده صدا در هنگام کشیدن یا هل دادن، سشوار، گوشی دکتر ها یا موسیقی از هر نوع.

برای جایگزین ساختن تحریکات لامسه، آیتم هایی را انتخاب کنید که می توان آن ها را لمس کرد. مثل اتوهارپ (نوعی چنگ)، ویراتور، برس های نرم، اسباب بازی های دارای موی نرم عروسک ها، آدامس، پتوها.

برای جایگزین سازی تحریکات درونی و ظاهری، آیتم هایی را انتخاب کنید که باعث ایجاد تحرک و جنبش می شوند. مثل اسب گهواره ای، صندلی گهواره ای، توپ های بزرگ درمانی فیزیکی جهت غلطیدن روی آن، شبکه های خاص جهت غلطیدن بر رو و داخل آن، واگن ها، صندلی گردان، تخت خواب متحرک، خیلی از اشکال وسایل موجود در زمین بازی مثل تاب ها و الاکلنگ.

در صورتی که بچه، به برخی از اسباب بازی ها یا فعالیت ها (مثل موسیقی) بیش از اندازه علاقمند شد، می توان از آن به عنوان پاداش استفاده کرد، به طوری که او را وادار نمود تا برخی از رفتارهای ضروری که دوست ندارد را انجام دهد و در عوض پاداش بگیرد. و این پاداش همان اسباب بازی یا فعالیت مطلوبش است. به عنوان مثال به خاطر نشستن بر روی صندلی در حالی که توجه خود را بر موضوع متمرکز می سازد و یاد گرفتن برخی از کارهای ضروری جهت انجام فعالیت اجتماعی مناسب به او پاداش داده می شود و این پاداش بازی کردن با یک اسباب بازی (حتی برای چند ثانیه) است.

#### • تکنیک های آموزشی – رفتاری برای کودکان در خودمانده

ترجمه قسمت هایی از کتاب The Me Book نوشته پروفیسور Lovaas

«بخش نهم»

#### تعمیم و نگهداری :

تعمیم یکی از مهم ترین مفهومات یا جریان های موجود در آموزش است. بنابراین تعمیم به کارآیی آموزش، مربوط می شود، در حالیکه تغییر موجود در رفتار بچه، به ویژه تحت عنوان نتیجه ای از آنچه به او یاد داده شده است را تعیین می کند معمولاً تعمیم به دو بخش تقسیم می شود.

الف: تعمیم محرک ----- ب: تعمیم واکنش

تعمیم محرک : به این صورت تعریف شده است: رفتاری که در یک حالت خاص، ایجاد می شود به طور مداوم در حالت های دیگر نیز ایجاد شود حتی اگر حالت های دیگر در آموزش گنجانده نشده باشد. این مطلب که

آیا یک رفتار ویژه در همه محیط های مورد نظر عمومیت داده می شود یا نه را در ابتدا نمی توان مشخص کرد. برخی مواقع رفتار عمومیت پیدا می کند و گاهی اوقات اینطور نیست. روش های معین وجود دارد که به تعمیم محرک کمک می کند. این روش ها عبارتند از : 1- کار کردن در محیط های مختلف 2- داشتن چندین معلم 3- برنامه تحریک عمومی : این مورد، حداقل در آغاز کار ممکن است، سودمند باشد به گونه ای که موارد به ظاهر مشابه در خانه و مدرسه را ایجاد می کند. مثلاً سعی کنید شرایط مربوط به هنگام غذا خوردن در خانه را در مدرسه نیز ایجاد کنید. 4- طرح های رایج مورد توجه : در صورتی که یک رفتار، بر یک طرح خاص مداوم، در خانه استوار می گردد و به طور ناگهانی، به یک طرح متناوب در مدرسه تبدیل می شود.

رفتار مورد نظر حداقل بعد از چند روز نخست احتمالاً عمومیت پیدا نمی کند. چنین تغییرات ناگهانی در طرح های ویژه، به احتمال زیاد، در موقع ورود بچه به مدرسه رخ می دهند و علت آن این است که نسبت بچه ها با بزرگ تر ها در دو مکان، متفاوت می باشد و این در صورتی است که دلایل دیگری در برداشته باشد. برای دوری کردن از چنین تغییرات موجود در طرح های ویژه (reward) ، قبل از اینکه، بچه به مدرسه برود سعی کنید این طرح را به طور متناوب در خانه اجرا کنید.

همچنین کمک گرفتن از چندین معلم موجود در مدرسه در طول چند هفته اول جهت فراهم نمودن طرح آغازین (reward) به طور مداوم تر، اهمیت دارد.

تعمیم واکنش تعمیم واکنش به میزانی اسناد داده می شود که شما بر اساس آن بتوانید با استفاده از کار کردن بر روی یک رفتار تغییری در شمار وسیعی از رفتارها ایجاد کنید برخی از میزان عمومیت، اعم از تحریک یا واکنش، برای آموزش موفقیت آمیز در شمار وسیعی از رفتارها ایجاد کنید برخی از میزان عمومیت، اعم از تحریک یا واکنش، برای آموزش موفقیت آمیز ضروری هستند. شما باید برخی از تغییرات را ایجاد کنید زیرا نمی توانید تمام رفتارها را در تمام موقعیت ها ایجاد کنید . به منظور افزایش تعمیم واکنش، توصیه های زیر پیشنهاد می شوند.

1- ایجاد واکنش های ارتباطی : جنبه هایی از زبان را توسعه و استحکام دهید که در کسب آنچه بچه می خواهد کارساز باشد. مثلاً ایجاد در خواست های شفاهی برای چیزهایی که بچه شما می خواهد(مثل کلوچه ، بازکن ....) نسبت به موارد توصیفی (مانند بینی- گوش و ....) موثرتر است .

2- ایجاد مهارت های عملی برآورده کردن نیازهای شخصی کودک شما از آموزش هر رفتاری که کارآیی آموزش را افزایش می دهد سود جسته و از آن چه که برآورده کردن نیازهایش را ساده می کند بهره می گیرد. در حالیکه او را قادر می سازد تا در را باز کند، شلوار خیسش را بکند، یا اینکه یک دوچرخه را براند به طوری که توسط آن بتواند به آنچه که در جستجوی آنست، دست یابد.

3- ایجاد بازی مناسب : انواع معینی از بازی ها، جانشین متناسب برای اشکال نامناسب تحریک خود خواسته می باشند. مثلاً رقصیدن جایگزین خوبی برای چرخیدن و غلطیدن است.

4- ایجاد حس پذیرش: زمانی است که افراد بالغ، کنترل دو یا چند رفتار را به دست می گیرند، به طوری که بچه در آغاز کار راهنمایی می شود و شماری از رفتارهای پذیرفته شده، به طور همزمان، افزایش خواهد یافت.

ذکر این نکته حائز اهمیت است که برای دست یابی به این عمومیت و تعمیم واکنش مشابه باید به بخش وسیعی از تفاوت های فردی بچه ها توجه کرد.

5- تعلیم آموزش مبنی بر مشاهده: برنامه ها باید به صورتی تنظیم گردند که بچه بتواند با مشاهده صرف رفتارهای افراد دیگر و بدون هدایت مطالب را به خودی خود فرا بگیرد.

6- ایجاد پاداش های اجتماعی نوین: ما می توانیم از طریق ارتباطات متقابل غیر رسمی که به صورت پاداش یا تنبیه است قسمت وسیعی از رفتار های جدید کودک را شکل دهیم.

7- فراهم کردن پاداش های واقعی: شاید بیشترین نتایج موجود برای بچه موقعی روی دهد که او می آموزد که پاداش های همراه با رفتار یا کار را مورد توجه قرار دهد. و گاهی اوقات ممکن است یک کار آنقدر خوشایند باشد که به عنوان پاداش برای خودش تلقی شود.

ما باید در آموزشمان نکاتی را به کار ببریم تا آنچه را که کودک آموخته است بتواند در برهه ای از زمان نگهداری کند و آن را تعمیم دهد که این نکات عبارتند از:

1- بین مدرسه و محیط های دیگر به طور نامحسوس ، گذر نمایید به تعبیر دیگر محیط مدرسه را در هر جایی فراهم کنید به گونه ای که وقتی بچه خارج از مدرسه است. نتواند آن تغییر را تشخیص دهد.

2- یک طرح متناوب پاداش دهی را به کار برید. بعد از اینکه بچه آموخت بعد از هر کار درستی پاداش دریافت کند به تدریج از دادن پاداش ها بکاهید.

3- پاداش هایی را به کار برید که بچه در محیط طبیعی دریافت خواهد کرد. از دادن پاداش های مصنوعی و اغراق آمیز خودداری کنید.

4- رفتارهای کاربردی را آموزش دهید: رفتارهایی را به بچه آموزش دهید که (بخشی از زبان، بازی و رفع نیازهای شخص باشد) در حیات روزمره اش تقویت و بازسازی مهمی را ایجاد می کند.

#### • تکنیک های آموزشی – رفتاری برای کودکان در خودمانده

ترجمه قسمت هایی از کتاب The Me Book نوشته پروفیسور Lovaas

«بخش دهم»

## مهارت های خودیاری:

مهارت‌های خودیاری از قبیل لباس پوشیدن، شانه کردن مو، مسواک زدن دندان‌ها و ... برنامه‌هایی کاملاً پیچیده هستند و بچه شما باید بعد از اینکه تقلید عمومیت یافته را فراگرفت و توانست چندین آموزش شفاهی را دنبال کند، آغاز گردد. سعی نکنید در یک لحظه، مقدار زیادی از این برنامه‌ها را به او آموزش دهید. در یک زمان خاص یک مهارت را انتخاب کنید، و به طور منظم با بچه خود کار کنید تا زمانی که آن را به خوبی فراگیرد.

## آموزش غذا خوردن:

بدلیل اینکه غذا خوردن یک مهارت پیچیده است باید آن را به مراحل کوچک‌تر تبدیل کرد. برای آموزش این رفتار ابتدا قاشقی را انتخاب کنید که بچه شما بتواند به آسانی آن را در دست گیرد. و به جای اینکه غذا را داخل بشقاب بریزید آن را داخل کاسه ریخته و از غذاهای نرم مانند ماست، سوپ و غیره استفاده کنید. زیرا آن‌ها نسبت به تکه‌های کلفت گوشت و سبزیجات راحت‌تر داخل قاشق قرار می‌گیرند. شما می‌توانید این مهارت را در چهار مرحله به کودک آموزش دهید.

گام اول: به کودک بگویید قاشق را بردار دست کودک را بگیرید و در حالیکه قاشق به صورت محکم در دست کودک قرار دارد قاشق را به سمت غذا ببرید و از کودک بخواهید تا قاشق را بالا بیاورد.

مرحله دوم: به او بگویید « غذا را بردار» دستان او را هدایت کنید به طوری که قاشق را در کاسه فرو کند. عمل غذا برداشتن مشکل خواهد بود. مطمئن گردید که او چگونگی خم کردن مچ دست جهت فرو کردن قاشق به سمت پایین را یاد گرفته است.

گام سوم: به او بگویید « غذا را بخور» و به آرامی زیر دست مشت کرده‌اش را بگیرید و به سمت بالا حرکت دهید، تا قاشق را همراه با غذا در دهانش بگذارد.

گام چهارم: زمانی که قاشق در دهان او است لازم است به او یادآوری کنید که قاشق را بیرون بیاورد. «به او بگویید قاشق را بیرون بیاور و او را هدایت کنید تا قاشق را روی میز بگذارد. و به او آموزش دهید که دست‌ها را ثابت بر روی میز بگذارد و تا زمانیکه دهانش خالی نشده لقمه دیگر را بر ندارد و در آخر راهنمایی‌ها را حذف کنید.

روش دیگر آموزش این مهارت روش تقلید کردن است که او این کار را باید از شما تقلید کند و احتیاج به راهنمایی نیز ندارد و بهترین روش ترکیب روش هدایت فیزیکی با تقلید (modling) است که باعث تثبیت رفتار می‌شود.

## تعلیم توالی رفتن در طول روز:

برای آموزش توالی رفتن بهتر است از پیشنهادهای زیر استفاده کنیم:

- 1- کودک در طول دوره تعلیم مامی نباشد و چندین شلوار برای آموزش داشته باشد
- 2- بچه باید از یک شلوار راحت استفاده کند که قادر باشد آن را به راحتی بپوشد و دربیاورد.
- 3- بچه در حال نشستن بر روی توالی باید راحت باشد و ترسی از افتادن و چیزهای دیگر نداشته باشد.

4- شما باید با در دست داشتن مقادیر مایعات مطلوب جذب مایع در بدن بچه را افزایش دهید تا به راحتی کار توالت رفتن را انجام دهد.

5- شما باید هنگام بردن بچه به توالت از پاداشهای مطلوب استفاده کنید تا بتوانید او را مدتی در دستشویی نگه دارید همچنین این پاداشها باید شور باشد تا تشنگی بچه زیاد شود و عمل جذب مایع در بدنش افزایش پیدا کند.

حال برای آموزش این مهارت آن را به چندین مرحله تقسیم می کنیم 1- به کودکان زیاد بخورانید. 2- کودک را 5 دقیقه یکبار به توالت ببرید تا زمان کنترل دستشویی او را بسنجید. 3- زمانی که او را به دستشویی می برید لباسهایش را کامل درآورید تا کثیف نشود. 4- اگر بچه شما بعد از 5 دقیقه در دستشویی عمل دفع را انجام نداد به دلیل درست نشستنش به او پاداش بدهید. 5- اگر بچه شما عمل دفع را در شلوارش انجام داد او را به شدت توبیخ کنید. 6- اگر بچه شما عمل دفع (ادرار کردن) را در توالت انجام داد او را تشویق کنید. 7- در هنگام کار، از خشک یا خیس بودن شلوار بچه اطمینان داشته باشید. برای تکمیل کردن مهارت توالت رفتن روشهای زیر توصیه می شود. بعد از اینکه کودک شما عمل توالت رفتن را بطور مستقل یاد گرفت 1- شیرآب را باز کند. 2- خود را کاملاً با کمک شما بشوید 3- دستان خود را به جایی نزند و با دست دیگر شلوارش را بالا بکشد. 4- توالت را بشوید 5- بعد از بیرون آمدن از دستشویی دستهایش را با آب و صابون بشوید.

### تکنیک های آموزشی – رفتاری برای کودکان در خودمانده

ترجمه قسمت هایی از کتاب The Me Book نوشته پروفیسور Lovaas

#### «بخش یازدهم»

#### مهارت پوشیدن:

برای آموزش مهارت پوشیدن بلوز ، شلوار ، جوراب و کفش باید اول آموزش درآوردن آنها با کودک کار شود یعنی کودک اول باید یاد بگیرد به طور مستقل شلوار یا بلوز خود را درآورد. برای این کار اول باید درآوردن کفش ها و جوراب ها سپس شلوار و بعد پیراهن را بیاموزد.

درآوردن کفش ها و جوراب ها:

مرحله اول: بچه شما باید به گونه ای روی زمین بنشیند که بتواند به کفش هایش دست بزند. مرحله دوم: به او بگوید کفش ها را بازکن سپس دستش را بگیرد و او را هدایت کنید تا کار بازکردن کفش ها را انجام دهد ( او را تشویق کنید ) مرحله سوم: بگوید « کفش ها را درآور » سپس دست او را بگیرد و انگشت سبابه اش را بر روی پاشنه کفش قرار دهید و دستش را به سمت پایین فشار دهید تا زمانی که کفش درآورده شود او را تشویق کنید برای کفش دیگر نیز این کار را تکرار کنید و راهنماییها را بتدریج حذف کنید تا کودک به طور مستقل بتواند این کار را انجام دهد. مرحله چهارم : بگوید « جوراب ها را در بیاور » و شست و انگشت سبابه بچه را در بالای جوراب قرار دهید، دست او را به سمت پایین فشار دهید تا زمانی که جوراب هایش را درآورد سپس او را تشویق کنید.

مرحله پنجم: هنگامی که بچه بتواند مقدار باقیمانده حوراب را خودش از پا دریاورد او را برای این کار وادار کنید و بعد از اتمام این کار او را تشویق کنید و به تدریج راهنماییتان را کاهش دهید و اجازه دهید تا او خودش به تنهایی این کار را انجام دهد.

### **درآوردن شلوار:**

مرحله اول: شلواری راحت بدون زیپ وگیره به بچه بپوشانید مرحله دوم بگویید « شلوار را دریاور » و انگشت شست بچه تان را در زیر کمر شلوارش در یک طرف، قرار داده ، در حالیکه دست خود را بر روی دستانش می گذارید و شلوارش را به سمت پایین بکشید. و او را تشویق کنید. مرحله سوم: بگویید « پایت را بالا بیاور » و در صورتی که از این دستور پیروی کرد با قرار دادن دست خو در پشت یک زانو و بالا آوردن پا و خارج کردن آن او را کمک کنید. روش موردنظر را با پای دیگر تکرار نمایید ( او را تشویق کنید). مرحله چهارم: اگر کودک شما قادر به ایستادن نیست به او بگویید « بنشین » و در صورت نیاز ، با قرار دادن یک دست در پشت او و دست دیگر در سمت شکم اش ، آن را پایین بکشید و او را کمک نمایید. این باعث می شود تا او خم شود. فشار آوردن به پشت او، تا اندازه زیاد، این حس را در او ایجاد می کند. او باید بنشیند. در هنگامی که او نشسته است ، بگویید « پایت را بیرون بکش » و او را کمک کنید تا شلوار را محکم بگیرد، در حالی که دست خود را بر روی ساق پا در پشت زانوی اش قرار داده اید، یک پای خود را از پاچه شلوار بیرون آورد. در مراحل بعدی راهنماییتان را بتدریج کم کنید تا جاییکه بچه بتواند بطور مستقل این کار را انجام دهد.

### **پوشاندن لباس:**

پوشیدن لباس، باید به روش مشابه درآوردن آن ، آموزش داده شود. یعنی ، آخرین عمل را در ابتدا انجام دهید. لیکن باید منتظر بمانید تا مهارت های مربوط به محکم کردن شلوار مثل بستن زیپ ، حلقه فلزی و دکمه، آموزش داده شوند. زیرا این کارها به مهارت بیشتری نیاز دارند و از بچه های خیلی کوچک ، نمی توان انتظار داشت تا آن ها را انجام دهند.

### **پوشیدن شلوار:**

در ابتدا اگر پوشیدن شلوار را در حال نشسته به بچه آموزش دهیم ساده تر و مناسب تر است.

مرحله اول: پوشیدن شلوار به طور کامل ، در حالیکه کمر آن سفت می گردد.

مرحله دوم: بالا کشیدن شلوار ، از کفل ها تا کمر

مرحله سوم: شلوار را از زانو تا کفل بالا بکشید.

مرحله چهارم: شلوار را از مچ پا تا زانو بالا بیاورید.

مرحله پنجم: ایستادن

مرحله ششم: پایش را درون سوراخ پاچه شلوار قرار دهید به طوری که شلوار در مچ پا فرار داده شود.

مرحله هفتم: پاچه های شلوار را بر روی پا قرار دهید.

مرحله هشتم: در حالی که شلوار را نگاه داشته اید آن را برابر پا قرار دهید.

مرحله نهم: یک طرف شلوار را محکم گرفته ، آن را بالا نگه دارید.

مرحله دهم: شلوار را بردارد و بپوشد.

### **پوشاندن پیراهن:**

مرحله اول: پیراهن را داخل سر کودک قرار دهید.

مرحله دوم: دستها را یکی یکی درون آستین قرار دهید.

مرحله سوم: پیراهن را از زیر بغل پایین بکشد و آن را مرتب کند.

مرحله چهارم: پیراهن را در مکانی مناسب قرار دهید و به کودک بگویید آن را بپوش.

### **پوشیدن جوراب ها:**

مرحله اول: جوراب را از ساق پا به بالا بکشید.

مرحله دوم: جوراب را از پاشنه به بالا بکشد.

مرحله سوم: بعد از اینکه جوراب را بر روی پنجه های پا قرار داد سپس از کودک بخواهید آن را به سمت پاشنه پا ، بالا بکشد.

مرحله چهارم: جوراب را بر روی پنجه پا قرار دهید.

مرحله پنجم: جوراب را به طرز صحیحی بگیرید. به طوری که آماده پوشیدن باشد.

مرحله ششم: جوراب را بردارید و کودک را بنشانید و خود نیز بنشینید تا کودک خود به طور مستقل این کار را انجام دهد.

### **پوشیدن کفش ها :**

مرحله اول: پاشنه پا را در پاشنه کفش فشار دهید.

مرحله دوم: پاشنه کفش را بر روی پاشنه پا ، بالا بکشید.

مرحله سوم: بعد از اینکه یک پنجه را به طور درست در آن قرار دادید. پا را به درون آن حرکت دهید.

مرحله چهارم: دست بچه را خم کنید تا بتواند پشت کفش را بالا بکشد.

مرحله پنجم: کودک باید این کار را به طور مستقل انجام دهد.

روش دیگر این آموزش ها روش الگوسازی است. یعنی با وادار کردن بچه جهت تقلید اعمالتان او را آموزش دهید. سودمندی های آموزش از راه تقلید ، این است که بچه یاد خواهد گرفت تا بیشتر از شما تقلید کند و در طراحی خسته کننده هر مرحله به صورت مجزا ، وقت کمتری را صرف خواهید کرد.

برس زدن یا شانه کردن موی سر:

برای اینکه بچه بتواند شانه کردن موی سر را یاد بگیرد باید این کار را به مراحل قابل قبولتری تجزیه کنید.

مرحله اول برداشتن برس یا شانه با دست.

مرحله دوم: برس زدن مو

مرحله سوم: آغاز کردن از یک بخش خاص و حرکت دادن شانه یا برس به سمت پایین در جهات چپ و راست سر.

مرحله چهارم: برس زدن مو به سوی پشت سر و برس زدن از بالا به پایین سر.

مرحله پنجم: شانه کردن موهای ریخته روی پیشانی.

مرحله ششم: برس زدن بخش زیرین مو: بچه را روبروی آئینه بنشانید و برای اجرای هر مرحله به بچه فرمان بدهید مثلاً بگویید: « پشت سر را شانه بزن » و برای هر مرحله با تقلیدکردن از شما یا کمک فیزیکی می تواند آن کار را انجام دهد و در آخر به تدریج کمکهای فیزیکیتان را کاهش دهید تا کودک به صورت مستقل این کار را انجام دهد.

### مسواک زدن:

عمل مسواک زدن ، متشکل از توانایی طولانی و گسترده ای از اعمال است . مسواک زدن، همانند هر مورد از رفتار ترکیبی ، باید در مراحل خیلی جزئی تر آموزش داده شود. با وجود یک چنین عمل پیچیده ای کاملاً آشکار می شود که چگونه برنامه مربوط به آموزش تقلیدی می تواند سودمند باشد.

مراحل زیر به عنوان راهنمایی جهت آموزش بچه تان در رابطه به چگونگی مسواک زدن دندان اش توصیه می شود: 1- آب را باز کنید 2- دسته مسواک را گرفته، آن را بردارید 3- مسواک را خیس کنید 4- آب را ببندید 5- لوله خمیردندان را با دست دیگر بگیرید 6- در خمیردندان را باز کنید 7- در آن را کنار بگذارید 8 - خمیردندان را بر روی مسواک بمالید 9- مسواک را پایین بگذارید. 10- در خمیردندان را ببندید 11- خمیردندان را پایین بگذارید 12- مسواک را بردارید. 13- سطوح بیرونی دندان های بالایی و پایینی را مسواک بزنید 14- سطوح رویین دندان ها را مسواک بزنید 15- درون دندان های بالایی و پایینی را مسواک بزنید 16- مسواک را پایین بگذارید 17- یک لیوان بردارید 18- آب را باز کنید 19- لیوان را از آب پر کنید 20- آب را ببندید 21- دهان را بشویید 22- لیوان را پایین بگذارید 23- دهان را خوب پاک کنید 24- آب را باز کنید 25- مسواک را بشویید 26- مسواک را کنار گذارید 27- ظرفشویی یا دستشویی را بشویید 28- آب را ببندید 29- دستها را خشک کنید 30- وسایل را کنار گذارید.

شاید همه بچه ها به این مراحل نیاز نداشته باشند و بتوانند این مهارت را با مراحل کمتری انجام دهند. سعی کنید در هر مرحله فرمان را درست و صریح بدهید تا کودک دقیقاً بفهمد از او چه می خواهید. بهترین استراتژی برای آموزش بچه تان جهت مسواک زدن دندان هایش ، همانند نوع موجود در دیگر رفتارهای پیچیده ترکیب تکنیک های نمونه سازی ، تقلید و راهنمایی است. بعد از اینکه بچه چندین مرحله از کار را انجام داد می توانید به تدریج راهنماییهای فیزیکی را کم کنید تا زمانی که فقط به او می گویید: « دندانهایت را مسواک بزن » او قادر باشد خودش ، دندان هایش را مسواک بزند.

### تکنیک های آموزشی – رفتاری برای کودکان در خودمانده

ترجمه قسمت هایی از کتاب The Me Book نوشته پروفیسور Lovaas



## «بخش دوازدهم»

### درک شیء (شناسایی اشیاء):

برای شناسایی یا درک اشیاء کار خود را با اشیایی آغاز کنید که او می تواند به آسانی آنها را نام ببرد. همانطور که در آموزش تقلید و پیروی از دستورات مشاهده شد این مورد درباره توضیح شیء صحت می یابد که بچه ممکن است در حال حاضر برخی از این اشیاء را بشناسد اما او نمی تواند آنها را به کار برد. اکنون، وظیفه شما این است که با پاداش دادن به خاطر پاسخ های درست و تنبیه کردن به خاطر انواع نادرست همراه با تنبیه کردن به جهت ضعف بچه در همکاری، کنترل او را به دست بگیرید. در آغاز کار، (با مشاهده کردن این مطلب که آیا شما معلم بچه هستید یا نه و پرسش کردن از والدین اش در این باره) مشخص نمایید که در حال حاضر بچه چه چیزی را می تواند نام ببرد. (حتی اگر در آن مورد اطمینان چندانی نداشته باشد.) در ابتدا، این حالت بیان اشیاء توسط کودک را کنترل کنید.

مرحله اول: تمام اشیای روی میز را از دید و دسترس بچه ها دور کنید. و با قرار دادن یک شیء مثل فنجان بر روی میز با فاصله ای معین در جلوی بچه آموزش را شروع نمایید. سپس به بچه فرمان « فنجان را بردار» را بدهید. اگر بچه نتوانست پاسخ صحیح بدهد وارد مراحل بعدی شوید.

مرحله دوم: راهنمایی دیداری؛ شما با قرار دادن دست خود بر روی فنجان (به گونه ای که او آن را همانند شما انجام دهد) بچه را کمک کنید تا به فرمان شما، پاسخ دهد. اگر بازم موفق نشد باید کمک های فیزیکی را بیشتر کرده تا بچه موفق نشد و او را تشویق کنید. سپس به تدریج کمک های دیداری را کاهش دهید. یعنی رفته رفته عمل حرکت دست به سوی فنجان را کم کرده تا بچه موفق شود به طور مستقل فنجان را بردارد. و بعد از آن آموزش شیء دوم را آغاز کنید.

### مشخص کردن شیء دوم:

به منظور کاهش دادن حالت سردرگمی بچه شیء دوم انتخاب شده برای آموزش بیان، باید از نظر شکل فیزیکی و نوع عمل، از شیء اول، کاملاً متفاوت باشد. همچنین، اگر شیء اول، یک فنجان باشد، به کار بردن یک لیوان، به خاطر شباهت آن با فنجان، هم از نظر شکل و هم از نظر نوع عمل که هر دو برای نوشیدن به کار برده می شوند، یک گزینه نامناسب به عنوان شیء دوم خواهد بود. بنابراین نشان یا نام های دو شیء باید تا حد وسیعی متفاوت باشند. مثلاً اگر فنجان اولین نشان آموزش، داده شده باشد، «کلوچه» به عنوان یک کلمه ثانوی، گزینه نامناسب خواهد بود زیرا هر دو کلمه با دو کاف شروع می شوند. و همچنین هر دو آنها وارد دهان می شوند. بعد از انتخاب یک گزینه مناسب آن را به روش شیء نخست آموزش می دهیم. وقتی بچه شیء دوم را شناخت مرحله جابه جایی و تغییر شیء را انجام می دهیم. در این مرحله شیء اول را دوباره بر روی میز قرار داده تا بچه آن را شناسایی کند بعد از اینکه شناسایی به طور صحیح انجام پذیرفت حال دو شیء را جلوی بچه روی میز قرار داده و از او می خواهیم تا به یکی از آنها مثلاً «فنجان» دست بزند برای اینکه مطمئن شویم بچه به طور تصادفی پاسخ نمی دهد و هر دو شیء را به طور کامل شناخته و از هم تمیز می دهد جای اشیاء را چندین بار عوض می کنیم و سعی می کنیم به گونه ای فرمان دهیم که دستورات ما یک حالت منظم مثلاً یک در میان نداشته باشد و همچنین با حرکات چشم و دست به شیء مورد انتظار اشاره نکنیم. (مثلاً می گوئیم فنجان، فنجان، عروسک، فنجان، عروسک، عروسک و گذاشتن شیء در سمت و جهت خاص مثل راست، راست، چپ، راست)

، چپ ، چپ و... ) اگر بچه بتواند به طور صحیح پاسخ دهد، در این صورت می تواند دو شیء را از یکدیگر تشخیص دهد و شما می توانید شیء سوم را به او آموزش دهید.

روش دیگری که برای شناخت اشیاء می توانیم بکار ببریم روش نمونه سازی (modeling) است. این روش برای بچه ای که در حال حاضر تقلید می کند، مناسبترین روش می باشد. مجموعه ای از اشیاء را به طور جفتی برای خود و بچه تان ، انتخاب کنید. اشیاء را بر روی میز قرار دهید ، به طوری که ، مجموعه شما ، انعکاسی از مجموعه بچه است دستور بدهید که « به فنجان دست بزن » و با نمونه سازی عمل یعنی دست زدن به فنجان خود ، بچه را کمک کنید تا به فنجان اش دست بزند. در آزمایش های متوالی ، دو فرمان و بخش های راست و چپ اشیا را به طور متغیر ، جابه جا کنید. به خاطر داشته باشید که مکان های موجود در مجموعه شما و بچه باید همیشه به صورت جفت قرار گیرند. پس از انجام مجموعه ای از آموزش ها با دور شدن از اشیای موجود در مجموعه خود ، مبنی بر عدم دست زدن به آنها، راهنمایی بر اساس نمونه سازی را کاهش دهید. قبل از این که راهنمایی براساس نمونه سازی را کاهش دادید به یاد داشته باشید که بگذارید تا بچه در سطحی از راهنمایی چندین بار در پاسخ دادن ، موفق گردد. تا جایی که بچه بدون کمک پاسخ صحیح می دهد انجام آزمایشات را ادامه دهید اکنون نخستین حالت تشخیص نشان ادراکی را به او آموزش داده اید. وقتی بچه یادگرفت تا دو شیء را بشناسد وارد مرحله بعد شوید و به او شناسایی اشیای دیگر که در محیط اش موجود هستند را آموزش دهید.

### **آموزش عمومیت دادن:**

در هنگامی که بچه شش نشانه یا مقدار بیشتری از اشیاء ، را فراگرفت ، شما می توانید، آموزش عمومیت دادن را آغاز کنید. بچه باید یاد بگیرد که نه تنها ، آئتم خاصی را که فرا گرفته است را تعیین کند بلکه ، نمونه های دیگری از یک شیء را به طور صحیح ، مشخص نماید. در ابتدا، آموزش باید، به آئتم هایی گسترش یابد که به شیء اولی ، کاملاً شبیه هستند. به تدریج ، باید اشیایی را معرفی کنید که متفاوت از هم باشند. شما باید در طول آموزش عمومیت دادن ، از راهنماها ، استفاده نمایید. روش مشابهی که در آموزش Matching (مقایسه) به کار برده اید را ، دنبال کنید. به آموزش ادامه دهید ، تا زمانی که بچه بتواند به طور صحیح ، شمار جدیدی از یک طبقه را در اولین مرتبه از حالت فراهم شده ، مشخص کنید. وقتی ، بچه شما توانست به آسانی مجموعه ای از اشیای موجود در طبقات گوناگون را مشخص کند ، باید عمومیت دادن کاربردش را در موقعیت های جدید آغاز کنید ، یعنی بچه بتواند ، آنها را در محیط های جدید تعمیم دهد. اساساً باید تعلیم بچه تان را به هر بخش ممکن از حیات روزمره اش ، توسعه و گسترش دهید. تنها در این روش است که او در عمومیت دادن مهارت هایی که در جلسات درمانی مؤثر ، کسب می کند ، موفق می شود و آنها را در دنیای واقعی نه چندان سازمان یافته به کار می برد.

### **توضیح شیء با بیان کردن:**

پس از اینکه بچه شما یاد گرفته است تا به طور تقریبی ده شیء را نشان دهد. شما می توانید به او یاد دهید تا در برابر پرسیدن « این چي است » نام آن شیء را بگوید.

مرحله اول: شما و بچه تان باید، روبه روی یکدیگر در دوطرف میز بنشینید. یک شیء را بر روی میز، در جلوی بچه قرار دهید. در موقعی که قصد دارید به او یاد دهید تا برای بدست آوردن اشیاء آنها را نام برد سعی کنید در شروع کار ، اشیایی را انتخاب نمایید که بچه شما آنها را دوست دارد ، مثل غذاها یا یک اسباب بازی مطلوب.

مرحله دوم: او را راهنمایی کنید. مثلاً کلوچه را روی میز قرار داده و از بچه نپرسید که این چي است؟ به محض این که بچه کلوچه را می بیند ، با گفتن کلمه «کلوچه» جواب درست را به او نشان دهید. اگر بچه به طور صحیح ، آن را تلفظ کند ، فوراً او را تقویت کنید و کلوچه را از روی میز بردارید ، تا این که آزمایش بعدی آغاز شود.

مرحله سوم: کاهش دادن راهنمایی پس از این که بچه شيء مورد نظر را برای پنج بار همراه با راهنمایی کامل ( گفتن کلمه به طور کامل ) بیان کرده است ، شما باید راهنمایی را کاهش دهید.

نشان و بیان دوم:

بیان شيء دوم به همان روش موجود در مورد اول آموزش داده می شود به خاطر داشته باشید که شيء دومی که برای آموزش انتخاب شده است، باید از نظر شکل و نوع عمل ، از مورد اول ، کاملاً متفاوت باشد. بعد از اینکه بچه شيء دوم را نیز بدون راهنمایی کامل بیان کرد حال روش تغییر و جابجایی را به کار می بریم.

### قدم زدن به سمت ( فرد / شخصی )

این رفتار به کودک می آموزد تا در اتاق به سمت فرد دیگر ( در صورتی که فردی وجود داشته باشد ) یا به سمت یک شيء مثل میز ، حرکت کند (قدم بزند)

مرحله اول: شما و کودکتان باید در حد فاصل 5 قدمی از فرد یا شيء موردنظر ( به عنوان مثال حدفاصل بچه و پدرش ) ، قرار بگیرید. به بچه دستور بدهید: « بیا پیش بابا » در صورتیکه بچه فرمان را به خوبی اجرا کند رفتار بعدی را ارائه دهید.

مرحله دوم: او را راهنمایی کنید. این رفتار و رفتارهای مشابه ، با وادار کردن بچه جهت تقلید از شما ، به آسانی آموزش داده می شوند. همچنین ، بعد از گفتن « به سمت پدر بیا » باید بگویید « این طوری عمل کن » یا « اینجوری کن » سپس بلند شوید و به سمت فرد مورد نظر حرکت کنید تا به او برسید. در صورتیکه بچه برای پنج بار آموزش ، به خوبی از شما تقلید نکند او را کمک فیزیکی کنید تا آنچه که از او درخواست شده است را انجام دهد. به عنوان مثال، می توانید با قرار دادن دست خود در زیر بازوهای او به همان شکل قبل، او را به سمت مناسب حرکت دهید. در پایان با گرفتن دستش یا در صورت نیاز با هل دادن آرام از پشت ، می توانید او را کمک کنید تا به سمت فرد یا شيء موردنظر ، حرکت نماید. وقتی بچه ، به فرد یا شيء می رسد ، باید بلافاصله با دادن غذا و پاداش ، او را تشویق کنید.

مرحله سوم : کاهش دادن راهنمایی : هرگونه راهنمایی فیزیکی که شما در حال انجام آن بودید را به طور سیستماتیک و به تدریج کاهش دهید ، او را به آرامی هل دهید یا آهسته به سمت جلو برانید تا بتواند به سمت موردنظر حرکت کرده و در واقع راه برود بعد از آن تا جایی که می شود، کمتر دست او را بگیرید و بگذارید تا بلند شود و به سمت مورد نظر حرکت کند و بدون کمک شما، به راه رفتن ادامه دهد. در حالیکه وقتی کمکهای فیزیکی را کم می کنید ، خودتان نیز به راه رفتن همراه با او ادامه دهید. همچنین وقتی کمکهای فیزیکی کاملاً محو می گردند، بچه باید کار شما را تقلید کند و همراه شما راه برود.

اکنون ، باید نمونه سازی رفتار را کنار بگذارید: به طوری که بچه بتواند در واکنش یا پاسخ به دستورات شما ، رفتار را شکل دهد. در هنگامی که بچه بتواند بایستد، دور بزند و بدون ایجاد یک نمونه سازی و یا عدم کمک به سمت فرد یا شيء موردنظر حرکت کند. معرفی فعل ادراکی بعدی را آغاز نمایید.

جستن (دویدن) به سمت ( فرد/ شيء )

این فعل نیز ( دقیقاً ) همانند فعل اول آموزش داده می شود ، علاوه بر فرد دوم موجود در روش تعلیم ، یک شیء دیگر را به کار ببرید . مطمئن شوید که در آموزش هر دو رفتار ، شیء یکسانی را بکار می برید. وقتی بچه نشان ادراکی دوم را یاد گرفت وارد مرحله تغییر و جابجایی شوید. و بعد از این مرحله سعی کنید آموزشتان را تعمیر دهید.

### آموزش از طریق تصاویر:

در مرحله بعدی باید به بچه آموزش دهید تا اعمال یا رفتارهای افراد موجود در تصاویر را مشخص کند. تصاویر وسایل آموزشی مفیدی هستند، زیرا می توانند اعمالی را شرح دهند که انجام آنها توسط افراد در طول درمان خیلی مشکل است ( مانند خوابیدن یا راندن یک دوچرخه که هنگام آموزش به سختی می توان به صورت عملی حرکت آن را نشان داد) این نوع فعالیت آموزشی دقیقاً همانند روش مطرح شده برای معرفی شیء به صورت درک معنای آن آموزش داده می شود. شما باید فعالیت هایی را انتخاب کنید که دیگران به طور همیشگی انجام می دهند همچنین در مراحل آغازین آموزش نباید تصویر را انتخاب کنید که فردی را در حال اسکی کردن (ورزش اسکی ) نشان می دهد ، تصویر فردی که در حال راندن یک ماشین است مناسب تر خواهد بود. در هنگام انتخاب شیء یا موضوع در ابتدا سعی کنید، حالات فعلی را انتخاب نمایید که تا اندازه ای نامشابه هستند ، تا بر این اساس به بچه کمک شود. فرمانها را از هم تشخیص دهد ، و در آموزش زبان بیان در مرحله بعد ، او را یاری رساند.

در پایان باید گفت که در مراحل آغازین این تعلیم ، فعالیت های گوناگون را به صورت جفتی، نشان دهید، به طوری که بچه بتواند با دیدن آنها را از هم تشخیص دهد. همانطور که دو فرمان گوناگون را با شنیدن مشخص می سازد. همچنین در آغاز آموزش راه رفتن در برابر دویدن ، از نظر تشخیص رفتار ، مشکل است. همانطور که حالت نشستن در قیاس با خوردن ، مشکل خواهد بود. قبل از اینکه تصاویر جفتی را با هم نشان دهید، باید منتظر بمانید تا زمانی که این تصاویر همراه با فعالیت های دیگر، نمایش داده شوند و بچه بتواند آنها را مشخص سازد . در نظر داشته باشید که از بچه انتظار دارید، تا جایی که ممکن است، درست پاسخ دهد شما می توانید به انجام این امر کمک کنید، بدین صورت که در ابتدا فعالیت های آسان را نشان دهید و سپس به تدریج سطح این رفتارها را از نظر سختی برای بچه افزایش دهید، در صورتیکه بچه به مقدار ناچیزی ، پاسخ را بیان کند، احتمالاً بدین خاطر است که شما، خیلی سریع آنها را انجام داده اید. همچنین بعد از اینکه بچه یادگرفته است تا این رفتارها را در تصاویر نشان دهد این سؤال مطرح گردد که آیا او قادر است تا رفتارهای سه بعدی (عینی) را مشخص کند یا نه. با چند حرکت روبه جلو و عقب او باید این رفتارها را یاد بگیرد. لیست زیر شامل نمونه هایی از اعمالی است که شما باید به بچه آموزش دهید.

راه رفتن

تکان دادن خوردن

راندن

نشستن  
خواهیدن  
اخم کردن  
بوسیدن  
نوشتن  
بختن  
پریدن  
لبخندزدن  
ایستادن  
خواندن  
شانه کردن

### تکنیک های آموزشی – رفتاری برای کودکان در خودمانده

ترجمه قسمت هایی از کتاب The Me Book نوشته پروفسور Lovaas

#### «بخش سیزدهم»

#### معرفی بیان عمل:

هنگامی که بچه شما یادگرفت به هشت تا ده رفتار ، اشاره کند می توانید این برنامه را شروع کنید، بچه شما یاد خواهدگرفت ، نام رفتاری که انجام داده یا از شما دیده است را بگوید. همچنین یاد می گیرید تا رفتارهای شرح داده شده در تصاویر را نام ببرد. رفتارهای نخستین که برای آموزش انتخاب می کنید، باید رفتارهایی باشند که او در حال حاضر یادگرفته است آن را بیان کند. آموزش برنامه های قبلی را ادامه دهید در حالیکه از همین روش آموزش استفاده می کنید روش آموزشی موجود در معرفی شیء از طریق بیان کردن با روش آموزشی نام بردن کاملاً شبیه است و تنها دو تفاوت اصلی وجود دارد: 1) به جای نشان دادن یک شیء به بچه عملی را به او نشان می دهید (که شما یا او انجام می دهید). 2) به جای گفتن « این چي است؟ » به او می گوئید: « من دارم چه کار می کنم » .

مرحله اول : شما و بچه تان باید روبه روی یکدیگر بنشینید. شما بلند می شوید و همزمان با آن می پرسید «من چه کار می کنم؟ » اگر بچه درست گفت (می ایستد) معرفی عمل دوم را آغاز می کنید. و در صورتی که نتوانست پاسخ صحیح بدهد. او را راهنمایی کنید.

وقتی ایستادید از او نپرسید من چه کار می کنم. بلکه بگوئید «می ایستم» و در صورتی که بچه سخن شما را به طور صحیح تکرار کند او را تشویق کنید. اگر بعد از این راهنمایی باز هم پاسخ صحیح نداد از طریق تقلید کردن کار شما یعنی ایستادن همزمان با شما آن را تقلید کند. و سپس راهنمایی ها را کاهش دهید تا بچه بتواند به طور

مستقل پاسخ دهد و سپس عمل دو را نیز مانند عمل اول به او آموزش دهید و بعد از اینکه عمل دوم را نیز به خوبی فرا گرفت از عمل تغییر و جایابی برای تثبیت و یادگیری کامل عمل استفاده کنید.

عمومیت دادن موارد آموزشی: عمومیت دادن نشانه های فعل از طریق بیان عمل ، باید از راههای گوناگون ، آموزش داده شود. در ابتدا (به خاطر ساده تر بودن آن برای بچه) افرادی به غیر از درمانگر ، باید اعمالی را انجام دهند که بچه بتواند آن را نام ببرد، واز بچه پرسیده شود « من دارم چه کار می کنم » سپس شما می پرسید : « او دارد چه کار می کند » در حالی که به فردی اشاره می کنید. از او بخواهید رفتارهایی را که می شناسد انجام دهد سپس از او بپرسید : « داری چه کار می کنی؟ » زمانی که بچه این گوناگونی رفتارهای اصلی را یاد گرفت. باید از او بخواهید ، اعمالی را معرفی کند که می تواند نام ببرد، همانند آنهایی که در زندگی روزمره اش روی می دهند، یا آنچه که در تصاویر نشان داده می شوند. همانطور که قبلاً ذکر شد، در مراحل آغازین هر بخش برای عمومیت دادن رفتارها، برخی از راهنمایی ها یا بازنمایی رفتارها ممکن است لازم باشد.

### زبان اشاره:

برای برخی از بچه ها که در زبان ، فعل ادراک و بیانیشان پیشرفتی حاصل نمی شود زبان اشاره یک جایگزین مفیدی در زبان شفاهی است که مورد استفاده قرار می گیرد.

بنابراین ، بچه هایی وجود دارند که مهارت شفاهی ادراکی را به صورت نسبتاً مطلوب کسب می کنند، اما عمل بیان را در حد ناچیزی یاد می گیرند، به طوری که تلفظ آنها به گونه ای که هیچ کس نمی تواند ، آنها را درک کند.

این بچه ها نیز ، می توانند از آموزش زبان اشاره بهره مند گردند. به طوری که منظور خودشان را از طریق زبان اشاره بیان دارند ، در این زمینه باید از این موضوع آگاه بود که به چه کسانی نباید، زبان اشاره ، آموزش داده شود. به بچه های خیلی کوچک (کمتر از 3سال) که شکل گیری کاربردی زبان در آن ها ، با تأخیر صورت می گیرد یا بچه هایی که آموزش خیلی زیادی در زمینه تعلیم شفاهی دریافت نکرده اند نباید، زبان اشاره ، یاد داده شود بلکه در ابتدا باید تعلیم شفاهی را برای آنها امتحان کنید. اشاره کردن نباید به بچه های اکولیک یا آنهایی که در مهارتهای تقلید شفاهی خوب هستند. آموزش داده شود این گروه از بچه ها، با آغاز کردن برنامه تعلیم زبان شفاهی نظیر موارد توضیح داده شده در بخش های آغازین بیشترین فایده را می برند. خلاصه اینکه ، والدین و معلمان باید از تلاش کردن برای آموزش زبان اشاره صرفاً به خاطر جدید بودن آن و یا به علتی که احساس می کنند، بچه زبان شفاهی را خیلی سریع یاد نمی گیرد، امتناع کنند.

### سودمندی های به کاربردن زبان اشاره عبارتند از:

اول اینکه، برخی از متخصصان بر این باورند که اگر یک فرد بزرگ از طریق نشان دادن علائم همراه با گفتن کلمات ارتباط برقرار کند ، ( روشی که تحت عنوان ارتباط همزمان مورد توجه قرار می گیرد) کاربرد مناسب زبان، بهبود یا گسترش می یابد، این انتظاری کاملاً مجادله آمیز است. در حالیکه برخی از بچه ها همراه با دنبال کردن ارتباط همزمان ، صحبت کردن را آغاز می کنند ، تعداد وسیعی از آن ها ، نمی توانند این گونه باشند. لیکن آن چه واضح به نظر می رسد این است که اکثر بچه ها بدون زبان شفاهی می توانند، حداقل برخی از این اشارات را یاد بگیرند ، بنابراین می توانند ارتباط توسعه یافته ای را با افراد بزرگ نشان دهند.

دوم اینکه اگرچه برخی از مواقع مشخص شده است که خیلی از بچه های ناتوان ذهنی در فهمیدن کلمات گفته شده ، مشکل زیادی دارند، اما به نظر می رسد که در درک اشارات تا اندازه ای بهتر باشند. شاید، این موضوع، بر

این اساس است که خیلی از بچه‌های ناتوان ذهنی، محرک بینایی را بهتر از محرک شنوایی، تشخیص می‌دهند. و برای آنها آسان‌تر است، چیزی را ببینند، به جای اینکه آن را بشنوند، شاید محرک بینایی، ذاتاً، آسانتر، قابل تشخیص باشد.

یا اینکه خیلی از بچه‌ها ناتوان ذهنی به جای محرک شنوایی، به محرک بینایی بهتر توجه می‌کنند. از آن جهت که زبان اشاره، مقدمتاً یک سیستم بینایی (مبني بر اشاره) است. اطمینان می‌دهد که کسب زبان اشاره ساده‌تر می‌باشد. سومین دلیل قابل توجه، این است که یک معلم یا والد، به آسانی می‌تواند، دستان بچه را به سمت شکل‌گیری مناسب یک علامت، هدایت کند. (یعنی از نظر فیزیکی او را کمک کند). چهارم اینکه در قیاس از علائم، رابطه متقنی بین علامت و معرفاش وجود دارد. به عنوان مثال، علامت مربوط به «موز» متشکل از پوست کردن آن است که در این حالت انگشت سبابه یک دست به صورت باز، در قالب موز، قرار می‌گیرد و انگشتان دست دیگر آن را پوست می‌کنند. کمیّت بصری خیلی از نشانه‌ها، فایده آموزشی دیگری نیز دارند. پنجم، بچه‌ای که به طور بالقوه زبان اشاره را کسب کرده‌است، می‌تواند به سمت یک کلاس درس و یا گروه مربوط به افراد ناشنوا جذب شود، در حالیکه شاید، فرصت‌های دیگری جهت توسعه آکادمیک شخصی و اجتماعی، برای او فراهم گردد.

### حالت اختیاری:

یک بچه ممکن است نشانه یک شیء خاص مثل یک کلوچه را بداند، ولی هنوز به منظور درخواست یک کلوچه آن نشانه را به طور اختیاری، به کار نمی‌برد. ما با انتخاب یک تقویت کننده نیرومند، آموزش اختیاری را آغاز می‌کنیم. غذای مطلوب بچه، می‌تواند به عنوان یک تقویت کننده به کار رود. در این مورد یک بیسکویت نمکی، به کار برده می‌شود. فرد بالغ، به نزد بچه می‌آید و یک محرک تقلیدی (یعنی نشان دادن بیسکویت) را به او نشان می‌دهد. در موقعی که بچه رفتار فرد بالغ مبنی بر شبیه‌سازی را تکرار کرد، تکه‌ای از بیسکویت را دریافت می‌دارد. پس از چندین آزمایش، فرد بالغ، به تدریج محرک را کم می‌کند و منتظر می‌ماند تا بچه قبل از اینکه مورد تقویت کننده را ببیند، آن علامت را نشان دهد. در این بخش، ممکن است نیاز باشد تا فرد بالغ به طور قابل انتظار بچه را مورد مشاهده قرار داده و ببیند بچه چه حالتی را از خود نشان می‌دهد قبل از اینکه بتواند علامت موردنظر را مشخص نماید. اما پس از اندکی، حتی این محرک نیز کاهش می‌یابد. در پایان این مرحله بچه، در هر جایی که فرد بالغ ظاهر می‌شود، به طور اختیاری از او درخواست بیسکویت می‌کند. ما این تعلیم را با تکرار مجدد روش بالا، همراه با تنوعی از دیگر نشانه‌های غذایی ادامه می‌دهیم. بعد از مدتی ما مجموعه‌ای از اسباب‌بازیها و فعالیت‌های مطلوب را گردآوری نماییم و آنها را به آموزش اختیاری اضافه می‌کنیم.

جملات توصیفی: وقتی به یک بچه آموزش داده شده تا برای دریافت اشیاء و درخواست کردن از زبان اشاره، استفاده کند. مرحله بعدی این است که به بچه آموزش داده شود تا علائم را با هم ترکیب کند تا جملات ساده را شکل دهد. یکی از راه‌های مفید در آموزش جمله‌سازی، توصیف کردن است.

هدف از این نوع توصیف این است که بچه یاد بگیرد تا رویدادهای موجود در اطراف خود را با استفاده از ترکیبات ساده اسم، فعل، شرح دهد. به عنوان مثال، فرد بزرگسال یک لیوان شیر بریزد واز بچه بپرسد «من دارم چکار می‌کنم؟» سپس، بچه می‌گوید: شیر-ریختن. (در این مرحله نیاز نیست که بچه آن را به طور کامل ادا کند و فعل را بطور دقیق بیان دارد. هدف این است که مهارت‌های ترکیب فعل و اشاره، به او آموزش داده شود.)

با آموزش جملات توصیفی، آنچه که در حقیقت انجام می‌دهیم، توسعه اساسی ارتباط از طریق گفتگوی بین بچه و فرد بزرگسال است. همچنین مابقیه افعال و اسم‌ها را این‌گونه آموزش می‌دهیم. همچنین ما می‌توانیم مفاهیمی

را که کاربرد و یادگیری آن مانعی در رابطه با آموزش زبان برای بچه‌های ناتوان ذهنی هستند را بوسیله علائم و اختصارات به این بچه‌ها آموزش دهیم.

## آموزش اندازه:

تعلیم ادراک: برنامه مربوط به آموزش اندازه، ساده‌ترین روش جهت فهمیدن برای بچه شما محسوب می‌گردد. همانند آموزش نشانه‌ها، شما باید، با زبان ادراک کار خود را آغاز کنید. زیرا، به‌طور عمومی نسبت به زبان بیان ساده‌تر است. شما باید دو شیء را در جلوی بچه روی میز قرار دهید، که تنها از نظر اندازه باهم تفاوت دارند و از نظر ابعاد دیگر ( نظیر رنگ، شکل ) یکسان می‌باشند. به عنوان مثال، یک توپ خیلی بزرگ را بر روی میز قرار دهید و در کنار آن، یک توپ نسبتاً کوچک با ماده و رنگ مشابه بگذارید، سپس شما می‌توانید آزمایش اندازه را انجام دهید. بنابراین از بچه بخواهید که به اندازه موردنظر اشاره کند. شما می‌گویید «توپ بزرگ را به من بده» یا فقط می‌گویید «بزرگ» به این معنی که بچه مجبور است توپ بزرگ را به شما بدهد. در هر مورد، کلمه «بزرگ» باید با اشاره غالب، بیان شود. در حالیکه خیلی بلند و واضح بیان می‌گردد. وقتی بچه نمی‌داند چه بکند باید جواب درست را به او نشان دهید مثلاً باید به توپ بزرگ اشاره کنید یا به تعبیری او را راهنمایی کنید تا شیء درست را تشخیص دهد شما ممکن است متوجه شوید که ضروری است تا برخی از نشانه‌های آگاهی ( نظیر اینجا را نگاه کن ) را به‌کار ببرید، در حالیکه به سمت میز در جهت اشیای موردنظر اشاره می‌نمایید، و سپس فرمان می‌دهید. برخی بچه‌ها یاد می‌گیرند به موضوع موردنظر توجه کنند و بدون راهنمایی و علائم آگاهی به‌طور متمرکز به آن نگاه نمی‌کنند و به‌طور واضح، به توجه بصری نیاز دارد. در هر مورد، قبل از این که فرمان دهید. و باید منتظر بمانید تا یک بچه به اشیای موردنظر نگاه کند. در این روش، فرمان شما به‌عنوان تقویت‌کننده بچه، جهت توجه بصری به شیء موردنظر ابقاء می‌گردد. تعلیمات شفاهی شما، احتمالاً در حالیکه به عنوان یک تقویت‌کننده در بچه ابقاء می‌شود، می‌تواند، عدم توجه بچه یا کج‌خلقی‌ها را شدید کند. در موقعی که شما، جواب درست را نشان داده‌اید. پس از آن همانند آنچه که در برنامه‌های دیگر انجام داده‌اید، این حالت تحریک یا کمک را کاهش دهید. به فراهم نمودن موارد فرمان‌دهی، ادامه دهید و به یاد داشته باشید تا موقعیت‌های مکانی اشیای روی میز را گهگاهی، عوض نمایید، بدین‌صورت که برخی مواقع توپ بزرگ را در سمت چپ بچه و گاهی در سمت راست او قرار دهید. وقتی بچه به معیار موردنظر پاسخ درست داده است. مفهوم اندازه دوم را به او معرفی کنید، بدین شکل که به او بگویید: «کوچک یا کوچک را به من بده» که منظور توپ کوچک است. کم‌کم از میزان این کمک یا محرک بکاهید. تا اینکه بچه بدون کمک حالت شیء ( بزرگ یا کوچک ) را بشناسد. اکنون دوباره فرمان اول را بیان کنید «بزرگ را به من بدهید» و در موقعی که بچه سه یا چهار پاسخ صحیح را به‌طور پیاپی ارائه می‌دهد، به فرمان دوم رجوع کنید: کوچک! یا «کوچک را به من بده» دوباره در صورت نیاز، او را راهنمایی کنید و سپس از میزان آن بکاهید تا بچه بتواند به‌طور مستقل به این سؤال پاسخ صحیح دهد. اکنون دو فرمان را باهم به‌کار ببرید، در حالیکه از حالت متناوب، نظیر مورد به کار رفته در تمام راه‌های تشخیص برنامه‌های آموزشی بحث شده در این کتاب استفاده می‌نمایید. وقتی بچه بتواند به‌طور اطمینان بخشی توپ بزرگ را از توپ کوچک تشخیص دهد شما می‌توانید به او اندازه‌های اشیای دیگر را آموزش دهید. وقتی این کار را یاد گرفت. واضح است که او مفهوم اندازه را یاد گرفته‌است. و سپس بقیه مفاهیم را نیز به همان ترتیب مفهوم اندازه آموزش دهید.

## تعلیم بیان:



بعد از اینکه بچه مفهومی را شناخت بیان کردن و نامیدن مفهوم را به او آموزش دهید به عنوان مثال: دو توپ را بر روی میز در جلوی بچه قرار دهید. و به او بگویید به کوچک دست بزن وقتی بچه این کار را انجام داد. از او بپرسید: چه اندازه‌ای؟ بعد از مدتی به تدریج از راهنمایی کردن می‌کاهیم و سپس از بچه می‌خواهیم تا توپ بزرگ را لمس کند و از او می‌پرسیم؟ این چه اندازه‌ای است؟ و بچه باید به‌طور مستقل پاسخ دهد.

### آموزش رنگ:

تعلیم زبان ادراک همانند آموزش اندازه و دیگر مشخصه‌های اصلی، عموماً به‌عنوان يك آموزش مقدماتی برای زبان بیان مفید می‌باشد. این مفهوم را باید به همان روشی که اندازه را آموزش داده‌اید آموزش بدهید: بدین صورت که دو شیء را بر روی میز در جلوی بچه قرار دهید، به‌گونه‌ای که فقط از نظر رنگ با هم تفاوت داشته باشند و از نظر ابعاد دیگر با هم یکسان باشند. وقتی به بچه فرمان می‌دهید تا رنگ خاص را به شما بدهد، مثلاً می‌گویید: قرمز! یا « قرمز را به من بده» او شروع به پیدا کردن آن می‌کند. در هنگامی که دو شیء گوناگون از نظر رنگ، بر روی میز در جلوی او قرار داده می‌شود. او مجبور است تا شیء قرمز را به شما بدهد شما باید او را کمک کنید و سپس این راهنمایی‌ها را کاهش دهید، سپس، رنگ‌ها را عوض نمایید، به همان روشی که درباره آموزش اندازه عمل کردید، این تمرین صورت گرفت، کاربرد بیان مشخصه‌های رنگ نیز آموزش داده می‌شود. به یاد داشته باشید که با به کار بردن اشیای گوناگون کاربرد تشخیص رنگ را عمومیت دهید.

### آموزش شکل:

برنامه آموزش شکل: همانند روش آموزش رنگ یا اندازه صورت داده می‌شود صرفاً دو شیء را انتخاب کنید که به جزء شکل، در تمام ابعاد باهم شباهت داشته باشند و آنها را بر روی میز، در جلوی بچه قرار دهید. ممکن است بخواهید تا يك دایره و يك مثلث را انتخاب کنید و همان‌طور که در برنامه‌های دیگر انجام دادید، اعمال هدایت کردن، صرف‌نظر از کمک و تغییر اشیاء را انجام دهید. به‌خاطر داشته باشید تا آموزش را به‌طور عمومی یا گسترده انجام نمایید، نظیر اینکه وقتی بچه، یادگرفته است تا دایره پلاستیکی را از يك مثلث پلاستیکی تشخیص دهد. سپس از آن شکل‌های دیگر ساخته شده از مواد گوناگون، در قالب رنگ‌های متفاوت و اندازه‌های ناهمسان را فراهم نمایید. به‌عنوان مثال، يك جفت شیء را که هر دو نسبتاً بزرگ هستند و از کاغذ مقوایی زرد رنگ ساخته شده‌اند را تهیه کنید. ( منظور اینکه در هر مرحله، نوع ماده و رنگ را عوض کنید) اینکه اول رنگ و بعد شکل را آموزش دهیم قانون ثابتی نیست و ما براساس توانایی بچه‌ها باید انعطاف‌پذیر باشیم.

بعد از اینکه بچه شما چند مفهوم را یاد گرفت باید کار ترکیبی را آغاز کنیم مثلاً از بچه بخواهید مثلث « زرد را به من بده » و بعد از یادگیری کامل آموزش، پیچیده تر می‌شود مثلاً بگویید « مثلث زرد کوچک را بده » لیکن وقتی برنامه، به طور گسترده برای بچه، حالت ترکیبی می‌یابد، ضرورتاً به این معنی نیست که آموزش مشکل شده باشد. بعد از این کار ما، باید آموزش مفهومات را در خارج از موقعیت کنترل شده انجام دهیم تا بچه به عمومیت و تعمیم‌دهی برسد. آموزش موضوعات مشخص در محیط کنترل شده، از اهمیت کمتری برخوردار است. مگر اینکه بچه بتواند یاد بگیرد تا این مفهومات را به‌طور متناسب در فعالیت‌های روزانه به‌کار ببرد.

### حروف اضافه:

هدف از برنامه‌ی مربوط به حروف اضافه، این است که به بچه آموزش دهیم تا روابط ویژه بین مواردی نظیر، در زیر، در بالایی، در داخل را مشخص کند. پس از آن، شما، کوشش می‌کنید تا به او موقعیت خودش را در حالت قرار گرفتن بر روی تختخواب و در داخل خانه را بیاموزید. برنامه‌ی مربوط به حروف اضافه، نمونه‌ای است که همیشه با تعلیم زبان ادراک، آغاز می‌گردد.

### تعلیم ادراک:

شما و بچه‌تان بر سر میزی نشسته‌اید که بر روی آن یک ظرف کوچک نظیر یک فنجان و یک شیء کوچک مثل یک سکه قرار دارد. با گفتن جمله « سکه را داخل فنجان قرار بده » به او یاد می‌دهید تا شیء را در داخل ظرف، جای دهد. در صورت نیاز با گرفتن دست بچه، قرار دادن سکه در دستش و کمک کردن به او جهت انداختن سکه در داخل فنجان، جواب درست را به او نشان می‌دهید. در ابتدا او را از نظر دریافت جواب، هدایت کنید و سپس با کاهش تدریجی همراهی او در دریافت جواب، این راهنمایی را کاهش دهید. برای برخی از بچه‌ها که دارای مشکل کار کردن با انگشت به‌طور مناسب، می‌باشند، انتخاب یک سکه، مطلوب نیست. زیرا، خیلی مشکل است. تا یک سکه را بردارد. وقتی بچه در حال جواب دادن به معیار سنجشی « در داخل » است و آن را خوب انجام می‌دهد، پس از آن حروف اضافه دوم، را به او تعلیم دهید. ما معمولاً «زیر» را انتخاب می‌کنیم. شما باید حرف «کنار» یا برخی از حروف دیگر را انتخاب کرده باشید که از حرف اضافه «داخل» تا حد زیادی متفاوت به نظر آیند. در آموزش حرف اضافه دوم شیء یکسان ممکن است به کار برده شود و لیکن برخی از کودکان برای انجام دو عمل با یک ظرف یکسان ممکن است دچار خطا شوند به‌همین دلیل می‌توانیم ابتدا از دو شیء متفاوت استفاده می‌کنیم. و بعد از مدتی کار کردن بچه قادر می‌شود از دو ظرف یکسان استفاده نماید. به‌منظور دور نگه‌داشتن بچه از تکیه کردن بر چنین محرک‌های راهنما و قراردادن آنها تحت کنترل، حروف اضافه‌ای که شما بیان می‌دارید. باید به او یاد دهید تا هر دو پاسخ را درست بدهد، در حالیکه تنها از یک ظرف استفاده می‌کند.

### تعلیم بیان:

در موقعی که بچه پنج یا شش حرف اضافه را در سطح ادراکی فراگرفت، شما ممکن است، تعلیم زبان بیان را آغاز کنید. روش موردنظر دقیقاً همانند مورد موجود در زبان ادراک است. با این تفاوت که اکنون شما شیء موردنظر را در داخل یا در زیر ظرف می‌گذارید و سپس از بچه می‌پرسید: « آن کجا است؟ » جواب مورد نظر مثل «داخل» «داخل فنجان» است. اگر کودک نتوانست پاسخ صحیح بدهد. او را راهنمایی کنید به این صورت که به او بگویید این شیء را داخل فنجان بگذار و پس از او بپرسید « آن کجاست» بعد از چندبار انجام این کار از او بخواهید بدون راهنمایی پاسخ درست بدهد. بعد از این مراحل باید حروف اضافه در تمام موقعیتهای روزمره اجرا شود تا بچه بتواند این مورد را در همه موقعیتهای و با همه اشیاء انجام دهد.

### آموزش ضمایر:

هدف از برنامه مربوط به ضمایر، این است که به بچه آموزش داده شود تا زبان بیان روابط شخصی را بفهمد. این برنامه سعی می‌کند تا معنای اصطلاحاتی مثل «مال شما» و «مال من» را یاد دهد و نشان دهد که وقتی فردی درباره «من» در برابر «شما» صحبت می‌کند، منظورش چیست؟

برای آموزش این مبحث به محرک‌هایی مانند لباس و جواهرات (مالکیت شخصی) و بخشهای بدن (بینی، گوش، چشم،...) نیاز دارد که به‌عنوان محرک اصلی به‌کار برده می‌شود.

مرحله اول: در آغاز این تعلیم جمله « بینیات را نشان بده » ( یا بخشی دیگر از بدن ) به کار می‌رود. یا ممکن است به‌طور ساده بگویید « بینیات »

مرحله دوم: در این هنگام او را در انجام درست آزمایش یاری نمایید. بدین صورت که دست بچه، را به سوی بینی‌اش حرکت داده و از او بخواهید تا آن را لمس کند.

مرحله سوم: تعلیم، ادامه داده می‌شود، تا زمانیکه بچه، بدون راهنمایی به دستور شما، پاسخ درست دهد. « بینی من را نشان بده » یا فقط «بینی‌ام» وقتی این عمل را به‌خوبی یاد گرفته است، حالت تناوب را با این دو فرمان را به‌صورت ترکیبی به او آموزش دهید. در موقعی که بچه به‌طور دقیق، این دو فرمان را به‌صورت ترکیبی یاد بگیرد، نشان‌دهنده دریافت درست این تشخیص است.

آموزش ضمائر، مشکل هستند و برخی از بچه‌ها، در تعلیم یافتن در این سطح با مشکل اساسی، روبه‌رو می‌شوند. یک راه جهت ساده کردن این مشکل، این است که او را در ابتدا، آموزش دهید تا اسم خود و اسم شما را بداند اگر به این مورد نیاز شد، تعالیم خود را تغییر دهید، و از او بخواهید تا به بینی ( با اسم بچه ) خود و بینی مادر اشاره کند. وقتی این میزان تشخیص صورت داده شد، پس از آن می‌توانید این فرمان را به‌عنوان یک عامل محرک به کار برید و ضمائر « مال شما و مال من » [ م یا ت ] را براساس اسامی مناسب بیان کنید و پس از آن، به‌تدریج، راهنمایی را کاهش دهید به‌عنوان مثال، از بچه بپرسید « بیلی! بینیات را نشان بده» در حالیکه «آت» را کاملاً بلند، بیان می‌دارید و با صدای بلند، تلفظ می‌کنید و سپس به‌تدریج از شدت بلندی نام بچه (بیلی) بکاهید. به‌طوریکه، نارسا گردد و فقط فرمان با صدای ضمیر «آت» شنیده شود. این نوع یکسان از آموزش مقدماتی، در حال به‌کاربردن اسامی مناسب، برای خیلی از انواع ضمائر، به کار می‌روند. پس از اینکه بچه توانست مرحله کاربرد ادراکی ضمائر «آت» و «آم» را کاملاً یاد بگیرد، حال آموزش زبان بیان را برای این ضمائر ساده به کار برید ابتدا بچه را راهنمایی کنید مثلاً به او بگویید به «بینیات» دست بزن بچه باید به‌طور شفاهی بگوید «بینی‌ام». این برنامه را تا مرحله‌ای ادامه می‌دهید که بچه بتواند به سؤال این شیء (بینی) مال کیست؟ ( این بینی چه کسی است؟ ) پاسخ صحیح بدهد و بعد از آن باید ضمائر را در قالب یک حرکت یا یک فعل آموزش دهید مثلاً کاری را انجام دهید و از او بپرسید من دارم چه کار می‌کنم؟ « تو داری چه کار می‌کنی؟ زمانی که این مرحله از تعلیم کامل می‌شود به‌طوری که بچه، می‌تواند به‌طور صحیح بگوید مثلاً « من در حال ایستادن هستم و غیره » اگر بچه در این مرحله مشکل داشت شما می‌توانید این کار را با اشاره دست و راهنمایی فیزیکی به او آموزش دهید و به‌تدریج راهنماییها را کاهش دهید.

### مفهومات زمانی:

هدف از این برنامه، این است که بچه شما یاد بگیرد تا مفهومات ساده زمانی نظیر «اول» «آخر» و «زود» و «دیر» را دریابد. شما آموزش مفهوم زمانی را با تعلیم «آخر» آغاز کنید.

### تعلیم بله / نخیر!

آموزش دادن بچه جهت استفاده درست از اصطلاحات بله و نخیر یکی از بخشهای مفید در زبان است.

تعلیم بله/خیر به دوروش، یعنی تعلیم مربوط به عواطف شخصی و تعلیم مربوط به موضوعات حقیقی تقسیم می‌شود. عموماً ما با عواطف شخصی شروع به کار می‌کنیم. زیرا آنها به نظر می‌رسند که جهت آموزش ساده‌تر باشند.

دو رفتار، را انتخاب کنید، یک رفتار که برای بچه شما، خوشایند باشد و یک رفتاری که برای او ناخوشایند باشد. به‌عنوان مثال سؤالی نظیر این مورد، «آیا شکلات می‌خواهید؟» در مقابل این سؤال «آیا کتک می‌خواهید؟» را مطرح کنید. یکی از این سؤالات را بپرسید و سپس جواب درست را به او نشان دهید. به‌عنوان مثال، بپرسید: آیا شکلات می‌خواهید؟ در حالی که یک تکه شکلات را به‌طور واضح در جلوی او در دست می‌گیرید. سپس قبل از اینکه، واقعاً به او شکلات دهید، از او بخواهید تا کلمه بله! را بر زبان بیاورد. پس از آن، بگویید. آیا شکلات می‌خواهی؟ جواب دهد؟ (پس از مکث) بله! سپس قبل از اینکه، واقعاً به او شکلات دهید، از او بخواهید تا کلمه بله! را بر زبان بیاورد. پس از آن، بگویید. آیا شکلات می‌خواهی؟ (پس از مکث) بله! سپس به تدریج، از گفتن کلمه بله، خودداری کنید. و در حالتی این آزمایش را به پایان برید که در آن بچه به سؤال شما جواب دهد؟ بله! زمانی که این مورد به درستی انجام گردید، پس از آن دستان، را بالا برید و از بچه بپرسید؟ آیا کتک می‌خواهید؟ (تنبیه) و او را وادار کنید تا بگوید نه! در مراحل تدریجی این، میزان تحریک، کاهش می‌یابد. در موقعی که این دو سؤال، باهم ترکیب می‌گردند، در حالی که به‌طور متغیّر، به کار می‌روند، تعلیم درست، صورت داده می‌شود. احتمالاً، معقول این است که به بچه اجازه دهید تا با توالی (نتیجه) به کار بردن اصطلاحات بله و خیر، به‌طور درست، همراه با نتایج حاصل از کاربرد نادرست روبه‌رو گردد. بنابراین وقتی از بچه می‌پرسید آیا کتک می‌خواهید؟ باید یاد بگیرد بگوید «نه» و چیزهای خوشایند را بگوید بله! شما ممکن است بخواهید تا بله و خیر را در رابطه با موضوعات حقیقی آموزش دهید، شما می‌توانید این آموزش را با دادن دستوراتی همانند (آیا این کتاب است؟ و با گرفتن کتاب نزدیک صورت بچه) ادامه دهید تا بچه بتواند به سؤالات شما پاسخ کامل و درست بدهد.

### آموزش عبارات و جملات:

در هنگامی که بچه یادگیری معنای کلمات ترکیبی مانند مفهومات در بردارنده ضمائر و زمان، را آغاز می‌کند، شما، پیوسته، احساس می‌نمایید که ضرورت دارد تا به بچه یاد دهید که چگونه این کلمات جدیداً آموزش دیده را در یک شکل درست، به کار برد. بنابراین، بعد از اینکه او مفهوم رنگ، را یاد گرفت، از او بخواهید تا اصطلاحات رنگ را در هنگام بیان حالات خودش مثل مورد «کامیون قرمز» به کار برد. بچه باید یاد گیرد تا کلمات را به شکلی کنار هم قرار دهد که جملات را تشکیل دهند. برای آموزش بهتر باید آموزشتان را تا آنجا که می‌توانید به مراحل کوچک‌تر تجزیه کنید اولین و راحت‌ترین مرحله بیان اسم با یک معرف مثل (کامیون قرمز) است. سپس می‌توانید اسم را با فعل بیاورید و در مراحل آخر اسم، صفت و فعل را با هم ترکیب کنید.

گفتگوی زیر نشان می‌دهد، چگونه شما می‌توانید، به بچه خود یاد دهید تا به کاربردن گرامر در هر لحظه از روز، را توسعه دهد.

معلم: شما چه چیزی می‌خواهید؟

بیلی: تخم مرغ

معلم: نه! شما چه چیزی می‌خواهید، «من .....»

بیلی: (بدون جواب)

معلم: من ...

بیلی: من... می‌خواهم ( وقتی معلم به دنبال سؤال کلمه من را به کار می‌برد، در واقع به بیلی نشان می‌دهد تا براساس آموزش قبلی، عبارت من، می‌خواهم را تکرار کند.)

معلم: تخم‌مرغ ( با کمی مکث ) بسیار خوب! چه چیزی شما چه چیزی می‌خواهید؟

بیلی: من تخم‌مرغ می‌خواهم

معلم: آفرین! ( به بیلی خوراکی می‌دهد )

## آموزش احساسات و عواطف:

### تشخیص احساسات:

شما ممکن است دریابید که به کاربردن این برنامه جهت آموزش بچه به منظور تشخیص و تعیین احساسات مملو از شادی ، ناراحتی ، عصبانیت و ترس، به قدر کافی، عواطف اصلی، را می‌پوشاند.

آنچه در طول این برنامه مهم است این که اطمینان یابید که بچه ارتباط متقابل با فرد بالغ را آغاز می‌کند تا قادر گردد. عواطف خودش و علل پنهانی آنها را توضیح دهد.

برنامه را با آموزش بچه جهت نشان دادن مشخصه‌های ظاهری، احساساتی نظیر خوشحالی یا ترس، آغاز کنید. شما به دو کمک‌کننده (راهنما) نیاز دارید تا در آموزش برنامه به شما کمک نماید. یکی از این دو نفر باید دیگری را قلقلک بدهد به گونه‌ای که او بخندد و نشانه‌های شادی را بروز دهد. سپس از بچه پرسید. او چه احساسی دارد؟ بچه را وادار کنید تا به این سؤال این‌گونه پاسخ دهد: شاد! یا او شاد است. زمانی که بچه بتواند به‌طور صحیح و بدون راهنمایی به سؤال پاسخ دهد. پس از آن حس عاطفی دوم، یعنی ترس معرفی می‌شود. اکنون فرد اول (راهنما) به گونه‌ای رفتار می‌کند که گویی قصد دارد فرد دوم را کتک بزند و فرد دوم نشانه‌های ترس را از خود بروز می‌دهد. همانند مورد قبلی این سؤال را پرسید؟ او چه احساسی دارد؟ و بچه را راهنمایی کنید تا به‌طور صحیح جواب دهد « او ترسیده است » و به تدریج راهنماییها را کم کنید و دیگر علائم احساسی را به همین روش به بچه‌ها آموزش دهید.

مرحله دوم: بچه باید بتواند فقط با دیدن حالت چهرهٔ يك فرد تشخیص دهد که او چه احساسی دارد.

مرحله سوم: بچه باید بتواند از روی تصاویری که به او نشان داده می‌شود حالت احساسی که در تصاویر وجود دارد را بیان کند و آنها را تشخیص دهد.

مرحله چهارم: بعد از اینکه بچه یاد گرفته است تا احساسات را نشان دهد، آغاز کردن آموزش بچه جهت ساختن جملاتی دربارهٔ اشارات عواطف، مناسب است. وقتی بچه می‌بیند که فرد دوم قلقلک می‌شود و یاد می‌گیرد بگوید. « او خوشحال است » به او آموزش داده می‌شود تا به این سؤال پاسخ دهد: « چرا او شاد است؟ » در این جمله، جواب مناسب این خواهد بود: « زیرا او در حال قلقلک شدن می‌باشد »

مرحله پنجم: این است که به بچه آموزش دهیم همانطور که احساس ترس را آموخت حالت عصبانیت، که فرد برای ترساندن فرد دوم ایجاد کرده بود را نیز بیاموزد ( عصبانی به نظر رسیدن )

مرحله ششم: بچه باید یاد بگیرد تا حالت خوشحالی، ترس و غیره را در خود نشان دهد.

ذکر این نکته حائز اهمیت است که این نوع آموزش در نهایت مسأله‌ساز می‌شود، زیرا نشانه‌های بیان خیلی از احساسات پیچیده، جهت تشخیص خیلی مشکل و ظریف است مثل تشخیص بین احساس غم و اندوه احساس جرم که کاری دشوار می‌باشد. به‌علاوه، اشاره‌هایی که خیلی از حالات عاطفی را مشخص می‌سازند، برخی مواقع، درونی هستند. با این وجود با یقین عواطف اصلی مثل عصبانیت، ترس، خوشحالی و ناراحتی، پیشرفت خوبی حاصل می‌گردد.

### **آموزش محبت:**

مهربانی کردن، معانی زیادی دارد در اکثر موارد به معنی بوسیدن و در آغوش کشیدن، است که به‌آسانی، آموزش داده می‌شوند. این کار را با راهنمایی کردن و وادار نمودن بچه جهت مالیدن صورتش به‌صورت شما همراه با گفتن این جمله « مرا در آغوش بگیر» آغاز کنید.

سپس به تدریج این راهنمایی را کاهش دهید در حالی که به او نشان می‌دهید تا به مدت زیاد در حدود پنج تا ده ثانیه با قرار دادن دستانش در اطراف کمرتان شما را در آغوش بگیرد. در برنامه ما ویژه در ماه‌ها یا سال نخستین، 5 دقیقه ماندن در این موقعیت آموزشی بدون اینکه از بچه انتظار رود تا محبت خود به افراد راهنما یا آنان که با او به‌طور مستقیم تماس دارند، را نشان دهد مورد نظر است. و در صورتی که به‌طور اختیاری این رفتار، شکل نگرفت، او راهنمایی می‌شود و از او درخواست می‌گردد تا این‌گونه عمل کند. عموماً اندیشه ما در این برنامه‌ها، این است که فرد راهنما یا (بزرگسال) خود را با تمام وجود در اختیار بچه قرار دهد، به او محبت نماید و از بچه انتظار می‌رود تا از او سپاسگذاری کند. بچه‌هایی که مهربان هستند باید به آنها آموزش داده شود تا یک حد معنی مهربان باشند.

### **برنامه تصور کردن:**

برای ایجاد تصور کردن و آموزش آن به کودکان داری ناتوان ذهنی ما از دو برنامه که عبارتند از :

1- برنامه پیش‌بینی: که به بچه آموزش داده می‌شود تا پیشگویی کند که در آینده چه اتفاقی روی می‌دهد شما می‌توانید این‌گونه از او سؤال کنید: « اگر من این لیوان را رها کنم، چه اتفاقی می‌افتد؟» یا اینکه «بعد از نهار، شما چه کاری را می‌خواهید انجام دهید؟»

2- برنامه گفتن یک داستان، با همراهی بچه جهت کامل کردن جملات فراهم شده توسط معلم با توجه به یک تصویر، آغاز می‌شود. به‌عنوان مثال، شما، باگفتن این جمله « این پسر در حال پوشیدن یک ... است » داستان را شروع می‌کنید. به تدریج از چنین راهنمایی‌هایی کاسته می‌شود، در حالی که به‌سوی موارد استادانه‌تر همراه با کاهش دادن اشارات خاص گام برمی‌دارید. ( مثلاً « آنها چه کسانی هستند، دارند چه کار می‌کنند؟ » ) در نهایت، شما ممکن است با دنبال کردن این سؤال نقش خود را کاهش دهید: « درباره تصویر، داستانی را برای من بیان کن» و بچه شما آنرا انجام می‌دهد.

مراحل بعد جهت تشویق بچه در انجام برخی از رفتارهایی است که او به آنها علاقمند است. اما از به‌کار بردن موارد راهنمایی که در حقیقت جهت کامل کردن فعالیت، ضروری است خودداری می‌گردد. به‌عنوان مثال به بچه نگاه کنید و به او بگویید: وانمود کند در حال خوردن آب میوه است. و قبل از اینکه شما از او بخواهید تا آن را به صورت

خیالی، انجام دهد، او باید این رفتارها را به صورت واقعی توضیح داده باشد و عمل موردنظر به بچه نشان دهید. ( یعنی قبل از اینکه بچه این کار را تخیلی انجام دهد شما آن را به صورت تخیلی به او نشان دهید. ) وقتی بچه توانست اولین کار تخیلی مثلاً با لیوان آب خوردن را یاد بگیرد عمل بعدی را به او آموزش دهید. بعد از اینکه بچه این کارهای ساده را یاد گرفت. به سراغ کارهای پیشرفته‌تر مثل حمام کردن، برای خواب آماده شدن و غیره بروید و باید راهنمایی کردن برای این کارها را بیشتر انجام دهیم تا بچه به طور واضح و روشن آن کار را بیاموزد.

بنابر، بنا نهادن حالت تصویرسازی کودکان، او باید یاد بگیرد تا رفتارهای موجود در حیات روزانه‌اش را بیشتر و بیشتر، مشخص کند. به عنوان مثال، اگر با بچه‌ای به يك فروشگاه، یا به حمام یا برخی از مکان‌های دیگر که از آنها لذت می‌برد، رفتید، او را وادار کنید، تا رفتارهایش را در هنگامی که وارد آن مکان‌ها می‌شود، برشمارد (به طوری که برای هر عمل، يك توصیف شفاهی، ایراد کند ) چون آنها، در دنیای واقعی روی می‌دهند، به یادآوردن و توصیف آنها برای بچه آسان‌تر می‌باشد و بیان آنها از گفتن توصیف‌های تخیلی در يك مرحله وسیع‌تر، برای بچه، آسان‌تر خواهد بود. بچه‌های خیلی عقب‌مانده ذهنی، به دلیل انجام برخی از فعالیت‌های مطلوب تشویق خواهند شد. ولی به دلیل اینکه برخی مواقع رفتاری را در آن لحظه، به تصویر نمی‌کشند یا به طور شفاهی بیان نمی‌کنند، توانایی کمتری دارند تا این آزمایش‌ها را در حالت تخیلی براساس انواع مطلوب یا رفتارهای مورد علاقه به‌کاربرند. باید برنامه‌های موجود در وانمودسازی مقدماتی و پیشرفته، با تجربیات موجود در حیات واقعی بچه، پیوند داده شوند. مثل خریدکردن، خوردن صبحانه، مامان بازی و بچه‌بازی که باید با همسین‌های خودشان این کار را انجام دهند.

### معلم بازی:

«معلم بازی» برنامه‌ای است که برای تعداد زیادی از بچه‌ها لذت‌بخش است. این برنامه نسبت به برنامه‌های دیگر، از پیچیدگی کمتری برخوردار است و در آغاز تعلیم بچه می‌توان آن را شروع کرد. معلم نقش بچه را به عهده می‌گیرد و بچه را راهنمایی می‌کند تا نقش معلم را بازی کند. او همه‌کاره می‌گردد، پس شروع به صحبت می‌کند. ( در واقع، نقش معلم را به عنوان نقش يك رئیس درمی‌یابد ) اگر بچه نتوانست به تنهایی این نقش را اجرا کند از يك راهنما استفاده کنید و بعد از اینکه بچه توانست گفتگوی معلم و شاگرد را بیاموزد نقش راهنما کم‌رنگ تر می‌شود تا جایی که بچه به طور مستقل بتواند نقش معلم را اجرا کند، بازی « چه چیزی پنهان است، یا چه چیزی وجود ندارد. »

هدف از این برنامه، این است که به بچه کمک کند تا نسبت به چیزهایی که در اطرافش می‌بیند، بیشتر توجه کند. این برنامه را در حالیکه شما و بچه در مقابل یکدیگر بر سر يك میز، نشسته‌اید شروع کنید.

مرحله اول: يك شیء را که بچه می‌شناسد بر روی میز قرار دهید و از او بخواهید تا آن را نام ببرد.

مرحله دوم: بعد از تشخیص شیء، از بچه بخواهید تا چشمانش را ببندد اگر نتوانست خودتان با دست چشم‌های او را ببندید شیء موردنظر را از روی میز بردارید و به او بگویید چشم‌های او را باز کن.

مرحله سوم: جای شیء ای که از روی میز برداشته‌اید را به بچه نشان دهید و بگویید «چی نیست» ( چه چیزی وجود ندارد ). اگر او به طور نادرست جواب داد او را با نشان دادن قسمتی از شیء راهنمایی کنید.

مرحله چهارم: وقتی او کار کردن با يك شیء را فرا گرفت، در همان لحظه اشیای گوناگون را به کار ببرید.

مرحله پنجم: حال دو شیء مجزا را روی میز قرار دهید. و از بچه بخواهید. تا به آنها نگاه کند و به هر دو شیء اشاره کنید و از بچه بپرسید «این چیست؟» وقتی جواب داد از او بخواهید چشمانش را ببندد و یکی از اشیاء را

پنهان کنید یا در ابتدا آن شیء را با پارچه‌ای بپوشانید بدون اینکه آن را به‌واقع، از آنجا بردارید. سپس از او بپرسید: «چی نیست» (چه چیزی پنهان است؟) با گذاشتن دو شیء، بچه قادر می‌گردد تا مفهوم «چه چیزی وجود ندارد» را یاد گیرد. در این موقع او مجبور است به یاد آورد، چه چیزی قبلاً آنجا بوده و اکنون وجود ندارد. در مراحل تدریجی، با اضافه کردن اشیای بیشتر، کار را دشوارتر کنید. (برخی از بچه‌ها قادر خواهند بود تا به پنهان شدن یا پنهان کردن هشت شیء بر روی میز، پاسخ دهند و آنها را نام ببرند.

بازی «این چیست؟»

برای اجرای این بازی چند شیء، به چند نفر که در حالت گروهی در يك دایره می‌نشینند داده می‌شود. و این افراد اشیاءشان را با دست بالا می‌گیرند سپس معلم از کودک می‌پرسد. مثلاً «شما با چه چیزی می‌نوشید؟» و بچه راهنمایی می‌شود تا به شیء درست اشاره کند و آن را تلفظ کند و به تدریج سؤالات پیچیده‌تر می‌شوند مثلاً «آن چیست که زرد است و شما با آن آب می‌نوشید؟» در برخی مواقع، افراد گوناگون در گروه، جای خود را عوض می‌کنند و به سؤالات متفاوت جواب می‌دهند. و این کار را با اشیای گوناگون و تا جایی که بچه بتواند به‌طور مستقل پاسخ دهد ادامه می‌دهیم. به یاد داشته باشید که هدف از برنامه موردنظر، این است که به بچه یاد دهید تا مشاهده کردن و شنیدن را فراگیرد.

در مورد تعیین رفتارها، اعضای گروه، ممکن است برخی اعمال را اثبات کنند یا فرد راهنما، بخواهد، از تصاویر استفاده نماید. در مرحله آغازین، وقتی که از افراد موجود در گروه دارد می‌خندد، برای بچه این امکان وجود دارد تا مشخص نماید که چه کسی، لبخند می‌زند. (به‌عنوان مثال وقتی از بچه، پرسیده می‌شود، چه کسی دارد می‌خندد؟ او جواب می‌دهد. «لورا دارد می‌خندد») و به تدریج سؤالات پیچیده‌تر را به‌کار می‌بریم مثلاً «آن کسی که گرم‌کن زرد به تن دارد و می‌خندد چه کسی است؟» این به بچه کمک می‌کند تا به سؤالات گوش دهد و محیط اطرافش را جهت کسب اشارات مناسب، مورد مشاهده دقیق قرار دهد.

**بازی I am / I do (من دارم ، من می‌خواهم)**

برای اجرای این بازی، گروهی از افراد را به شکل يك دایره بنشینند و سپس با سؤالی مانند این مورد کار خود را آغاز کنید: «چه کسی فنجان زرد دارد؟» فردی که فنجان زرد دارد جواب خواهد داد: «من دارم». اگر نتوانست جواب دهد با دادن يك فنجان زرد به بچه او را راهنمایی کنید. سپس به تدریج سؤالات پیشرفته‌تر می‌شوند مثلاً «چه کسی دارد می‌خندد و موهایش بلند است.»

يك تنوع جالب در این بازی، که در حقیقت اطمینان نقش بچه در یادگیری را افزایش می‌دهد این است که فرد راهنما باید به‌طور نادرست به سؤال پاسخ دهد. سپس به بچه یاد داده می‌شود که بگوید «نه شما غلط گفتید» و جواب فرد موردنظر را تصحیح کند. این توانایی بچه جهت تشخیص در سطح موردنظر است که شما را قادر می‌سازد تا استنباط کنید او کار را به‌خوبی فرا گرفته است.

يك تنوع جالب دیگر در این بازی رقابت است. به‌عنوان مثال معلم می‌پرسد «چه کسی بستنی می‌خواهد؟» و هرکس که گفت من آن را می‌خواهم با يك قاشق بستنی او را تقویت کنید. وقتی این رفتار به‌طور کامل شکل گرفت سؤال را تغییر دهید «چه کسی کتک می‌خواهد» این باعث می‌شود که دقت شنیداری بچه تقویت شود.

**بازی «گوش بده و حدس بزن.»**



ضرورتاً معلم در مورد تصویری که فقط خودش می‌بیند توضیح می‌دهد و بعد از آن تصویر یا عکس ویژه را با تصویری مشابه در جلوی بچه قرار می‌دهد و بعد از آن بچه باید تصویری را که معلم در مورد آن توضیح داده است پیدا کند. ابتدا از تصاویر ساده و به تدریج از تصاویر پیچیده‌تر استفاده کنید.

### زمان داستان:

این برنامه برای بچه‌هایی که به مدرسه می‌روند و مجبورند در کلاس به حرفهای معلم گوش داده و به سؤالات آنها پاسخ مفید بدهند مناسب می‌باشد. بهتر است این برنامه را به صورت مدرسه‌بازی انجام دهیم يك معلم و چندین راهنما موجود باشند و بچه نیز در کنار آنها قرار بگیرد. معلم داستانی را براساس توانایی، درك و علاقه بچه تهیه کرده و شروع به خواندن يك یا دو خط آن می‌کند سپس از راهنماها سؤال می‌پرسد وقتی راهنماها به سؤالات پاسخ می‌دهند بچه نیز تشویق می‌شود تا به آن سؤالات پاسخ دهد مثلاً معلم می‌گوید « سگ واقواق می‌کند و قدفد نمی‌کند » و سپس از یکی از راهنماها می‌پرسد؟ « سگ چه می‌گوید » راهنما پاسخ می‌دهد و تقویت می‌شود مرحله بعد معلم بدون اینکه راهنماها را در کارش دخالت دهد داستان را برای بچه تعریف می‌کند و سؤالات را از او می‌پرسد تا جایی که او بتواند به طور مستقل پاسخ دهد.

### بازی کسب اطلاعات:

در این برنامه به کودک آموزش داده می‌شود تا بتواند با جستجو کردن در مورد افراد مورد نظر، اطلاعات کسب کند. مراحل اول به این صورت است که کودک از افراد متفاوت می‌پرسد؟ اسم شما چیست؟ چند سال دارید و در مراحل بعدی سؤالات را پیچیده‌تر و ظریف‌تر کنید.

### تکنیک های آموزشی – رفتاری برای کودکان در خودمانده

ترجمه قسمت هایی از کتاب The Me Book نوشته پروفیسور Lovaas

#### «بخش چهاردهم»

#### ایجاد رفتار خودبه‌خودی (بدون کنترل)

رفتار خودبه‌خود به رفتاری گفته می‌شود که به طور صریح، یاد داده نمی‌شود، بلکه در حالت آزاد و بدون پیش‌بینی قبلی، رخ می‌دهد. این تعریف رفتار به عمومیت‌پذیری رفتار برمی‌گردد که در موقعیت‌های جدید رخ می‌دهد. روش‌های زیر برای ایجاد و پرورش رفتار خودبه‌خودی طراحی شده‌اند.

1- باید افراد زیادی با بچه کار کنند. از موقعیت‌هایی که در آن بچه تنها يك معلم دارد امتناع کنید، زیرا او احتمالاً یاد می‌گیرد تا بین افراد، تبعیض قائل شود و از رفتار خودبه‌خودی بکاهد.

2- کودکان را در خیلی از موقعیت‌های فیزیکی (مکانی) نظیر مدرسه، خانه، ماشین، در حال قدم زدن، پارک و فروشگاه‌ها، آموزش دهید.

3- تا حد امکان، از پاداش‌های معمول، استفاده کنید و انواع گوناگون پاداش‌ها را تا اندازه‌ای که می‌توانید، به کار ببرید، از جمله پاداش‌هایی که در هر جایی متناسب با رفتار افراد و خود بچه موجود هستند.

4- خود را با فراهم کردن تقویت‌کننده‌های نیرومند مثل غذا دادن، برطرف کردن ترس و پریشانی بچه، یا ایجاد فرصت‌های جدید جهت بازی برای بچه، همراه سازید در این روش، به ارزش‌گذاری حالت پاداش‌دهی برای بچه‌تان،

پی خواهید برد به طوری که عموماً جنبه‌های دیگر رفتار و محیط اطرافش، را درمی‌یابید. موقعی که این شرایط پدیدار گردد، شما مجبور خواهید شد تا از آموزش و ترسیم مطالبی استفاده کنید که از صراحت اندکی برخوردارند. او خودش را به گونه‌ای وفق می‌دهد (بنابر تغییر خودبه‌خود) که براساس لذت بردن از پاداش‌های جدید شکل می‌گیرد.

5- تا حدّ امکان رفتارهای مناسبی را تقویت کنید که بدون راهنمایی فرد راهنما یا به تعبیری بدون درخواست قبلی ایجاد می‌شوند.

6- در سرتاسر روز موقعیت‌هایی را فراهم نمایید که در آن شما و بچه‌تان، بتوانید تا حدّ امکان آزادانه فعالیت نمایید و به خاطر فعال بودنش به او پاداش دهید.

7- به آموزش دادن رفتارهای جدید، ادامه دهید تا مجموعه رفتاری بچه توسعه پیدا کند. این، باعث سهولت عمومیت واکنش می‌گردد.

8- تا حدّ امکان سعی نمایید تا واکنش‌های ضروری را آموزش دهید. بنابراین، رفتارهایی را تقویت کنید که بچه را قادر می‌سازد تا بر بخش وسیعی از تقویت‌کننده‌های نیرومند، دست یابد. به منظور ایجاد زبان کاربردی، مهارت‌های عملی را به او بیاموزید به عنوان مثال، جدای از اینکه فقط بخش‌های بدن را به او بیاموزید تا مشخص کند، به او یاد دهید تا موارد مطلوبش نظیر غذا و بازی، را درخواست کند. همچنین بازی کردن و هنر را به طور متناسب به او آموزش دهید تا آنها را جایگزین اشکال مقدماتی رفتار نظیر خودتحریکی آداب‌وار و ناآگاهانه سازد. شکل‌های اولیه رفتار خودتحریکی را کاهش دهید و به ایجاد رفتارهای مناسب به جای آن امیدوار شوید.

9- از استفاده طولانی مدت حالات کسل‌کننده (همراه با ترس و آشفتگی عمومی) بپرهیزید، زیرا آشفتگی‌ها، رفتارهای خودبه‌خودی نظیر زبان شفاهی و بازی، را کاهش می‌دهند.

### **برنامه‌ای جهت شناسایی رفتار اختیاری (خودبه‌خود)**

آموزش پوستر، با مجموعه‌ای از ده پوستر آغاز می‌شود، درحالی‌که هر پوستر دارای تصویری از يك شیء است که بچه آن را یادگرفته است مثل سیب، درخت، سنگ یا اشیایی شبیه به آن می‌باشد. معلم فوراً يك پوستر را به بچه نشان می‌دهد و می‌گوید « درباره پوستر موردنظر برای من صحبت کن » و پس از اینکه بچه پاسخ درست داد او را تقویت می‌کند. و سپس معلم پوستر دوم را نشان می‌دهد و این کار ادامه می‌یابد تا زمانی که نخستین مجموع ده پوستر، نشان داده شود. بعد از آن يك مجموعه جدید ده پوستر دیگری به او نشان داده می‌شود، در حالی‌که هر کدام از آنها دارای دو تصویر نزدیک به هم مثل يك سیب و يك سنگ می‌باشد. پس از اینکه بچه هر دو شیء را درست مشخص نمود. او را تقویت کنید بعضی از کودکان ممکن است احتیاج به راهنمایی داشته باشند او را راهنمایی کنید تا موقعی که او بتواند بدون راهنمایی به پوسترها پاسخ صحیح بدهد. بعد از اینکه، بچه پوسترهای دارای دو تصویر (موضوع) را به خوبی یاد گرفت، ده پوستر دارای سه تصویر به او نشان داده شود و این کار ادامه می‌یابد تا زمانی که او بتواند، درباره پوسترهای دارای ده موضوع گوناگون در هر کدام صحبت کند. احتمالاً در این موقع بچه دو چیز را یاد می‌گیرد اول اینکه قبل از اینکه تقویت شود توصیفات بیشتری را بکار برد و احتمالاً به کنترل صریح معلم کمتر وابسته می‌شود. دوم اینکه ممکن است، یاد بگیرد تا به طور سیستماتیک محیط اطرافش را مورد بررسی قرار دهد و براساس همراه شدن با رفتار مناسب، اشارات موردنیاز را از محیط دریافت دارد. هر دو این رویدادها باعث جدایی بچه از کنترل صریح معلم و شروع تکلم اختیاری می‌گردد. بعد از اینکه این پوسترها را به خوبی یاد گرفت از تصاویر پیچیده‌تر استفاده کنید و بعد از آن از بچه بخواهید تا محیط اطرافش را بهتر ببیند و جزئیات آن را

به‌خوبی نشان دهد. مثلاً به من بگو « در خانه چه می‌بینی » او می‌گوید: « لامپ، در، میز، عکس » اگر نتوانست او را راهنمایی کنید و ادامه دهید تا بتواند به‌تنهایی کار را انجام دهد. تمرین دیگر اینکه از او بخواهید، در مورد خودش صحبت کند. مثلاً بگوید «من مو، چشم، گوش و ... دارم»

انواع دیگری از تمرینات، شامل آموزش دادن بچه جهت فعالیت بیشتر فیزیکی همانند ورزش کردن و بازی جهت استقلال نظر بیشتر به میزان فراوان وجود دارند. به یاد داشته باشید تا کنترل صریح و شدیدی که نیاز داشتید تا در آغاز برنامه خود داشته باشید را در این مرحله به‌تدریج کاهش دهید.

در صورتی که بچه شما در حال حاضر دارای برخی از مهارت‌های اولیه زبان باشد بهتر است برای ایجاد روابط اجتماعی او را در خانه و با همراه کردن بچه با خواهر و برادر نرمال یا با کمک بچه‌های همسایه و از طریق بازی کردن کمک کنید. توسعه بازی با هم نوع در مدرسه ساده‌تر خواهد بود، زیرا قادر می‌گردد تا در بازیهای اجتماعی (همراه با خواهران و برادران) یعنی دویدن، توپ‌بازی و بالارفتن شرکت نماید. در صورتیکه بتواند در برخی از بازیهایشان، شرکت کند، تأثیر بیشتری بر او دارند.

سه استراتژی اصلی وجود دارند که می‌توانند به‌کار برده شوند تا ارتباط اجتماعی بین یک بچه ناتوان ذهنی و گروه هم‌نوع‌اش را افزایش دهند. 1- استراتژی توجه معلّم: معلّم (یا برخی از افراد راهنمای دیگر موجود در مدرسه)، به‌طور مستقیم، بچه‌ها را وادار می‌کند تا با همدیگر، ارتباط متقابل داشته باشند. همچنین بچه را وادار به صحبت کردن با بچه‌های دیگر، نشستن کنار آنها، بازی کردن با آنها یا کمک کردن به آنها در برخی کارها می‌کند.

2- استراتژی سودمندی گروه هم‌نوع: بچه‌ها خودشان به‌عنوان گروه، به‌خاطر بازی کردن با یک بچه ویژه تشویق می‌شوند. معلّم، ممکن است گروهی را مطلع سازد که در صورتی که گروه با یک بچه، بازی کند و در ایجاد ارتباط ویژه به بچه کمک نماید، به همه اعضای گروه، برخی از امتیازات ویژه داده خواهد شد. یا به‌خاطر چنین کاری مورد تمجید قرار می‌گیرند.

3- استراتژی توجه به هم‌نوع: معلّم، یک بچه خاص را که به‌نظر می‌رسد خیلی توانا است و در برقراری ارتباط با دیگران خوب عمل می‌کند انتخاب کند و او را به‌عنوان معلم برمی‌گزیند. و به‌طور ویژه از آن بچه می‌خواهد تا به‌عنوان یک نمونه و راهنما، در آغاز کار او مانند یک درمانگر معلم، عمل می‌کند: او آموزش می‌دهد، پاداش می‌دهد و راهنمایی می‌کند. این بدین خاطر است که به توسعه برخی از روابط متقابل اجتماعی کمک می‌کند. زیرا بدون چنین تعلیم صریحی، هیچ ارتباطی، موجود نمی‌شود. فرد هم‌نوع در جریان آشنا شدن با همدیگر، احتمالاً انعطاف‌پذیر و خلاق‌تر می‌شود، بدون اینکه ارتباط خود را با بچه ناتوان از دست بدهد. این استراتژی نیز دارای سودمندی است که به توجه اندکی از سوی فرد راهنما، نیاز دارد و ثمره نهایی به ارتباط اجتماعی نرمال، شباهت نزدیکی پیدا می‌کند.

همراه با رفتن به یک اتاق استراحت یکی از رایج‌ترین روش‌های به‌کار برده شده جهت کاهش رفتارهای ناهنجار در کلاس‌های درس می‌باشد. در حالیکه این مورد، همراه با بخش وسیعی از رفتارهای مثبت تقویت شده، مؤثر می‌شود، لازم به ذکر است که این مورد در سه حالت، به‌صورت متقابل اثبات می‌شود.

الف) در درمان رفتارهایی که به دلیل ذکر شده در بالا، از پذیرش تقاضا (رفتار تقویت‌شده به‌طور منفی) امتناع می‌کند یا از آنها می‌گریزد.

ب) در درمان اکثر رفتارهای خودانگیخته، در زمانی که بچه، عموماً به‌خاطر این رفتارها، تقویت‌کننده‌ها را کنترل می‌نماید و معمولاً آزاد است تا به‌طور آزادانه در آنها باقی بماند. در حالیکه حالت time out محیطی باشد که تقویت

مثبت، به طور مداوم جهت اثرگذاری، موجود، نمی‌باشد. در حقیقت، این مورد غالباً در موقعیت‌های ساختاری بی‌ثمر و محدود، اثری ندارد. اگر معلم به‌طور نرمال، انتقادات و تویخات را بیشتر از ستایش کردن، به کار برد، انتظار می‌رود که time-out هر آنچه را که رفتار، دنبال می‌کند افزایش دهد، در حالیکه روشی برای فرار کردن از رفتارهای نامطلوب معلم را فراهم می‌کند.

### **مشکلات معمول و احتیاطات:**

اشتباهاتی که در حین کار با این کودکان روی می‌دهد به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند: يك مجموعه عمومی از مشکلات وجود دارند که بر خیلی از موقعیت‌های آموزش، اثر می‌گذارند و از تکنیک‌های معلم مستقل هستند و مجموعه‌ای از مشکلات ویژه وجود دارند که به احتمال زیاد در درون يك چارچوب اصلاح رفتاری، روی می‌دهند.

### **تکنیک های آموزشی – رفتاری برای کودکان در خودمانده**

ترجمه قسمت هایی از کتاب The Me Book نوشته پروفیسور Lovaas

#### **«بخش پانزدهم»**

#### **مشکلات ویژه:**

این بخش برخی از مشکلات ویژه را ذکر می‌کند که ممکن است در يك برنامه آموزش رفتاری طراحی شده، رخ دهد. تعیین این مسائل، همیشه، آسان نیست و شما به کمک يك همکار یا گروهی از هم‌نوعان نیاز دارید. تا اشتباهات موجود در هر تکنیک آموزشی را، ذکر نمایند. حتی اگر يك معلم کاملاً دقیق، شروع به کار کند، جای تعجب نیست که در طولانی مدت از مسیر درست تشخیص منحرف شود و درک این تغییرات تدریجی در سبک آموزش، مشکل می‌باشد وجود هم‌نوعان، در نگه داشتن يك فرد در مسیر درست، مفید است. مشکلات اصلی که در آموزش رفتاری، ایجاد می‌گردند، در زیر خلاصه می‌شوند.

#### **- تشویقات، متفاوت از تنبیهات هستند:**

یکی از رایج‌ترین اشتباهاتی که موقع تشویقات روی می‌دهد، این است که همانند تنبیهات به نظر می‌آیند و بچه، بین آن دو تفاوتی قائل نمی‌شود. اگر واژه «خوب» یا «آفرین» با تُن صدای مشابه و حالت گفتن «نه» توسط معلم گفته شود، در این صورت، احتمال می‌رود که بچه ناتوان ذهنی، اطلاعات را به‌طور نادرست دریافت دارد. در سطوح آموزش پیشرفته معین واژه‌های «آفرین» و «نه» ممکن است با لحن یا بیان عاطفی یکسان، گفته شود، زیرا ارزش اطلاعاتی این کلمات جهت هدایت بچه کافی خواهد بود، اما مطمئناً در طول مراحل آغازین آموزش برای فرد ناتوان ذهنی این‌گونه نیست. يك دلیل ممکن درباره این موضوع که چرا افراد بزرگ (راهنما) واژه‌های «آفرین» و «نه» را به‌صورت تأکیدی اندک، بیان می‌دارند، به این خاطر است که آنها، احساسات خودشان درباره این کلمات را در طول زمان کنترل کنند. ابقای نوع مشابه بیان عاطفی سطح بالای آن، ماه به ماه و سال به سال، مشکل است. يك فرد به تقویت از سوی هم‌نوعان نیاز دارد، تا براساس آن يك چنین تشخیصی را حفظ کند.

#### **تنوع در توجهات:**

خیلی از افراد بالغ در انواع توجهات که برای بچه هایشان فراهم می‌کنند، محدود می‌شوند. يك معلم خوب فردی است که به روش‌های گوناگون، پذیرش یا عدم پذیرش کاری را ابراز می‌دارد؛ او به‌طور شفاهی، تصدیق می‌کند، بچه را می‌بوسد، در آغوش می‌گیرد، غلغلک می‌دهد. غذا را برایش فراهم می‌کند. به بچه اجازه می‌دهد تا از صندلی

پایین بیاید، با بچه بازی می‌کند و عموماً تمام انواع چیزهای مطلوب که یک بچه می‌تواند تصور کند را برای او آماده می‌نماید. معلمی که مهارت کافی ندارد، بر یک حالت ابراز واژه «آفرین» با تُن صدای یکسان، پایدار می‌ماند چنین توجه کلیشه‌ای، به موقعیتی تبدیل می‌شود که از آن، دریافت پاداش انتظار می‌رود و بچه، در حالت آموزش، توجهی ندارد. همچنین به یاد داشته باشید که وقتی یک بچه، با مشکلی روبه‌رو می‌شود و جواب آماده‌ای برای آن ندارد، با توجه به علاقه او به تنوعی از تقویت‌کننده‌های مثبت، یک معلم خوب، تصمیم می‌گیرد تا برخی از موارد سخت و حالات ناخوشایند را به او یاد دهد. اکثر بچه‌های نرمال، احتمالاً، یاد می‌گیرند تا مشکلات را حل نمایند. زیرا مشکل یک حالت معین سختی و ناراحتی در آنها ایجاد می‌کند. توجه به کامل کردن یک کار مشکل، تنها به دلیل به‌دست‌آوردن تقویت‌کننده‌های مثبت نیست، بلکه، امتناع یا گریز از انواع سختی‌ها و ناراحتی‌های منفی، نیز می‌باشد. به‌طوری‌که حلّ مسأله، را تسریع می‌دهد. یک معلم خوب احتمالاً فردی است که به بچه‌هایش کمک می‌کند تا برخی از انواع موقعیتهای مشکل را قبل از حل مسأله تجربه نمایند و رسیدن به راه حل را درک کنند.

### **در مورد چگونگی تقویت با توجه به یک موضوع دقت کنید:**

اکثر افراد، تشخیص می‌دهند که یک فرد باید در کاربرد تنبیهش، مواظب باشد. معمولاً، تصور می‌شود که محبت، هیچ آسیبی را ایجاد نمی‌کند. به‌طوری‌که بچه‌های ناتوان ذهنی، می‌توانند تمام کارهایی را انجام دهند، که فرد موردعلاقه آنها ارائه می‌دهد. افزون بر این، ما از این موضوع آگاه هستیم که چگونه یک فرد باید دوست داشتن را با احتیاط به کار برد، دوست داشتن، داروی نیرومندی است و می‌تواند هم علیه بچه و هم به نفع او، به کار برده شود. خیلی از افراد، درمی‌یابند که دوست داشتن یک بچه بیمار، ساده‌تر از دوست داشتن یک فرد سالم است. شاید این نگرش، با مفهومات مربوط به بچه‌های تحت عنوان «بیمار روحی» و «ناتوان» همراه شده است، و انتظارات ما از آینده‌شان را پایین آورده است. به‌ویژه ما مشاهده می‌کنیم که چگونه ابراز محبت به رفتارهای خودآزایی و روان‌پرشی، باعث ابقای چنین رفتارهایی می‌گردد. دلیل این موضوع که چرا خیلی از افراد ناتوان ذهنی توسط کمبودهای رفتاریشان در تنگنا قرار داده می‌شوند و برخی مواقع حتی، از طریق خودآزایی، درصد برمی‌آیند تا به خود آسیب جدی برسانند. این است که آنها در زمانی اشتباه دوست داشته‌شده‌اند. معلمان، روانشناسان و روانپزشکان می‌توانند خطرناک‌ترین افراد محترم و باوقار باشند.

### **توجه جدی:**

یکی از مشکلات مهمتر که خیلی از بچه‌های عقب مانده ذهنی، با آن، روبه‌رو می‌شوند، به جدیت یا شدت توجه‌شان بستگی دارد. تا آن اندازه که ما می‌توانیم تشخیص دهیم، بچه‌های عقب‌مانده ذهنی توجه‌شان را به بخش‌های کمتر یک موقعیت آموزشی معطوف می‌سازند و نسبت به آنچه که بچه‌های نرمال یا متوسط با هم سن‌شان رشد مشابه، انجام می‌دهند، بر بخش کمتری از آموزش، متمرکز می‌گردند. به تعبیر دیگر، این بچه‌ها تمام مواردی که فرد، ممکن است از آنها بخواهد تا انجام دهند، را درک نمی‌کنند. در صورتی که، در ابتدای کار، فرد راهنما (بزرگسال) مقدار زیادی از اشارات یا علائم موردنظر، را به کار می‌برد و آن‌ها را به صورت شفاهی یا عملی در هنگام کار یا فعالیت، هدایت می‌نماید، بچه ممکن است به هدایت‌ها یا راهنمایی‌های موجود، عادت کند و به اشارات دیگری که فرد «راهنما» در نظر دارد تا با یک کار ویژه، همراه گردد، توجه‌ای نمی‌کند. و در این حالت، مشکل دوبرابر می‌شود. به‌عنوان مثال اگر، فرد راهنما، با نشان دادن جایی که جواب درست قرار دارد، بچه را راهنمایی کند، سپس بچه، ممکن است بدون جهت، به راهنمایی یا سمت انگشت فرد راهنما، وابسته گردد و به‌طور شفاهی آن چیزی را ترسیم یا به تعبیری دنبال می‌کند که دست فرد راهنما، نشان می‌دهد، تا براساس آن، جواب دهد. توجه بچه به

دستِ فرد راهنما(بزرگسال) ممکن است به قدری شدید گردد که او هرچیز دیگری را نبیند و از آنچه در اطرافش روی می‌دهد، بی‌اطلاع گردد و صدایی را نشنود. بچه ممکن است، با دقت صورت فرد بزرگسال را جهت این اشارات اضافی، که جواب درست را نشان می‌دهد، مطالعه و ارزیابی نماید و به قدری به صورت فرد و برداشت موضوع از آن، توجه کند که هر چیز دیگری باعث صرف‌نظر کردن از آنها می‌شود، باید فردی شما را تماشا کند تا ببیند که آیا شما خیلی از این راهنمایی‌ها یا اشارات بدون مقصود را به کار می‌برید یا نه.

### **احساس در برابر ادراک:**

مسئله دیگر در توجه کردن، تفاوت بین احساس و ادراک است. به‌عنوان مثال مقدماً این احتمال وجود دارد که بچه به‌طور مستقیم به صورت فرد راهنما، بنگرد ولیکن آن چیزی را که فرد، سعی دارد تا بیان کند، نمی‌بیند یا نمی‌شنود. در این حالت هرچند که با فریاد نیز با او صحبت شود بازهم او متوجه نمی‌شود ( درحالی‌که نقص شنوایی ندارد). پرداختن به توجه «واقعی» (دیدن و شنیدن) احتمالاً از طریق کاربرد متفاوت پاداش‌ها و تنبیهات ( یا بدون پاداش) صورت می‌گیرد. مثلاً بچه را وادار می‌کنیم تا با دقت به مربی گوش دهد و به آن توجه کند سپس بعد از انجام آنچه که مربی از او می‌خواهد بلافاصله پاداش می‌گیرد و تقویت می‌شود و هنگامی که به اشارات معلم توجه نکند و پاسخ صحیح ندهد از پاداش محروم می‌ماند و این باعث می‌شود که توجه کردن شکل گیرد. اهمیت دادن به دقت و توجه بچه بسیار مهم است زیرا زمانی که بچه به شما نگاه می‌کند ولیکن هیچ توجهی ندارد، آموزش دادن به او کاری عبث و بیهوده است.

### **بچه، سخت‌تر از فرد بزرگ، کار می‌کند:**

مسئله دیگر، که جهت تشخیص تا اندازه‌ای ظریف‌تر و مشکل‌تر می‌باشد، در موقعی دیده می‌شود که یک فرد بزرگسال در حین کار توجه چندانی به کودک نمی‌کند. و بچه به‌طور منفعل بر روی صندلی می‌نشیند. و به انجام رفتارهای اختیاری می‌پردازد و از آن لذت می‌برد برخی مواقع، یک بچه خیلی کند، حرکت می‌کند، زیرا معلم خیلی فعال نیست و تعلیم، هرگز مؤثر واقع نمی‌شود. حالت ایده‌آل، موقعی است که مربی هنرمندانه از فنونی استفاده کند که بچه خیلی فعال کار کند تا خودش به دنبال جواب درست بگردد. نه این که معلم این کار را بکند.